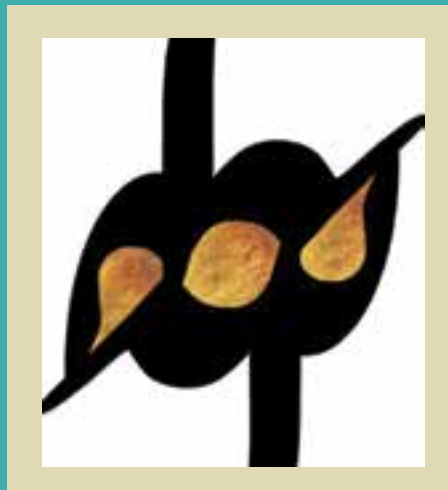


- ۲- به مداح به چشم یک معلم نگاه کنید (رهنمودهای رهبری)
- ۳- طالبان همیشه چشمه و چشمه خورشیدها را می بیند
- ۴- طالبان همیشه چشمه و چشمه خورشیدها را می بیند
- ۵- طالبان همیشه چشمه و چشمه خورشیدها را می بیند
- ۶- طالبان همیشه چشمه و چشمه خورشیدها را می بیند
- ۷- طالبان همیشه چشمه و چشمه خورشیدها را می بیند
- ۸- طالبان همیشه چشمه و چشمه خورشیدها را می بیند



صاحب امتیاز: بنیاد دعبل خزاعی
مدیرمسئول: علی عظیمی
سرمدبیر: امیر عیسی ملکی
مشاور تحریریه: محمد مهدی عرب انصاری

همکاران این شماره: حسن بختیاری، مجید مبینی
رضا بابایی، محسن حسام مظاهری، عزت الله پوریان
پوریا شیرآشینی، محمد حسینی، عیسی نصیری
روح الله حمیدیان، امین رشیدی
ویراستار و تصحیح: امیر عیسی ملکی
گرافیک: علی اکبر محمدخانی

- بیانیه مأموریت حوزه آموزش نظام آموزش عالی کشور ۲۹
- آموزش مداحی به شیوه سنتی (گفت و گو با محسن طاهری) ۳۰
- دانشگاه مدح و تعزیت ۳۲
- تأملی درباره دانشگاه مداحی ۳۴
- آیین نامه آموزشی مراکز آموزش مداحی ۳۶
- کاردانی حرفه ای مدیحه و مرثیه سرایی ۴۱
- مداحی عرصه آزمون و خطا نیست (گفت و گو با عباس دلجو) ۴۴
- عاشورا پژوهی، دانشی بدون دانشگاه ۴۶

مطالب خود را در یک طرف کاغذ A4 بنویسید.
دعبل در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.
برگشت دادن مطالب ارسالی امکان پذیر نیست.
بهتر است برای مکاتبه از پست الکترونیکی استفاده کنید.

به مداح به چشم یک معلم نگاه کنید

روضه‌خوانی هم شرایط دارد. مداحی هم شرایط دارد. نوحه‌سینه‌زنی خواندن هم شرایط دارد. باید کسانی که اینها را تهیه می‌کنند، می‌سُرایند و می‌خوانند، مواظب باشند که درست بر طبق معارف اسلامی حرف بزنند، تا این سینه‌زنی، این روضه‌خوانی و این نوحه‌خوانی، قدمی در راه عروج مردم به اوج قله افکار اسلامی نباشد. این، امروز برای ما لازم است. باید سعی کنند که از اباطیل و مطالب خلاف و کارهای ناشایسته و بعضی از کارها که وهن مذهب است و حقیقتاً شایسته دستگاه حسین بن علی علیهم السلام نیست، اجتناب شود.^۴

ضرورت برنامه‌ریزی و آموزش

خب، اگر بنا شد نیت خدایی باشد، پس باید شما نگاه کنید ببینید کدام بیان، ذکر کدام منقبت، بیان کدام فضیلت، مخاطب شما را هدایت می‌کند؛ این آن نکته‌ای است که من در طول این سال‌های متممادی شاید بیست و چند سال است که ما مثل امروزی، این نشست را با مداحان و بلبان غزل‌خوان این بوستان داریم همیشه تکرار کردم. ببینید چه بخوانید؟ چه بگویید، مستمع شما می‌شود متنور به نور فاطمه زهرا سلام الله علیها یک چیزهایی هست که گفتن آنها هیچ گشایشی و هیچ فتوحی در ذهن شنونده شما به وجود نمی‌آورد، هیچ بهجتی در جان مستمع شما به وجود نمی‌آورد؛ اینها

کسانی که سالیان درازی در این راه بوده‌اند و جوانب گوناگون آن را سنجیده‌اند، و نیز فضلا و آگاهان به شرایط زمان برقرار بشود.^۲

تعیین ضوابط و شرایط صلاحیت‌داگران

تقریباً در ۱۰۰ سال پیش، مرحوم حاج میرزا حسین نوری، کتابی به نام «لؤلؤ و مرجان» در شرایط پله اول و دوم منبر روضه‌خوانان نوشت. آن زمان، یک محدث که دلسوز، روشنفکر و آگاه بود، به فکر این بود که پله اول و دوم منبر، هر کدام شرایطی دارد؛ بی‌شرط نمی‌شود وارد این میدان شد. شاید در آن روز، روضه‌خوانان و مرثیه‌خوانان روی پله اول، و وعاظ روی پله دوم می‌نشستند. آن روز، آن بزرگوار می‌نوشت و در محدوده دید آن زمان می‌دید؛ اما امروز شما در یک محدوده وسیع‌تر می‌بینید و می‌توانید آن را عمل بکنید. چه کسی به صورت مجاز منبر برود و مورد قبول جامعه‌ای که بر این کار نظارت دارد، باشد؟ چه بگوید؟ کی و کجا بگوید؟ این، به معنای نسخه‌نویسی و دست این و آن دادن نیست. در کشورهای اسلامی دیگر این گونه است که مأموران دولتی چیزی را می‌نویسند و در اختیار امام جمعه‌ای می‌گذارند و می‌گویند این را بخوان. نه، تفکر و مطالعه و بررسی و استفاده از اساتید فن و پیشکسوت‌های این میدان لازم است و باید با معیارهایی، مناسب‌گویی و درست‌خوانی، با هدف اصلاح خواندن و گفتن، انجام بگیرد.^۲

ایجاد مرکزی برای شناخت ارزبابی و ارتقاء سطح معلومات مداحان

باید به تدریج طوری بشود که این سمت مداحی که واقعاً یک منصب است حدود و ثغوری هم پیدا کند. مداحی اهل بیت، خیلی بالاست. هم مقام بالا و هم تأثیر زیادی در جامعه و ذهن مردم دارد. باید بدانید که چه کسی مداح است، مقدمات کار مداحی او چیست، چقدر شعر می‌داند، چقدر حفظ است و چقدر می‌تواند بخواند؟ این خصوصیات را باید مرکزی عهده‌دار شود. حالا نمی‌دانم این مراکز مرسوم باید این کار را بکنند یا خود شما به کیفیتی فکرش را می‌کنید. این چیزی است که دنیا و نیازهای جامعه امروز، غیر از آن را بر نمی‌تابد و قبول نمی‌کند. باید این طور باشد. کسانی که رسماً این منصب را به عهده می‌گیرند و لباس مقدس ستایش اهل بیت علیهم السلام را بر تن می‌کنند و مردم، آنها را به این عنوان می‌شناسند، بایستی خصوصیتی داشته باشند و مرکزی باشد که آنها را با این خصوصیات تشخیص بدهد و صحنه بگذارد.^۱

سازماندهی و قاعده‌مندی در نهاد منبر

گمان من این است که ما امروز در قبال نهاد منبر، یک وظیفه جدید داریم؛ یک سازماندهی و یک قاعده و ضابطه لازم است. این قاعده و ضابطه، بایستی به وسیله مَعمران این فن و خبرگان این میدان و



مقدس در جبهه بودند، خوب در ذهن شان حرف بنده را تصویر می کنند سپرده شده است و آن مانند این است که این بخش عظیم را این لشکر یا این قرارگاه به عهده دارد و تکه یی از آن را به گردن ما سپرده اند؛ ما باید این را خوب از عهده بر بیاییم، تا دیگران هم که در بخش های خودشان از عهده بر آمده اند، مجموعش بشود پیروزی؛ باید برادران مداح به این موضوع توجه کنند.^{۱۱}

پی نوشت:

- ۱- سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از ذاکران و مداحان ۱۳۶۸/۱۰/۲۸.
- ۲- سخنرانی در دیدار با روحانیون و مبلغان ۱۳۷۰/۴/۲۰.
- ۳- سخنرانی در دیدار با روحانیون و مبلغان ۱۳۷۰/۴/۲۰.
- ۴- بیانات در دیدار با علما و روحانیان و طلاب ۱۳۷۲/۳/۲۶.
- ۵- بیانات در دیدار جمعی از مداحان سراسر کشور ۱۳۹۱/۲/۲۳.
- ۶- بیانات در دیدار مداحان اهل بیت ۱۳۸۹/۳/۱۳.
- ۷- بیانات در دیدار با مداحان آل الله ۱۳۷۷/۷/۱۹.
- ۸- بیانات در دیدار مداحان اهل بیت ۱۳۸۹/۳/۱۳.
- ۹- بیانات در دیدار با جمعی از مداحان اهل بیت ۱۳۸۰/۶/۱۸.
- ۱۰- بیانات در دیدار جمعی از مداحان سراسر کشور ۱۳۹۱/۲/۲۳.
- ۱۱- بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا ۱۳۸۴/۵/۵.

روح هم داشته باشد. یک انسانی با داشتن حافظه خوب و صدای خوش، می تواند بشود یک مداح. به نظر ما این کافی نیست. شما به مداح به چشم یک معلم نگاه کنید که می خواهد چیزی را به مستمع خود تعلیم بدهد. همه شماها این صلاحیت را دارید. هیچ کس را از این دایره نباید بیرون کرد. هر که شوق این کار را دارد، بسم الله، خیلی خوب است؛ اما صلاحیتش را در خودش به وجود بیاورد.^۸

مداحان؛ مربیان جامعه

کسی که مداحی می کند، باید خودش را در روی منبر ببیند و مستمعان را کسانی مشاهده کند که می خواهند از او چیزی بیاموزند. با این نیت و انگیزه پشت تریبون یا منبر مداحی قرار گیرد.^۹ پراکندن این فضائل و معنویات در بین مردم، کمک به تربیت انسان هاست. انسان ها با شناخت الگوها، با یاری گرفتن از پیروی الگوهاست که می توانند به درجات عالی و مقامات برتر دست پیدا کنند. اگر در این راه حرکت کنید، کار بزرگی کردید.^{۱۰}

مداحان؛ در صف نخستین جبهه تبلیغ

جبهه تبلیغ، جبهه وسیعی است که در آن هنر و آموزش و علم و دین و دانشگاه و حوزه و وزارت ارشاد و صدا و سیما هستند، که یک قسمت از این جبهه وسیع، به جماعت مداح این برادرهایی که در دوره جنگ و دفاع

را نگویند. آن چیزهایی را بگویند که دل ها را نرم می کند، خاشع می کند، به پیروی از فاطمه زهرا سلام الله علیها راغب می کند. آن چیزهایی را بگویند که می تواند مستمع شما را به پیمودن راهی که آن بزرگوار رفت، تشجیع کند، تشویق کند. اینها فکر لازم دارد، آموزش لازم دارد؛ کار، آسان نیست.^۵

مداحان؛ مبلغان دین

وقتی آنجا می ایستید برای خواندن، احساس کنید که به عنوان یک مبلغ دین، به عنوان یک پیام آور حقایق دینی، در اثرگذارترین شکل، آنجا ایستاده اید. اگر این احساس وجود داشت، آن وقت انتخاب شعر محدودیت پیدا می کند، کیفیت ادا محدودیت پیدا می کند، انسان هایی که می خواهند این مسئولیت را انجام بدهند، محدودیت پیدا می کنند؛ چاره ای هم نیست. این کار را خود شما باید بکنید؛ کار خود مداح هاست.^۶

شما حامل پیام دینی محسوب می شوید؛ یعنی سمت معنوی و روحانی دارید.^۷

مداحان؛ معلمان جامعه

امروز اگر چنانچه پرسند: «آقا حرفه مداحی به چی احتیاج دارد؟»، «یکی بخواهد مداح بشود، از امروز شروع کند، چه چیزی نیاز دارد؟»، دو سه چیز را می شمارید دیگر؛ می گویند باید صدایش خوب باشد، حافظه خوبی داشته باشد، بتواند شعر یاد بگیرد؛ البته



طالبان چشمه خورشید

توجه دادن مداحان تحت آموزش
به تأثیر نیت پاک

حسن بختیاری

آموزش در هر رشته و فنی اعم از علمی، ورزشی و هنری بسیار حایز اهمیت است. در سال‌های اخیر کتاب‌ها و مقالات فراوانی در خصوص متد آموزش و شیوه‌های نو در امر تعلیم و تربیت به رشته تحریر درآمده است؛ که بی‌تردید حاصل سعی و تلاش افراد صاحب‌نظر در این عرصه بوده و عدم اهتمام به این دستاوردها سبب محروم ماندن از آثار ارزشمند آنها خواهد بود.

نوشتار حاضر در صدد ذکر نکات آموزشی جدید نیست؛ بلکه در پی آن است که شیوه پیرغلامان اهل بیت علیهم‌السلام و بعضی از اموری را که استادان این عرصه و هنر شریف، خود را در امر آموزش ملزم به رعایت آن می‌دانستند، بیان کند.

توجه به نکات مثبت

مداحی و ستایشگری اهل بیت علیهم‌السلام امری معنوی است و توفیق پرداختن به آن نصیب هر کس نمی‌شود. به همین دلیل است که پیرغلامان حسینی در صورتی که فردی را شایسته و مستعد ورود به این عرصه می‌یافتند، با تأکید بر نقاط مثبت موجود در وی، سعی می‌کردند او را ملزم به رعایت نکات فنی این رشته کنند. این موضوع بسیار حایز اهمیت است، به خصوص در آموزش رشته‌های متن هنری؛ بدان معنا که اگر استاد در ابتدای امر نواقص موجود در فرد را دیده و بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌ای بازگو کند، شاید در همان ابتدای امر، هنر جو عطای آن هنر را به لقایش ببخشد؛

و از تلاش در راه رسیدن به آن هنر بازماند. دقت و تأمل در شیوه آموزش استادان مداحی به خوبی بیانگر همین شیوه صحیح است. ایشان اگر صدای خوش و صفای باطن به علاوه کمی اراده و عزم را در فردی مشاهده نمایند، با تشویق و ترغیب و ذکر نکات ریز دارای اهمیت، او را وارد عرصه مدح و ستایشگری کرده و سایر نکات را در مسیر آموزش به واسطه تکرار، ملکه وجود او می‌سازند.

نقطه مقابل این شیوه که بسیار زیانبار بوده و عدم توجه به آن آثار سوئی را به دنبال خواهد داشت، این است که استاد در همان مواجهه اول نقاط منفی و نواقص را بی‌پرده و بدون توجه به ذوقیات نوآموز مطرح کند. این موضوع در روایات حضرات معصومین علیهم‌السلام و در ذکر ویژگی‌های مؤمنین نیز مشاهده می‌شود؛ که فرموده‌اند: مؤمن مانند زنبور است که بر روی گل‌ها می‌نشیند؛ کنایه از آن که به دنبال زیبایی است و از اشاعه و گسترش زیبایی‌ها در محیط اطراف خود لذت می‌برد.

اگر پیرغلامان و استادان امر ستایشگری خود را ملزم به رعایت این نکته بسیار حساس نمی‌دانستند، بی‌تردید مداحان نوآموز، یا از مداحی دست می‌کشیدند و یا از اینکه خود را ملزم به آموزش بدانند منصرف می‌شدند. این مطلب به معنای آن نیست که نقاط ضعف و مواردی را که نیاز به آموزش و رعایت دارند، توسط استادان فن دیده و بازگو نشوند؛ بلکه بدان معناست که آموزش به گونه‌ای هدفمند و در یک دوره زمانی مشخص به انجام می‌رسد و لازم نیست با ذکر نواقص و نقاط ضعف آغاز شود.

توجه پیوسته به داشتن نیت پاک

از جمله اموری که پیرغلامان اهل بیت علیهم‌السلام ملتزم به رعایت آن بوده‌اند، توجه دادن مداحان تحت آموزش به تأثیر نیت پاک در این هنر شریف بوده است؛ عدم توجه به منافع مادی و انگیزه‌های غیر الهی که به شدت در این عرصه زیانبار هستند و وجهه صنفی این مجموعه را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

استادان این رشته این موضوع را پیوسته و در قالب نکات پندآموز متعدد به خورد جان مداحان و ستایشگران می‌دهند؛ به عنوان نمونه حضرات معصومین علیهم‌السلام خود شاهد مجالس توسل بوده و به فرموده ایشان محافل توسل به اهل بیت محل اجتماع ملائکه الهی است. جمله این امور مداح و ستایشگر را بر آن می‌دارد از آلوده نمودن نیت خود به اغراض نازل دنیوی اجتناب کند.

روشن است که پس از فن شریف موعظه و تبلیغ دینی که مشتمل است بر ذکر فضایل و مدایح خاندان عترت که در حوزه‌های علمیه توسط استادان مبرز به آن پرداخته می‌شود،

شاید تنها فنی که تأثیر نیت پاک در آن غیر قابل انکار است، مداحی و ذکر مدایح حضرات معصومین علیهم‌السلام است. به جرأت می‌توان گفت، اندک التفاتی به اغراض و خواسته‌های غیر الهی تأثیر قابل ملاحظه‌ای در تنزل سطح مجالس توسل و امتیاز مداح خواهد داشت. این امر درونی و باطنی است؛ اما تأثیر آن محسوس و برای مخاطبان قابل درک است.

روشن است که این موضوع یک موضوع علمی یا نظری صرف نیست؛ که بتوان به طور مدون به آن پرداخت و محتوای تعلیم قرار داد؛ به همین دلیل است که می‌توان گفت نوع پردازش پیرغلامان به این موضوع و القاء آن به هنرآموزان در این رشته بسیار تأثیرگذار و هنرمندانه بوده است. این ساحت نیز از ساحت‌هایی است که حضور، تجربه، اعتبار و توانایی پیرغلامان در بیان سینه‌به‌سینه معارف و نکات تخصصی دارای اهمیت و ارزش فراوان است؛ به گونه‌ای که نمی‌توان برای آن جایگزین دیگری را سراغ گرفت.

داشتن محفوظات شعری

انتخاب شعر مناسب و تسلط در خواندن آن در مکتب پیرغلامان دارای اهمیت فراوان است. این نکته توسط اغلب مداحان جدید جدی گرفته نمی‌شود؛ و از روخواندن ضعف شمرده نمی‌شود. در صورتی که مداحان آموزش دیده در محضر پیرغلامان را با مداحان جدید مقایسه کنیم، امتیاز داشتن محفوظات شعری و آمادگی برای اجرای برنامه در هر مناسبت و در موضوعات مختلف به خوبی ظاهر می‌شود.

عدم توجه به این نکته در سال‌های اخیر سبب شده است، مداحان و ستایشگران اهل بیت علیهم‌السلام به جای ذکر مدایح و مرآئی در قالب اشعار و کلمات منظوم به سخنرانی و بیان کلمات در قالب نثر پردازند و بر آشنایان امر واضح است که این موضوع نه تنها نقطه مثبتی در مداحی ایشان به شمار نمی‌رود، بلکه از جهات مختلف قابل نقد و اعتراض است.

دقت در آسیب‌هایی که از این جهت متوجه امر مداحی و نوع مداحی‌های نوظهور است، دلیل تعصب و تأکید پیرغلامان و استادان مسلم این عرصه را در ضرورت داشتن محفوظات شعری نمایان می‌کند.

این نمونه‌ها و بسیاری موضوعات دیگر گویای این حقیقت هستند که علاوه بر دستاوردهای جدید در تکنولوژی آموزش، پیرغلامان صاحب اعتبار در این عرصه، نکات ممتاز و ارزشمندی را حاصل نموده و در تعلیم آنها اهتمام دارند؛ که می‌باید با دقت تمام مورد توجه مداحان و ستایشگران اهل بیت علیهم‌السلام و همه کسانی که در این عرصه به نوعی مشغول فعالیت هستند، قرار گیرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّالِمِينَ

دانشگاه مداحی؛ آری یا خیر؟

پرونده ویژه آموزش در حوزه ستایشگری اهل بیت - رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم -

این شماره از نشریه «دعبل» به موضوع آموزش مداحان و ذاکران اهل بیت علیهم السلام اختصاص دارد. در پرونده ویژه این موضوع سعی کرده ایم ابعاد متعدد و گوناگون این موضوع را از مواضع نظری استادان و کارشناسان این حوزه بررسی کنیم. این موضوع در جلسات متعددی از نشست های هم اندیشی در هیئت علمی بنیاد دعبل خزاعی مورد مذاقه اعضای هیئت علمی و استادان مدعو قرار گرفته است. در نشست هم اندیشی با همین موضوع در شانزدهم مهرماه ۱۳۹۲ ش. نیز استادان، کارشناسان و مسئولان نهادهای فعال در حوزه ستایشگری اهل بیت علیهم السلام این موضوع را در سالن اجتماعات و کنفرانس بنیاد دعبل خزاعی تشریح و تبیین کرده اند که مشروح این نشست از جمله مطالب این پرونده است.





آکادمیک سازی مداحی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها

مجید مبینی

و سبک‌ها، مشابهت بسیاری با هنر موسیقی مصطلح دارد. هنر شعر نیز بخشی بنیادی در هنر مداحی به شمار می‌رود؛ به گونه‌ای که جداسازی شعر از مداحی، مداحی را تا حدی از کارآمدی خود باز می‌دارد.

رشته مداحی و مطالعات نظری

مطالعه مقوله مداحی از زاویه نخست (رابطه مداحی و جامعه) می‌تواند به مثابه یک بخش از جامعه‌شناسی هنر مورد بررسی قرار گیرد و مطالعه آن از زاویه دوم (هنر مداحی) نیز می‌تواند بخشی از مطالعات رشته هنر قرار گیرد.

اما می‌توان با ایجاد یک رشته مستقل دانشگاهی، تمامی مباحث نظری پیرامون مداحی را در یک رشته متمرکز ساخت که این امر می‌تواند زمینه‌ساز گسترش کمی و کیفی مباحث نظری درباره مداحی باشد که به مرور نتیجه آن به‌سازی مداحی در عرصه عمل خواهد بود.

مروری بر مقالات علمی نگاشته شده در سال‌های اخیر، نشان می‌دهد که مقوله مداحی و ستایشگری، بسیار کم مورد توجه جامعه علمی کشور بوده است، حال آن که

به سید الشهدا علیه‌السلام از اولین گام‌های هدایت آنها بوده است و حسین علیه‌السلام سفینه‌النجاه آنها بوده است. بنابراین هنر مداحی، نه تنها بر جوامع شیعی بلکه بر سرشت‌های پاک در هر جامعه‌ای اثرگذار بوده است.

با ایجاد یک رشته مستقل دانشگاهی تمامی مباحث نظری پیرامون مداحی را در یک رشته متمرکز ساخت که این امر می‌تواند زمینه‌ساز گسترش کمی و کیفی مباحث نظری درباره مداحی باشد که به مرور نتیجه آن به‌سازی مداحی در عرصه عمل خواهد بود

گذشته از تأثیر مداحی بر جامعه، خود هنر مداحی نیز که ترکیبی از هنر شعر و موسیقی است، به خودی خود ظرفیت مطالعه علمی را دارا است. در مداحی هر چند از ابزار موسیقی استفاده نمی‌شود، اما در دستگاه‌ها و مقامات

سالیان مدیدی است که هنر مداحی و ستایشگری اهل بیت علیهم‌السلام در فرهنگ تشیع پدید آمده است و به مرور ایام، نه تنها از حرارت آن کاسته نشده است، بلکه توسعه نیز یافته است.

هنر مداحی با مستحکم‌تر ساختن رابطه اندیشه و به‌ویژه عاطفه شیعیان با اهل بیت علیهم‌السلام توانسته است تأثیر شایانی بر پویایی جوامع شیعی بگذارد. فرهنگ عاشورا و فرهنگ مهدویت که دو بخش مهم آموزه‌های مکتب تشیع را تشکیل می‌دهد، بقای عملی خود در جامعه شیعیان را تا حد قابل توجهی مرهون هنر مداحی هستند.

از سوی دیگر، مطالعه سرگذشت‌نامه افرادی که به مذهب تشیع گرویده اند نیز نشان می‌دهد که شمار بسیاری از آنان، تحت تأثیر مرثیه‌خوانی قرار گرفته‌اند و همین امر، اولین جرقه در هدایت آنها بوده است. «مارکو مورلی» (حسین) ایتالیایی، خانم «دیانا ترانکو» (هاجر حسینی) آمریکایی، دکتر «محمد تیجانی سماوی تونسسی»، ملا «محمدشریف زاهدی» بلوچستانی و ماموستا «سلیمان حدادی» کردستانی؛ همگی از جمله کسانی هستند که حزن قلبی نسبت

طرح تأسیس رشته تخصصی

مداحی

در دانشگاه جامعه المصطفی

متوقف شده است

در تاریخ سوم آذر ۱۳۹۰ ش. عضو هیئت مدیره کانون شاعران و مداحان قم، «عباس حیدرزاده» در گفت‌وگو با خبرنگار «مهر» با تأکید بر لزوم افزایش سطح علمی و دانش مداحان گفت: «مداحان قم با همکاری جامعه المصطفی در زمینه مداحی مدرک تحصیلی لیسانس می‌گیرند. هم‌اکنون هماهنگی‌های لازم برای معرفی مداحان و شاعران برای تحصیل و اخذ مدرک لیسانس مربوط به مداحی با جامعه المصطفی صورت گرفته است.»

دبیر کانون شاعران و مداحان قم و نماینده بنیاد دعبل خزاعی در استان قم، «غلامرضا فلاح اصل» در خصوص این موضوع گفت: «پیش از این کانون شاعران و مداحان قم برای آموزش مداحان اقداماتی از این قبیل را پیگیری کرده است؛ اما هم‌اکنون این طرح به علت شروطی که دانشگاه جامعه المصطفی برای کانون تعیین کرده، متوقف شده است.»

عباس حیدرزاده، نایب رئیس سابق و عضو فعلی هیئت مدیره کانون مداحان و شاعران قم، ضمن تأیید این خبر، اظهار داشت: «از شروط دانشگاه جامعه المصطفی برای تأسیس رشته مرتبط با مداحان، حضور دائمی مداحان و شاعران در کلاس‌های آموزشی و اقدام در چهارچوب قوانین دانشگاه بود؛ اما برای اغلب مداحان به دلیل اشتغال، حضور در همه کلاس‌ها مطابق با برنامه‌ریزی دانشگاه امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین این طرح تحصیل مداحان در مقطع کارشناسی در دانشگاه جامعه المصطفی در ابتدای راه متوقف شد.»

جامعه المصطفی العالمية نهادی علمی و بین‌المللی با هویت حوزه‌ای است و هدف آن گسترش علوم اسلامی، انسانی و اجتماعی، با رویکرد آموزشی، پژوهشی و تربیتی است. حیدرزاده همچنین به پیشنهاد دانشگاه جامعه المصطفی مبنی بر تأسیس رشته مرتبط با مداحان به صورت مجازی اشاره کرد؛ که هنوز برای آن پیگیری خاصی از طرف کانون مداحان و شاعران انجام نشده است. دانشگاه مجازی جامعه المصطفی یکی از زیر مجموعه‌های این دانشگاه است که به صورت اینترنتی فعالیت می‌کند.

بنابراین، هر چند امکان طرح مباحث گسترده علمی و مهارتی درباره هنر مداحی، این ظرفیت را ایجاد می‌کند که هنر مداحی نیز همانند دیگر هنرها به عنوان یک رشته مستقل در نظر گرفته شود، اما به دلیل آسیبی که از ناحیه عدم اخلاص ممکن است به این هنر مقدس وارد شود، بهتر است در تعریف آن

با ایجاد رشته دانشگاهی مداحی دور از انتظار نیست که تمرکز اصلی بر روی آموزش فن مداحی قرار گیرد و سایر مباحث به عنوان دروس جنبی تلقی شوند امری که در رشته‌های هنری دیگر مانند کارگردانی بازیگری گرافیک و موسیقی انجام می‌شود

به عنوان یک رشته آکادمیک با تأمل بیشتری اقدام کرد.

از سوی دیگر نمی‌توان ضرورت فراگیری برخی امور را برای جامعه مداحان نادیده انگاشت. آشنایی با جایگاه و تأثیر ژرف و شگرف هنر مداحی در تربیت فردی و تغییرات اجتماعی، آسیب‌ها و چالش‌های مداحی و نیز افزایش مهارت فردی مداحان، از جمله اموری است که ایجاد دوره‌ها و کلاس‌های آموزشی را ضروری می‌نماید. از این رو با توجه به آسیب‌های ناشی از ایجاد رشته دانشگاهی مداحی و نیز ضرورت فراگیری برخی معارف برای مداحان، به‌ویژه جوانان این عرصه، باید تدابیری اندیشید که از یک سو اوقات تحصیلات آکادمیک دامن‌گیر آنان نشود و از سوی دیگر مانع رشد علمی و مهارتی این هنر نشود.

با در نظر گرفتن مطالب پیش گفته، به نظر می‌رسد استمرار و تقویت دوره‌های ارتقای سطح معرفتی و هنری مداحی که از سوی نهادهای متولی این عرصه کم و بیش انجام می‌گیرد می‌تواند بیش از رشته مداحی به بالندگی این هنر کمک کند. همچنین ارائه گواهی حضور در دوره و نیز بهره‌مندسازی شرکت‌کنندگان از مزایایی، می‌تواند انگیزه مداحان جوان را برای حضور در این دوره‌های آموزشی افزایش دهد.

در عین حال اگر شرط لازم برای حضور در رشته دانشگاهی مداحی، «مداح بودن» متقاضی دانسته شود؛ این آسیب پدید نخواهد آمد و یا از شدت آن کاسته می‌شود.

همان‌طور که گذشت تأثیر هنر مداحی بر جامعه از بسیاری از هنرهای دیگر بیشتر است. جست‌وجو در پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (www.sid.ir) که صرفاً مقالات علمی معتبر را منتشر می‌کند؛ نشان می‌دهد که از میان هزاران مقاله، تنها مقالات انگشت‌شماری به مقوله مداحی پرداخته‌اند. ایجاد رشته دانشگاهی مداحی، شاید بتواند این خلاء را تا حدی پر کند و توجه شمار بیشتری از پژوهشگران علوم اجتماعی و هنری را به این عرصه جلب نماید.

اما نباید از نظر دور داشت که در رشته‌های هنری، معمولاً مباحث نظری ارج و مقام نمی‌یابند و عموماً تمرکز اصلی بر مباحث عملی و آموزش تکنیک‌های ارتقای مهارت‌های هنری است. این رشته‌ها هر چند، به ظاهر رشته‌های نظری عملی هستند، اما در واقع تکیه اصلی بر مباحث عملی است؛ از این رو با ایجاد رشته دانشگاهی مداحی نیز، دور از انتظار نیست که تمرکز اصلی بر روی آموزش فن مداحی قرار گیرد و سایر مباحث به عنوان دروس جنبی تلقی شوند؛ امری که در رشته‌های هنری دیگر مانند کارگردانی، بازیگری، گرافیک و موسیقی انجام می‌شود. در آن رشته‌ها نیز مباحثی همانند تأثیرات آن هنر در جامعه، تحت عناوین دروس جنبی تعریف می‌شود و محور کار، آموزش آن فن و هنر است. بنابراین اگر یکی از دغدغه‌های ایجاد رشته مداحی آن است که دانشجویان این رشته به مطالعات نظری در این عرصه بپردازند، تجربه سایر رشته‌های هنری نشان می‌دهد که تحقق چنین امری به سهولت ممکن نخواهد بود، لذا بهتر است به جای ایجاد رشته مداحی، به ایجاد رشته‌هایی مانند جامعه‌شناسی مداحی توجه کرد که بنیان آنها پژوهش‌های علمی است.

رشته مداحی و آسیب عدم اخلاص

گذشته از این امر، ایجاد رشته دانشگاهی مداحی، می‌تواند آسیب‌هایی را نیز پدید آورد. یکی از این چالش‌ها آن است که رشته مداحی، اگر در ضمن رشته‌های آکادمیک تعریف شود، در تلقی مخاطبان به مثابه یک شغل و کسب و کار در نظر گرفته می‌شود و اخلاص که شرط اصلی و ضروری این هنر است، تضعیف می‌شود. هر چند در بسیاری از رشته‌ها، بدون اخلاص نیز می‌توان قدم برداشت اما هنر مداحی، به گونه‌ای است که اخلاص و اخلاق در آن، شرط لازم حضور است.

زبان دل و زبان عقل در آموزش مداحی

گفت و گو با احده بزرگی

محمد حسینی

«احده بزرگی» نماینده بنیاد دعبل خزاعی در استان فارس و از شاعران موفق در حوزه شعر آیینی است. ایشان بازنشسته آموزش و پرورش است، تحصیلات حوزوی دارد و از محضر «حاج شیخ محمدعلی موحد» بهره برده است. ده بزرگی تأسیس و راه اندازی کانون شعر و نویسندگان کشور، دبیری پنج دوره جشنواره شعر فدک الزهرا، عضویت در شورای شعر و موسیقی استان فارس و تجربه موفق و تأثیرگذار «شب شعر عاشورایی شیراز» را در کارنامه علمی، آموزشی و فرهنگی خود دارد. در گفت و گو با ایشان از ملاحظات تأسیس رشته تخصصی مداحی پرسیدیم. ایشان بر لزوم آموزش در حوزه ستایشگری اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تأکید دارند و شیوه حوزوی آموزش را در این عرصه مناسب تر از شیوه دانشگاهی می دانند. دیدگاه های ایشان در خصوص موضوع آموزش در حوزه ذکر و ذاکری برای اهل بیت علیهم السلام را در ادامه بخوانید:

فقط مقتل شناسی در حدود ۲ سال کار دارد. موضوع شعر ۲ سال وقت نیاز دارد؛ فقط برای این که الفبای شعر را بشناسیم. قالب اشعار، صنایع شعری، زبان شعر، سبک های مختلف و... همگی موضوعاتی هستند که باید در حوزه شعر آموخت.

دعبل: درست می فرمایید؛ اما آیا همه این موارد بیش از حدود ۱۳۰ واحد درسی برای یک رشته در مقطع کارشناسی است؟ که در این صورت تازه به یک رشته تخصصی مداحی می رسیم. ضمن این که این سؤال هم مطرح است که بهترین قالب برای آموزش به مداحان چه قالبی است؟ مثلاً آیا آموزش حوزوی نسبت به شیوه دانشگاهی در حوزه مداحی کارآمدتر نخواهد بود؟ آیا روشی بینابینی برای آموزش در این حوزه می توان در نظر گرفت؟

من شیوه حوزوی را بهتر می دانم؛ منتهی مدرسان این کلاس ها باید هم حوزوی باشند و هم دانشگاهی. به این ترتیب با دو بال پرواز می کنند. به نظر من استادانی که به شیوه های آموزشی دانشگاهی مسلط هستند و از طرف دیگر ریشه در حوزه دارند، برای تدریس در این رشته مناسب خواهند بود. تلفیق دو شیوه آموزشی به این معنا می تواند مفید و مثمر باشد.

دعبل: با توجه به این که مداحی در گستره وسیعی از هنر و ادبیات، تاریخ تشیع و به عقیده برخی در حوزه های جامعه شناسی و روان شناسی و حتی سیاست تعریف می شود، آیا به طور مصداقی در حال حاضر

قبیل برنامه ریزی و اقدامات مناسب لازم است.

دعبل: همه این مواردی که شما فرمودید بیان گر ضرورت انجام برنامه ریزی و انجام اقدامات مقتضی برای آموزش در حوزه مداحی است که کاملاً صحیح است؛ اما آیا در حال حاضر به طور عملی امکان تأسیس دانشگاهی به نام دانشگاه مداحی وجود دارد؟ مثلاً برای این منظور آیا منابع و مآخذ آموزشی به اندازه کافی در دسترس هست؟

این موضوع بستگی به این دارد که ما ابعاد کار را به چه میزان در نظر بگیریم؛ مثلاً در خصوص مقتبل موضوعات متعددی مطرح می شود؛ مثلاً شرح مقاتلی که به دست ما رسیده است به تنهایی احتیاج به ۲ سال درس دارد. موضوع مقتل نویس ها و موضوع تمیز دادن بین مقاتل صحیح از مقاتل اشتباه و... مواردی است که هر کدام جای کار کردن دارد. اگر نگاه مان را مقداری وسعت بدهیم، موضوعات بسیاری در این حوزه مطرح می شوند؛ مثلاً درباره تاریخ، ما زندگانی امام حسین علیه السلام را فقط در روز عاشورا و برای چند ساعت در نظر نمی گیریم؛ بلکه به زندگانی و سیره حضرت قبل از عاشورا نیز علاقه مندیم. این که اصلاً حرکت ایشان از کجا شروع شده و اهداف آن چه بوده است؛ بنابراین باید به زمان امیرالمؤمنین علیه السلام یا زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بلکه زمان قبل از پیغمبر بازگردیم؛ پس به بررسی تاریخ در یک دوره طولانی احتیاج داریم. تلاش های چهارده معصوم علیهم السلام در سال ها قبل از بعثت پیغمبر ریشه دارد و ما باید همه این ها را بدانیم.

دعبل: از مدت ها پیش فعالان حوزه ستایشگری اهل بیت علیهم السلام موضوع تأسیس دانشگاه مداحی را رسانه ای کرده اند و گویا در این خصوص اقداماتی نیز انجام شده است. منظور از دانشگاه یا دانشکده مداحی دقیقاً چیست؟ آیا واقعاً تأسیس چنین دانشگاهی به این سرعت ممکن است؟ در مراحل اولیه هر کاری گفته می شود:

تو پای به راه در نه و هیچ پیرس خود راه بگویدت که چون باید رفت آغاز هر کاری همین طور است. در ابتدا انسان دغدغه دارد که از کجا شروع کند؟ لذا باید حرکت کرد؛ سپس در بین راه جزئیات برنامه ها و اقدامات تکمیل می شود. ما در کشور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زندگی می کنیم. مسئله مداحی در کشور ما مسئله بسیار مهمی است که باید به آن سر و سامان دهیم. با این موضوع باید تخصصی برخورد کنیم. وقتی ضرورت رویکرد تخصصی معلوم شد، باید ارکان مداحی را مشخص کنیم و متناسب با آن برای آموزش مداحی برنامه ریزی کنیم.

مرحوم «سید نورالدین شیرازی» هنگام بنیان گذاری هیئت برای مداحان چند محور مشخص کرده بود:

یک) مداحان لااقل باید بتوانند قرآن را روخوانی کنند و از احادیث بهره ببرند.
دو) احکام را باید بدانند.
سه) حتماً باید مقتل خوانی داشته باشند و مقاتل را بشناسند.

چهار) مداحان باید شعر را بشناسند.
هر کدام از موارد یادشده نیز زیر مجموعه ای دارند؛ بنابراین برای تبیین موضوعاتی از این



استادانی را می‌شناسید که از عهده این شیوه‌ای که فرمودید بر آیند؟
بله، مثلاً آقای دکتر «سنگری». ایشان هم کار آکادمیک و هم کار مربی‌گری کرده است. ما باید استادانی از این قبیل را کشف کنیم. اگر بخواهیم این تشکیلات راه بیفتند باید از این افراد استفاده کنیم. کسانی که هم زبان دل و هم زبان عقل داشته باشند. کسانی که فقط زبان عقل دارند موفق نیستند؛ مگر خودشان اهل دل باشند. کسانی که به سراغ حضرت ابا عبدالله علیه‌السلام می‌آیند در مرحله اول باید اهل دل باشند. اگر اهل دل نباشند به جایی نمی‌رسند.

دکابل: دانشجویان یا طالبان این رشته تحصیلی چه کسانی خواهند بود؟ کسانی که برای تحصیل در این رشته اقدام می‌کنند چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند؟ ارزیابی بود و نبود این ویژگی‌ها در علاقه‌مندان این رشته به چه صورتی خواهد بود؟

برای گزینش دانشجویان این رشته ابتدا یک فراخوان عمومی لازم است. در مرحله اول علاقه‌مندان اعلام آمادگی می‌کنند و توانایی‌های اولیه خود را نشان می‌دهند. در جلسات حضوری نبض اینها را می‌گیریم؛ تا دریابیم که چند درصد این نبض برای امام حسین علیه‌السلام می‌زند؟ چند درصد برای پول می‌زند؟ کلید در دوستی با امام حسین علیه‌السلام نشانه دارد. هر کلیدی به قفل در بهشت نمی‌خورد. تنها کلیدی که در بهشت را باز می‌کند اشک است؛ که از سرچشمه عاطفه می‌جوشد. آنهایی که با امام حسین علیه‌السلام انس و الفت دارند وقتی راجع به امام حسین برایشان حرف می‌زنی علاقه‌شان را در چشمانشان می‌بینی. بنابراین اول اعلام می‌کنیم، گروهی ثبت‌نام می‌کنند و ممکن است که در روند گزینش و در دوره‌های اول آموزش عده‌ای از آنها ریزش داشته باشند؛ ولی ما نباید ناامید شویم؛ اگر ۱۰ نفر از هر دوره آموزشی خروجی داشته باشیم ما به هدفمان رسیده‌ایم.

دکابل: این دوره‌های آموزشی در چه مکانی باید برگزار شوند؟ در کلاسی در دانشگاه یا در حوزه؟ در مساجد؟ در حسینیه‌ها؟ .. مکان مناسب برای چنین آموزش و پرورشی کجاست؟

من دانشگاه را برای این دوره آموزشی مناسب نمی‌دانم. وقتی صحبت از حوزه می‌کنیم در ذهن گروهی اتاق‌نمور و یک

استادانی که به شیوه‌های آموزشی دانشگاهی مسلط هستند و از طرف دیگر ریشه در حوزه دارند برای تدریس در این رشته مناسب خواهند بود تلفیق دو شیوه آموزشی به این معنا می‌تواند مفید و مثمر باشد.

و استادانی از این قبیل را به جامعه ستایشگران اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تقدیم کرده است. با توجه به اظهار علاقه‌مندی فعالان این حوزه برای تجربه شیوه‌های آموزشی جدید برای نمونه تأسیس رشته مداحی در دانشگاه علمی و کاربردی توجه به چه ملاحظاتی را لازم می‌دانید؟

حالا که می‌خواهیم به طور تخصصی به موضوع ذکر و ذاکری بپردازیم و وارد یک حوزه تخصصی شویم، باید تخصصی هم فکر کنیم. نباید شتاب زده عمل کرد. باید نظر همه عزیزانی را که در این حوزه عمری گذرانده‌اند و تجربه‌هایی دارند جمع کنیم؛ سپس تصمیم‌گیری کنیم. وقتی می‌گوییم دانشکده یا دانشگاه یا حوزه علوم مداحی، باید زیرساختی هم برایش تعریف کرده باشیم.

به فرموده امام (ره) انقلاب ما یک انقلاب فرهنگی است. ما باید فرهنگ‌مان را روز به روز گسترش دهیم. گسترش فرهنگ ما به همین آموزش‌ها و دل‌پروری‌ها است. باید زمینه مناسب انسان‌پروری راه بیفتد و ان شاء الله این اقدامات برکاتی را به دنبال دارد که ادامه راه را ممکن می‌کند. امیدوارم هم کسانی که روی این زمینه فکر کرده‌اند تا آخر دنیا از آن بهره‌مند شوند و هم کسانی که بعدها می‌آیند و وارد کار می‌شوند، آموزش می‌دهند و آموزش می‌بینند، از برکاتش تا صبح قیامت نصیب برسد. امیدوارم به آبروی امام حسین علیه‌السلام خدا به همه آنهاپی که سنگ امام حسین علیه‌السلام را به سینه می‌زنند توفیق عنایت کند که این باب سبز و سرخ ان شاء الله گشوده شود و آیندگان با دعای خیرشان به ما آموزش بدهند.

گوشه دور افتاده تصویر می‌شود. ولی امروز دیگر این تصور درست نیست. برای پرورش کسانی که با امام حسین علیه‌السلام انس و الفت دارند همان جایی مناسب‌تر است که به نام امام حسین علیه‌السلام است؛ پرورش در چنین فضایی بیشتر بار می‌دهد. هر محفل و مجلسی مکان مناسب خودش را دارد؛ مثلاً ما مجلس عروسی را کجا می‌پریم؟ به تالار یک باغ؛ اما کمتر پیش می‌آید که مجالس امام حسین علیه‌السلام را در تالار یک باغ برگزار کنیم. مدت‌هاست که مجالس تکریم اهل بیت علیهم‌السلام را در تکیه‌ها، حسینیه‌ها و در مساجد برگزار می‌کنیم. برای آموزش مداحان نیز باید مکان مناسبی را در نظر بگیریم. باید مکانی را بر پا کنیم که تقدس حسینی آن حفظ شود؛ تا وقتی طلبه، دانش‌آموز یا دانشجو وارد آن می‌شود احساسش، احساس اهل بیته می‌شود؛ نه این که احساس کند آمده مدرکی بگیرد که فردا از آن کسب درآمد کند.

دکابل: با توضیحات شما ما بیشتر به سمت شیوه‌های سنتی آموزش مداحی میل می‌کنیم؛ همان شیوه‌ای که مرحوم «علامه»، مرحوم «شمشیری»



دانشگاه مداحی؛ آری یا خیر؟

مشروح اولین نشست هم‌اندیشی درباره موضوع دانشگاه مداحی

محمد حسینی

اولین نشست هم‌اندیشی درباره موضوع تأسیس «رشته تخصصی / دانشگاه مداحی» سه‌شنبه، شانزدهم مهرماه ۱۳۹۲ ش. به همت «بنیاد دعبل خزاعی» و با حضور استادان، کارشناسان و نهادهای فعال در حوزه ستایشگری اهل بیت علیهم‌السلام در دفتر مرکزی بنیاد دعبل برگزار شد.

این نشست برای پاسخ به پرسش‌های زیر برگزار شده است:

- آیا مداحی از حیث نظری چنان بسط یافته است که بتوان آن را دانشی یاددانی و یادگرفتنی (مستقل از سایر رشته‌های دانش) نامید؟
- پشتوانه آموزش، پژوهش و مبنای پژوهش، مسئله است. آیا در مداحی مسئله‌شناسی شده است؟ آیا حول محور مسائل احتمالی، پژوهشی صورت گرفته است؟
- آیا برای راه‌اندازی رشته / دانشکده / دانشگاه مداحی برنامهریزی آموزشی (با همه ابعاد آن یعنی تعیین هدف، روش، وسیله، نظام و معیارهای ارزش‌یابی) انجام شده است؟
- آیا تأسیس رشته / دانشگاهی با موضوع مداحی، مفید، ضروری و عملی است؟
- وقتی از آموزش مداحی سخن می‌گوییم قرار است چه چیزی آموزش داده شود؟ علم مداحی؟ هنر مداحی یا فن و مهارت مداحی؟
- هدف غایی از رشته / دانشگاه مداحی، ارتقاء سطح مهارت‌هاست و یا ارتقاء سطح دانش؟
- آیا رشته دانشگاهی مداحی صرفاً به جنبه تعلیمی می‌پردازد یا ظرفیت بعد تربیتی مداحان را هم خواهد داشت؟
- نسبت این دانشگاه با اسناد بالادستی نظام مانند نقشه جامع علمی کشور و طرح توسعه و تحول نظام پژوهش و تعلیم و تربیت کشور (مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی) چیست؟
- آیا نقش و توانایی دانش‌آموختگان، مشاغل قابل احراز، وظایف حرفه‌ای و مهارت‌های شغلی و جایگاه اجتماعی آنان قابل تعریف خواهد بود؟

آموزش مداحی را بهتر است از طریق کدام یک از انواع مجموعه‌های آموزشی دنبال کرد؟ حوزه‌های علمیه؟ آموزش متوسطه؟ آموزش عالی دانشگاهی؟ مدارس عالی؟ دانشگاه جامع علمی و کاربردی؟

در این نشست آقایان: دکتر محمدرضا سنگری (رئیس هیئت علمی بنیاد دعبل خزاعی)، علی آهی (رئیس خانه مداحان اهل بیت علیهم السلام)، رضا معممی مقدم (مدیر کل تشکل‌های سازمان تبلیغات اسلامی)، مهدی آصفی (عضو هیئت علمی بنیاد دعبل خزاعی)، غلامرضا سازگار، غلامحسین رفیعا (عضو هیئت علمی بنیاد دعبل)، مهدی امین فروغی (عضو هیئت علمی بنیاد دعبل)، دکتر سعید سیاح (نماینده بنیاد دعبل در استان البرز)، عباس دلجو (عضو سازمان بسیج مداحان)، محمد فراهانی (مسئول آموزش سازمان بسیج مداحان)، محسن حسام مظاهری (عضو هیئت علمی بنیاد دعبل)، حسن بختیاری (قائم‌مقام مدیریت در بنیاد دعبل)، سید علی قریشی (مدیر عامل مؤسسه قدیم الاحسان) حضور داشتند.

و در کوفه علی علیه السلام برای کربلا مرثیه خواند. حضرت زهرا سلام الله علیها مرثیه خوانده است. یعنی پیش از وقوع حادثه، حادثه معلوم و مشخص بوده؛ و چیز گمی نبوده است؛ و مسئله را می دانستند.

من نمی خواهم تصدیع بدهم. می خواهم زمینه را برای بحث مهیا کنم. یک روایتی می خواندم که حضرت زینب سلام الله علیها در خدمت پدر بزرگوارش نشسته بود و قرآن می خواند. وقتی به آیاتی در مورد «صبر» رسید احتمالاً سوره «آل عمران» بوده است. در شب عاشورا هم روایت هست که حضرت ابا عبدالله سوره آل عمران می خواند رسید، حضرت امیر المؤمنین خطاب به دخترشان فرمودند: میل داری و علاقه داری این آیاتی که الان خواندی را برای شما توضیح بدهم؟ تفسیر کنم؟

حضرت زینب فرمود: بله، خیلی خوب است. فرصتی هست که استفاده کنیم. (زمان این ماجرا در حدود ۳۰ سالگی حضرت زینب سلام الله علیها است. یعنی وقتی که ایشان از دواج کرده است.)

عرض می کند که بله، پدر جان. حضرت شروع می کند به توضیح دادن و بررسی کردن این آیات و با یک شیب مایلی با همین شیوه مداحی و ذاکری ما، مسئله را به کربلا وصل می کند و بعد توضیح می دهد و سؤال می کند که اگر روزی اتفاقی از این دست افتاد که شما دیدی دارند سر برادرت را می برند، تو چگونه خواهی بود؟ و چه می کنی؟

وقتی همه را گفت، حضرت زینب سلام الله علیها برگشت خدمت پدر بزرگوارش و عرض کرد: یا ابا اعر فواذک. پدر جان من همه اینها را می دانم. خبرت به امی. اینها را پیش از این



محمدرضا سنگری:

بحث و دغدغه دانشگاه مداحی / دانشکده مداحی / پژوهشگاه مداحی و عناوین مختلف دیگری که در حدود یک دهه یا بیش از یک دهه در جامعه مداحی مطرح و فکر همه دوستان را مشغول کرده است. چند و چون این موضوع و ابعاد آن جای تحلیل و بررسی و مذاقه بیشتر دارد. الآن در بسیاری از مؤسسات و نهادها در این زمینه کار می شود؛ یعنی کلاس‌هایی تشکیل شده است و دوره‌های آموزشی هست. هر کدام از این دوره‌ها و مجموعه‌ها را که مطالعه بفرمایید تفاوت و حتی گاهی اوقات تعارض بین آموزش‌ها و آموزه‌ها و محتوای آموزشی را می توانیم ادراک و احساس کنیم. طبیعتاً این سؤال مطرح خواهد شد که چگونه باید آموزش داد؟ چه کسی باید آموزش بدهد؟ کجا این آموزش باید اتفاق بیفتد؟ نتایج این آموزش چگونه باید باشد؟ این سؤال‌ها پیش روی ما هست. اولین مسئله‌ای که پیش روی ما هست خود بحث «مدح» و «مداحی» یا «ذاکری» است. اصلاً رسیدن به یک کلمه‌ای که گویای همه این مفاهیم باشد، خودش جای بحث دارد. الآن بعضی‌ها می گویند «ستایشگری»؛ بعضی می گویند «ذاکری»؛ بعضی می گویند «مداحی». این موضوع سابقه‌ای طولانی دارد و ما می دانیم که به زمان اهل بیت سلام الله علیهم اجمعین می‌رسد.

یکی از شگفت‌ترین مسائلی که در باب عاشورا و کربلا داریم این است که پیش از وقوع حادثه، سوگواری برگزار شده است. روایت روشنی داریم که خود شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مجلس بر پا می کرد

محمدرضا سنگری:

در عالم مداحی ما دهها موضوع

داریم و اگر نگویم دهها موضوع

حداقل باید بگویم که چیزی در

حدود ۲۰ موضوع داریم موضوع شعر

موسیقی مباحث اخلاقی ادبیات

حدیث زیارت مقتل و مسائل و

موضوعات مختلفی وجود دارد

عبدالله بررسی کردم و دیدم یک مداح باید نزدیک به ۲۲۵ موضوع را بداند. الآن وقت بحث و بررسی نیست، من فقط اشاره‌ای کردم تا بگویم گستره عالم مداحی به سبب حوزه‌های گوناگونی که دارد نیازمند آموزش است.

الآن در خدمت جناب استاد «آهی» [رئیس خانه مداحان] ایشان اشاره داشتند که گاهی برای سفر عتبات کسایی را تأیید می‌کنند که حداقل شناخت را در باب جغرافیای مذهبی نجف، کربلا، کاظمین و سامرا ندارند. بنده نیز شاهد این موضوع بوده‌ام. به هر حال شناخت جغرافیای مذهبی یکی از حوزه‌های آموزه‌های مداحی است که هر مداحی باید بداند.

نکته سوم این است که خود مداحان مشتاق هستند؛ به خصوص مداحان جوان علاقمند به آموختن هستند. واقعاً به دنبال جایی و جاهایی می‌گردند که این آموزش‌ها ارائه شود.

نکته بسیار مهم دیگر مطالبه مقام معظم رهبری است که چند بار مطرح کرده‌اند. من قریب به مضمون عرض می‌کنم که فرمودند: یک جای هوشمندی باید باشد که صلاحیت افرادی که مداحی می‌کنند، تأیید کند، باید آموزش ببینند و باید معرفت‌افزایی اتفاق بیفتد. در همین آخرین دیداری که در روز ولادت حضرت زهرا سلام الله علیها در خدمت ایشان بودیم، ایشان به مسئله معرفت‌افزایی به طور ویژه تأکید کردند و این تأکید در دیدارهای گذشته هم بوده است. خب این معرفت‌افزایی نیازمند جایی است، یک پایگاهی که هم مجموعه دروس و محتوای آموزشی‌ای را که می‌خواهد عرضه بشود سنجیده باشد و هم این که از نظرگاه دانشگاهی اگر اسم آن را گذاشتیم دانشکده و یا دانشگاه تأیید بشود. نکته دوم حضور کسایی است که توانایی آموزش در حوزه‌های گوناگون را داشته باشند. نکته بسیار حساس‌تر، آخر و عاقبت کار است؛ یعنی فرض کنید که این دانشکده یا دانشگاه فارغ‌التحصیلانی داشته باشد، این فارغ‌التحصیلان چه موقعیتی دارند؟ در این حوزه چه کسایی حمایت خواهند شد؟ تا بعد از این که این تخصص را به دست آوردند از وجود آنها استفاده بشود و مسئله دشوارتر این است که ادامه کار چه خواهد شد؟ الآن رشته ادبیات پایدار، رشته ادبیات دفاع مقدس و دو رشته در کشور دایر شده است. چندین دانشگاه کشور الآن مشغول هستند و کارشناسی ارشد می‌گیرند؛ خب بلافاصله



علی آهی:
ابتدا باید ببینیم که دانشگاه را برای چه کسانی می‌خواهیم تأسیس کنیم برخی از این جوان‌ها یا غیر جوان‌ها سوادشان در حد دیپلم هم نیست این افراد در کجا باید مقدمات را بخوانند تا به دانشگاه بروند

موضوع داریم: موضوع شعر، موسیقی، مباحث اخلاقی، ادبیات، حدیث، زیارت، مقتل و مسائل و موضوعات مختلفی وجود دارد. من در یک بررسی ابتدایی برای تعیین ریز تخصص‌های مداحی و تشخیص این که در عالم مداحی به چه تخصص‌هایی نیاز هست؟ و چه تخصص‌های ریزی وجود دارد؟ دیدم فقط ۱۰۴ ریز تخصص شعری داریم. فقط در حوزه شعر یک مداح به ۱۰۴ تخصص نیاز دارد و باید مقوله‌های مختلفی را فقط در حوزه شعر بداند؛ که فقط ۴۰ مورد از آنها در حوزه محتوایی شعر بود؛ مثلاً اگر حوزه شعر آیینی را تقسیم‌بندی کنیم همین عنوانی که امروز پذیرفته شده است موضوعات مربوط به آن به حدود ۴۰ مورد می‌رسد. در حوزه تاریخ نیز یک مداح به حدود ۱۹۴ شناخت یا حوزه تخصصی علمی نیاز دارد. اینها را با یک حساب ساده احصاء کرده‌ام؛ مثلاً مداح باید بحث مقدمات و زمینه‌های حرکت‌های علوی را بداند. ثقیفه را باید بشناسد. شهادت ائمه را باید بشناسد و بداند. زمینه‌های قیام و رخدادها را باید بداند؛ مثلاً برای حضرت ابا

مادرم به من گفته بود؛ تا من را برای آینده آماده کند. خب ما می‌دانیم حضرت زینب سلام الله علیها زمانی که مادر بزرگوارش را دارد سنش بیشتر از پنج سال نیست. در آن زمان سن مبارک حضرت زینب پنج یا شش سال است؛ یعنی حضرت زهرا سلام الله علیها در ۵۶ سالگی مرثیه و قصه کربلا را برای دختر بزرگوارش مطرح کرده است. به هر حال قصه مداحی یک قصه طولانی است. ما اگر بخواهیم گزارش کنیم حداقل باید بگوییم در همان سده بعد از عاشورا محافل و مجالسی بوده است که اهل بیت برگزار می‌کردند؛ مثلاً ما گزارش‌های روشنی داریم که در بقیع حضرت ام البنین و حضرت زینب سلام الله علیها مجلس برگزار می‌کردند. امام سجاد مجلس برپا می‌کردند و این موضوع یک سابقه طولانی دارد.

به طور مشخص در روزگار ما، این مسئله به سبب این که انقلاب ما ریشه در زلال عاشورا دارد وسعت و گسترش بیشتری پیدا کرده است. من آمار دقیقی در دست ندارم؛ اما یادم هست مدتی پیش که در خدمت جناب آقای «خورسندی» [رئیس کانون مداحان و شاعران آیینی] بودیم، ایشان فرمودند: بیش از ۵۲ هزار نفر در کانون ثبت نام شده‌اند. خدمت یکی دیگر از دوستان بودیم و ایشان فرمودند: در سازمان بسیج مداحان حدود ۶۰ هزار نفر مداح شناسایی شده است و احتمالاً اینها مداحانی هستند که در طول سال در کسوت مداحی خدمت می‌کنند؛ نه مداحان فصلی. و ما مداحانی داریم که ممکن است در ایام محرم ۱۲۳ روز بخوانند و دیگر کسی در طول سال حضور آنها را نمی‌بیند. من می‌شناسم و قطعاً دوستان بیشتر از بنده می‌شناسند. اگر فرض کنیم الآن ۵۰ هزار نفر مداح داشته باشیم، آیا ۵۰ هزار مداح نیاز به آموزش ندارند؟ به غیر از تعدادی از اینها که استاد هستند، پیشکسوت هستند. تصور بفرمایید مثلاً بیش از ۳۰ هزار نفر از اینها جوان باشند. معدل سنی اینها بین ۲۰ تا ۳۵ یا ۳۵ تا ۴۰. پس یک دلیل و حجت و استدلالی که ما می‌توانیم برای لزوم آموزش مداحی مطرح کنیم کثرت مداحانی است که باید آموزش ببینند.

نکته دومی که لزوم این آموزش را برای ما مسلم و مسلج می‌کند گستره‌ای است که مداحی دارد. مداحی حوزه بسیار وسیعی است. به قول امروزی‌ها بینارشته‌ای است. میان‌رشته‌ای است. یعنی در عالم مداحی ما ده‌ها موضوع داریم و اگر نگویم ده‌ها موضوع حداقل باید بگوییم که چیزی در حدود ۲۰



جامعه مداحان در مواقعی حرفی برای گفتن دارند و حرف می‌زنند و به صراحت دیدگاه‌ها و نظرانشان را ارائه می‌کنند، یک دلیلش این است که به هیچ مجموعه‌ای وابسته نیستند؛ لذا لازم است ما از این منظر هم نگاه کنیم. ضمن این که به فرموده دوستان اگر دانشجوی این رشته لیسانسش را گرفت، آیا امکان ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر برای او در نظر گرفته شده است یا نه؟

نکته دیگر این که ما با بحث آموزش اصلاً مخالف نیستیم. باید آموزش صورت بگیرد و اگر کسی بخواهد بگوید که آموزش صورت نگیرد به نظر من خیلی ساده‌اندیش است. مداحان باید آموزش ببینند. هر کس باید در هر حدی که است فراتر و بالاتر برود. نکته قابل توجه این است که چرا ما روی رشته‌های مرتبطی که الان بازار کارش معلوم است، مثلاً فقه و حقوق، علوم قرآنی، معارف یا حتی رشته‌هایی در حوزه سیاسی کار نکنیم. کافی است تعدادی واحدهای اختیاری برای این موضوعات قرار بدهیم. به این ترتیب فرد کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترایش را در آن رشته می‌گیرد؛ یعنی آن مدرک تحصیلی که الان تعریف شده است، بازار کار آن معلوم است و سیستم‌های جذب آن مشخص است؛ فقط ۱۰ واحد، ۱۲ واحد، هشت واحد یا هر تعدادی که استادان لازم بدانند در این حوزه می‌گذراند. ضمن این که ما نمی‌توانیم یک باره وارد یک عرصه بشویم. به طور منطقی باید آرام آرام وارد این موضوع بشویم. ابتدا باید لزوم تشکیل این رشته برای همه بزرگان جامعه معلوم بشود؛ سپس شما می‌توانید این رشته را به طور کامل در دانشگاه ارائه کنید. به نظر من در ابتدا باید روی رشته‌های مرتبط متمرکز شویم. این

مصطفی خورسندی:
اگر دانشگاه تشکیل شود اولاً
استادان این فن چه کسانی
هستند؟ و ثانیاً اگر کسانی موفق به
اخذ لیسانس از این رشته بشوند
بازار کار کجا هست؟ آیا محیط‌های
کاری اگر بدانند این فرد مداح
است او را جذب به کار می‌کنند؟

کار کجا هست؟ آیا محیط‌های کاری اگر بدانند این فرد مداح است او را جذب به کار می‌کنند؟ از طرفی شما از یک سو می‌فرمایید ارتزاق ذاکران باید خارج از محیط ذکر و ذاکری باشد؛ مخصوصاً برای این که بتواند حرفش را بزند، مطلبش را ارائه کند، آن جا که لازم است انتقاد کند؛ مثلاً در حوزه مباحث سیاسی بتواند حرف بزند. در حوزه‌های اجتماعی هوشمندانه بتواند نقد کند و آزاده باشد. دغدغه علمای شیعه، ذاکران شیعه و شعرای شیعه آزاده‌مردی، آزاده‌اندیشی و این است که حرفشان را بزنند. شما با ورود به حوزه مباحث آکادمیک سبب می‌شوید که افراد ارتزاق‌شان به سمت سیستم‌های دولتی بیایند؛ در این صورت آن جا که باید سکوت نکنند سکوت خواهند کرد. آن جایی که باید حرف بزنند حرف نخواهند زد؛ در حالی که همه تلاش‌های بزرگان ما هم در نهاد روحانیت و هم در میان ذاکران این بوده که بتوانند مطالبشان را به موقع ارائه کنند و به سیستم‌های هیچ حکومتی وابسته نباشند. اگر می‌بینید که بعضی از بزرگان

بعد از فارغ‌التحصیل شدن دو مسئله مطرح شد: مسئله اول که خود من در دانشگاه و در ارتباط نزدیک با این دانشجویان با آن مواجه شدم این بود که می‌پرسیدند: ادامه تحصیل ما چه می‌شود؟ خب این فارغ‌التحصیلان می‌خواهند ادامه تحصیل بدهند و اگر شما دانشگاه تأسیس کنید و کارشناسی بدهید، بعداً اینها مطالبه کارشناسی ارشد خواهند کرد و مطالبه دوره دکتری می‌کنند. در نتیجه هر کسی به این مسئله می‌اندیشد باید تا انتهای راه را ببیند.

نکته بسیار مهم دیگر این است که می‌پرسند: کجا برای ما کار هست؟ بازار کار اینها کجا خواهد بود؟ با این زمینه و تمهیدی که بنده عرض کردم از محضر دوستان بهره‌گیری و استفاده کنیم. اولین مسئله‌ای که مطرح می‌شود این است که اصلاً تأسیس چنین دانشگاهی لازم است یا نه؟ ممکن است که بعضی از دوستان معتقد باشند نیاز به دانشکده نیست. همین آموزشگاه‌هایی که الان به شکل پراکنده در گوشه و کنار وجود دارند کفایت می‌کند. یعنی آیا ما برویم به سمت تشکیل یک مجموعه رسمی پذیرفته شده دانشگاهی که ساز و کار ویژه دانشگاه را هم خواهد داشت؟ آیا چنین چیزی لازم است؟ این سؤال اول ماست. سپس مسائل دیگری مطرح خواهد شد. این که اصلاً محتوا چه باید باشد؟ آموزش‌ها چگونه باشد؟ چه کسانی آموزش بدهند؟

علی‌آهی:

ابتدا باید ببینیم که دانشگاه را برای چه کسانی می‌خواهیم تأسیس کنیم. برخی از این جوان‌ها یا غیر جوان‌ها سوادشان در حد دیپلم هم نیست. این افراد در کجا باید مقدمات را بخوانند تا به دانشگاه بروند. بحث دانشگاه خوب است، منتهمی ابتدا باید مقدمات آن را فراهم کنیم. در حوزه علمیه ابتدا مقدمات را می‌خوانند؛ سپس در درس خارج حاضر می‌شوند. مداحی که مقدمات کار دبستان، دبیرستان و متوسطه را ندیده است، چطور به دانشگاه برود؟ البته اصل موضوع و تأسیس دانشگاه خوب است.

مصطفی خورسندی:

همان طور که جناب استاد آهی اشاره فرمودند، مقدمات این موضوع هنوز آماده نیست. ضمن این که شما تصور کنید که اگر دانشگاه تشکیل شود اولاً: استادان این فن چه کسانی هستند؟ و ثانیاً: اگر کسانی موفق به اخذ لیسانس از این رشته بشوند، بازار



تهذیب نفس، اخلاق و... در مداحی اصل است.

به نظر می‌رسد مؤثرترین و مقبول‌ترین روش، روش سنتی باشد؛ ولیکن به شکل نظام‌مند؛ که طرح آن را سازمان تبلیغات اسلامی با عنوان «مرکز آموزش مداحی» ترسیم کرده است. و تقویت این مراکز با همت و حضور استادان به نام و پیشکشوت در سراسر کشور و البته تجمیع این امر مهم در یکی از مجموعه‌هایی که در خصوص مداحان فعالیت می‌کنند و با همکاری سایر مجموعه‌ها می‌تواند نقش مؤثری در نسل آینده مداحی در سراسر کشور داشته باشد.

(فراموش نشود؛ با پیوست اخلاص) قطعاً برای یک مداح مجرب و مستعد گذراندن یک دوره آموزشی (نظیر آشنایی با مبانی موسیقی، گوشه‌ها، آواشناسی و اطلاعاتی در مورد شعر) بسیار مفید و لازم است؛ البته انتخاب و تهیه موضوعات خود مستلزم کار کارشناسی مجرب هم به موارد پیش گفته و هم آشنا به مقوله مداحی است.

مهدی آصفی:

با توجه به شرایط حساس کشور و اقبال و استقبال جامعه از مداحان و ستایشگران آل الله و با توجه به عنایت و توجه خاصی که مقام معظم رهبری در رهنمودهای خود نسبت به جایگاه مداحان دارند، دانشگاهی شدن این جامعه را از دانشکده الهیات و معارف اسلامی ضروری تر می‌دانم. علمای امامیه با احترامی که به مداحان دارند خیلی روشن و شفاف می‌فرمایند: «مداحان برای مردم اصول دین می‌گویند و مافروع دین را برای مردم بیان می‌کنیم.»

در خصوص بودن یا نبودن، من عرض می‌کنم که تأسیس چنین دانشگاهی لازم

غلامرضا سازگار:
پیگیری روند تأسیس دانشگاه مداحی به شکل معقول و منطقی محال نیست هر چند که آسان نیز نیست سخت است ولی محال نیست خیلی باید خون دل خورد تا این کار انجام بشود و یک شبه هم درست نمی‌شود

را از دانشگاه عمومی جدا می‌کنند؛ بنابراین در این خصوص حوزه علمیه باید به هنر ستایشگری اقبال داشته باشد. آموزش مداحی در سازمان تبلیغات اسلامی از سال ۱۳۷۹ ش. آغاز و در سطح ملی پیگیری؛ و وقتی خود جوامع مداحی اقبال نشان دادند واسپاری شد. من معتقدم خود «هیئت»، دانشگاه هستند و وزارتخانه آن هم کربلاست. البته هیئتی که در طراز اسلامی فعالیت دارند، نه همه هیئت.

اصلاً مداحی، دانش است یا مهارتی که می‌بایست پشتوانه دانشی باشد؟ تأسیس رشته یا دانشگاه مداحی ضرر ندارد؛ ولی ضروری هم نیست. اگر مداحی علم بود و دانش بنیان، تاکنون در زمره علوم یاد می‌شد؛ ولیکن می‌توان فن، هنر و مهارت به آن اطلاق کرد؛ که به نظر «هنر» در این بین با سستی تر است؛ چرا که یکی از دلایل آن نقش «عاطفه» در مداحی و هنر است که نقشی اشتراکی است.

یکی از دلایل سنجیت نداشتن هنر یا مهارت مداحی با رشته دانشگاهی همین نکته است که در سیستم آموزشی آکادمیک، تربیت سهمی ندارد و این در حالی است که

رشته‌ها شناسایی شود، دروس اختیاری ارائه شود، سرفصل‌های لازم لحاظ شوند و بعد از این که دوستان در این رشته‌ها تخصص لازم را پیدا کردند، کم‌کم ما می‌توانیم وارد این عرصه بشویم. من الآن به صراحت با تأسیس دانشگاه مداحی مخالف هستم.

رضا معممی مقدم:

ضمن تشکر از «بنیاد دعبل خزاعی» برای پیگیری این موضوع، بنده به عنوان نماینده سازمان تبلیغات اسلامی که یک نهاد حکومتی است در نشست هم‌اندیشی درباره موضوع تأسیس دانشگاه مداحی شرکت کرده‌ام. از آنجا که حاکمیت و وظیفه‌اش تسهیل و تسریع‌کننده گفت‌وگوهای درست جامعه هدف و از جمله مداحان و ستایشگران است و چون بلوغ فکری حاکم بر کانون مداحان باعث فراغت ما می‌شود؛ لذا اگر این جلسه به نتیجه رسید که دانشگاه مداحی تأسیس شود، ما هم وظیفه داریم حمایت کنیم و اگر ضرورتش اثبات نشد که سالبه به انتفاع موضوع است.

امام باید به چرایی، چیستی و چگونگی این مهم اندیشید و پاسخ داد. مطالب فراوان است؛ اما سخنان ما باید ناظر به فهم مسئله و حل مسئله باشد. ابتدا چرایی دانشگاه مداحی مطرح است؟ اگر جواب آری یا مثبت شود، در ادامه به چیستی و چگونگی آن خواهیم پرداخت. مسئله دانشگاه مداحی نکاتی دارد؛ خروجی دانشگاه، دانش است و دانشگاه موجب دانش‌افزایی می‌شود؛ اما موجب بصیرت‌افزایی، معرفت‌افزایی و تربیت مخاطب نمی‌شود.

چه تعداد دکترای ادبیات اشعار مانا سروده‌اند؟

شاعری طبع روان می‌خواهد نه معانی، نه بیان...

دانشگاه مداحی شبکه تبلیغی را به سمت دولتی شدن پیش می‌برد. این دانشگاه تحت تأثیر و نفوذ دولت‌هاست. ما سیاست‌های قبض و بسط فرهنگی دولت‌ها را بارها شاهد بوده‌ایم. قرائت دانشگاه چه قرائتی از ائمه و امام حسین علیه‌السلام را تبیین می‌کند؟ قرائت عوام؟ قرائت عقلی؟ یا قرائت ماورائی؟ قطعاً قرائت عوام نیست و قرائت ماورائی در دانشگاه جایی ندارد؛ و قرائت عقلی هم در ساحت دین و عرفان ائمه علیهم‌السلام ناکارآمد و ناقص است.

حوزه‌های تربیتی، به نظام جدید ساختارمند آموزشی دانشگاه اعتماد نمی‌کنند؛ لذا برای موفقیت، کادر آموزش و تربیت دانشگاه تربیت مدرس و تربیت معلم

به گونه‌ای مداحان را جمع می‌کنند و فنون مداحی را به ایشان یاد می‌دهند. می‌توان افراد مستعد برای حضور در کلاس‌های دانشگاه مداحی را از میان همین جمع‌های آموزشی گزینش کرد. ابتدا باید برای امر آموزش در این کلاس‌ها استنادانی تعلیم داده شوند. اگر روند تأسیس دانشگاه منطقی و درست پیگیری شود خوب است؛ اما اگر صرفاً یک دانشگاهی تأسیس شود و فقط در حد یک اسم باشد که عده‌ای در آن شرکت می‌کنند، گروهی با تعهد و عده‌ای بدون تعهد، عده‌ای نیز برای گرفتن مدرک مداحی، ضرورتی ندارد. البته پیگیری روند تأسیس دانشگاه مداحی به شکل معقول و منطقی، محال نیست؛ هر چند که آسان نیز نیست. سخت است؛ ولی محال نیست. خیلی باید خون دل خورد؛ تا این کار انجام بشود و یک شبه هم درست نمی‌شود.

غلامحسن رفیعا:

ما برای اقدام به تأسیس دانشگاه مداحی به مقدماتی نیاز داریم. شاید عنوان این نشست به جای «دانشکده مداحی؛ آری یا خیر؟» اگر «آموزش مداحی» بود، به ذهن نزدیکتر باشد. نتیجه این مباحث این است که ما می‌خواهیم مداحان آموزش ببینند. اصلاً آیا عنوان «دانشکده» موضوعیت دارد؟ یا عنوان «آموزش»؟ به تحقیق ورود در هر علمی و در هر دانشی قبلاً نیازمند آموزش است. دانش مداحی هم یکی از این دانش‌هاست. مقام معظم رهبری در یکی از رهنمودهایشان فرمودند: «وقتی از شما سؤال می‌کنند مداح کیست؟ شما می‌گویید مداح باید این قدر شعر بداند، دربارهٔ مقتل کار کرده باشد، تاریخ بداند و لوازم مداحی را به هر حال برایش تعریف می‌کنید. ...» بنده می‌خواهم عرض کنم که ما باید تعریف دقیقی از مداحی داشته باشیم. ما در گذشته نوع خاصی از مداحی داشتیم، امروز هم نوعی دیگر از مداحی داریم. قطعاً مداحی قبل از انقلاب، بعد از انقلاب و به خصوص در این دو دههٔ اخیر و مخصوصاً مداح‌هایی را که ما می‌خواهیم برای آینده پرورش دهیم تعریف‌های متفاوتی دارند. استنادان مختلف تعاریف متفاوتی از مداح دارند. اگر ما بخواهیم ناظر بر رهنمودهای رهبری مداح را تعریف کنیم، «مداح باید العالم بزمانه باشد، لا یرجم علیه اللوابس». ایشان در یکی از رهنمودهایشان فرمودند: «شما گاهی اوقات به مسائل روز می‌پردازید؛ مثلاً به بیداری اسلامی می‌پردازید که این کافی نیست. فرض بفرمایید که مسئلهٔ شعار سال



غلامحسن رفیعا:
در بارهٔ تأسیس دانشگاه مداحی
مقطع سنی نیز مهم است
تأکید بنده این است که تأسیس
دانشگاه مداحی برای آینده بسیار
ضروری لازم و مفید است

آن تعهد داشته باشند. وقت صرف کنند، همان طور که یک دانشجو برای آموختن دانش وقت صرف می‌کند. اکثر مداحان یا کاسب هستند و یا نمی‌رسند که در کلاس‌های آموزشی شرکت کنند. گاهی علاقه دارند؛ اما تعهد ندارند. در صورتی که برای این منظور باید تعهد کافی داشته باشند. در این عرصه نمی‌توانیم برای همهٔ مداحان فراخوان بدهیم. کسانی باید در این حوزه فعال شوند که شرايطی را احراز کنند. استنادانی که در این فن کار می‌کنند باید ادیب باشند، شاعر باشند، مقتل شناس باشند، از استنادان حوزه باشند، از مداحان سرشناس باشند، استاد اخلاق باشند، دارای دانش و ذوق سرشار باشند و تعداد این جور استنادان زیاد نیست؛ تا در این دانشگاه شرکت کنند و فن مداحی را به ما بیاموزند. چنین دانشگاهی باید در سراسر کشور فعال باشد؛ نه این که در تهران اقداماتی صورت گیرد و در استان‌های دیگر، دیگران برای خودشان تصمیم بگیرند. البته من نمی‌گویم باید دولتی باشد؛ ولی طبق ضوابطی باید اقدامات این دانشگاه در سراسر کشور ثمر دهد. الان در استان‌های مختلف آموزش به مداحان صورت می‌گیرد،

است؛ اما جزئیات مسئله را استنادان باید بررسی کنند. این که چه کسانی صلاحیت پیگیری این امر را دارند؟ آیا مداحان این دورهٔ آموزشی را فقط برای گرفتن مدرک تحصیلی دنبال می‌کنند؟ یا با اعتقاد قلبی به این کار روی می‌آورند؟ الان مداحی که هنوز دارای مدرک نیست و مدرک دانشگاهی ندارد، با ریش تراشیده و پیراهن رنگارنگ و احياناً بدون آستین به منبر می‌رود. آیا این مداح می‌تواند برای جامعه مفید باشد یا خیر؟ استنادان ما می‌فرمودند که از محلی غذا تهیه کنید که خود آن غذا فروش و رستوران‌دار از آن غذا می‌خورد. چه بسا رستوران‌هایی که خودشان از آن غذا نمی‌خورند و به مردم می‌فروشند.

مرحوم مغفور حاج «ماشاء الله جلیل‌وند» که من افتخار زیارت ایشان را داشتم، در ۷۰ سالگی روی منبر نمی‌نشست. مرحوم «علامه» در کتاب خاطراتش به این موضوع اشاره دارد و می‌گوید: «در یکی از حسینیه‌های هفت‌دری، در تالار دیدم ایستاده و بر عصا تکیه داده است. گفتم: «حاج آقا این جا که کسی نیست. چطور شما نمی‌نشینید؟» فرمودند: «علامه مگر این جا حضرت زهرا حضور ندارند؟»

اگر استنادانی بتوانند به این شکل مداحانی تربیت بکنند، به هر حال لازم است. مرحوم مغفور حاج «محمد مرشدی» که مستقیماً استادی حقیر را به عهده داشتند، می‌فرمودند: «اگر در مجلسی مبلغی را که شما در نظر داشتید یا متداول بود، به شما ندادند، خیلی ناراحت نباشید، حضرت زهرا سلام الله علیها جبران می‌کند که به مراتب بالاتر است. اگر استنادانی باشند که این جوری تربیت کنند، بسم الله؛ بودن آن به مراتب از نبودن آن بهتر هست. به طور خلاصه عرض می‌کنم اگر استنادان معتقد و صالح انتخاب شود، این جامعه خروجی مثبتی خواهند داشت.

غلامرضا سازگار:

معروف است، در صورتی مسجد ضرورت دارد که نماز خوان در آن باشد. مساجد بسیاری ساخته می‌شود؛ اما نماز خوان کم دارد. ما اگر قصد تأسیس دانشگاه مداحی را داریم، اول باید ببینیم آیا عزیزی که در این حوزه مستعد هستند؟ البته علاقه و وجود دارد ولی آیا تعهد هم دارند. آیا جوان‌هایی که قرار است در این دانشگاه شرکت کنند، شرایط لازم را دارند. ما نباید شعری بگوییم که در قافیه‌اش بمانیم. برای تأسیس دانشگاه مداحی ابتدا باید مطمئن شویم، مخاطبان



مغفول می ماند. باید درباره همه مسائلی که در درون جامعه امروز ما هست، حساس بود؛ مثلاً موضوع اسراف که جامعه به شدت به آن مبتلاست و کسی نیست که توجه کند ما در چه زمینه هایی داریم اسراف می کنیم. موضوعات دیگری مثل قرآن و سیره اهل بیت هم هست. این را من مخصوصاً عرض می کنم تا دوستان برنامه ریزی کنند.»

سپس فرمودند: «۵۰۰ موضوع، چه مسائل اعتقادی، چه مسائل سیاسی و مسائل روز را انتخاب کنید و بدهید به شعرا و بگویند درباره این موضوعات شعر بگویند.» این قدر مسئله برای ایشان اهمیت داشت که فرمودند: «اگر من خودم وقت داشتم این کار را می کردم». یعنی شما بروید این کار را انجام دهید و مداحان به این موضوعات بپردازند. خوب، اگر ما به این شکل نگاه کنیم، باز به اهمیت آموزش و تعریف مداحی پی می بریم. ایشان یک جافرمودند: شما مبلغ هستید، یک جافرمودند: شما در جایگاه یک معلم هستید، یک جافر درباره معرفت افزایی فرمودند: شما باید دانش و معرفت مردم و مخاطبان خودتان را بالا بیاورید و اینها همه نکته است.

در سؤالات خوبی که در دعوتنامه مطرح شده، عنوان کردند: آموزش مداحی بهتر است از طریق کدام یک از انواع مجموعه های آموزشی دنبال بشود؟ مثلاً در حوزه های علمی؟ پاسخ این سؤال به تعریف مداحی بر می گردد. آیا مداح می خواهد برود در حوزه علمی طلبه بشود؟ آیا ما می خواهیم طلبه تربیت کنیم یا مداح؟ آیا یک مداح سخنران هم است؟ خطیب است؟ واعظ است؟

ما باید اینها را تفکیک و تعریف کنیم؟ واعظ در جایگاه خودش و مبلغ هم در جایگاه خودش. الان گاهی ما به یک روحانی، یک پیش نماز، یک آیت الله مبلغ می گوئیم و مداح را هم مبلغ می نامیم. آیا اینها در یک تراز هستند؟ اینها باید تعریف بشود. ما باید از وضعیت آموزش مداحی در سراسر کشور یک گزارش جامع تهیه کنیم. امروز در تهران آموزش مداحی به طرق مختلف برگزار می شود. متولی بعضی از این آموزشها دستگاه های دولتی هستند. بعضی از این آموزشها را تشکل های مردمی و مردم نهاد و «ان.جی.او» های فرهنگی پیگیری می کنند که ما گزارش آنها را لازم داریم. باید بدانیم متولی این نهادها چه کسانی هستند؟ در ساختار آموزشی آنها چه درس هایی ارائه می شود؟ آیا کتاب درسی و شرح درس دارند یا ندارند؟ آیا شیوه آموزشی آنها سلیقه ای است؟ اصلاً آیا ما درست فهمیده ایم که

تعلیم و تربیت از گذشته های دور همیشه می گویند: زمان شکل گیری شخصیت در دوران جوانی و یا نوجوانی است؛ یا حتی در مقطعی پایین تر از نوجوانی. امروز برای این که دانش آموزی وارد کلاس اول دبستان بشود، قبل از ورودش در مقطع پیش دبستان برای او تست های مشخصی می گذارند؛ که ببینند هوشش چقدر است؟ استعدادش چقدر هست؟ حتی از نظر اخلاقی مواردی را ارزیابی می کنند. اینها را باید در نظر گرفت. به نظر من برای امر آموزش ابتدا باید در دوران نوجوانی برنامه ریزی کنیم. اگر در دوران نوجوانی برنامه ریزی نکنیم، وقتی شخص وارد دانشکده مداحی بشود، تا حدودی آن فرد شخصیتش شکل گرفته است و در این حال ما چه چیزی را می خواهیم به او آموزش بدهیم؟

نکته بعدی این است که تعلیم و تربیت باید همزمان باشد. در میان مباحث مطرح شده، موضوع ارتزاق مداحان هم دغدغه برخی دوستان بود. این که ما از راه مداحی ارتزاق کنیم یا نکنیم؟ و بحث ها و موضوعاتی که ممکن است اخلاص و بحث تقوا را خدشه دار کند. ما می گوئیم یک مداح باید باتقوا باشد. چنانچه اگر مداحی همه فنون مداحی را دانست ولی تقوا و اخلاص نداشت، آیا می توانیم به او اجازه بدهیم که بیاید تعلیم بدهد؟ معارف دین را به مردم القاء بکند؟ بعضی از دوستان پیشنهاد کردند که ما یک دادگاه ویژه مداحی نیز راه بیندازیم. همان گونه که یک دادگاه ویژه روحانیت هست، یک دادگاه ویژه مداحی هم باشد که به این امور رسیدگی کند.

درباره تأسیس دانشگاه مداحی مقطع سنی نیز مهم است. تأکید بنده این است که تأسیس دانشگاه مداحی برای آینده بسیار

مهدی امین فروغی:
ما برای اندیشیدن درباره این پرسش که تأسیس دانشگاه مداحی؛ آری یا نه؟ ابتدا باید گذشته این کار و شیوه های آموزشی که در هر دوره بوده را دقیق بررسی کنیم ببینیم ما حاصل هر شیوه چه بوده است

چه چیزی باید آموزش بدهیم؟ گاهی ما در جلساتی شرکت می کنیم و می بینیم موضوعاتی را آموزش می دهند که اصلاً جزء نیازهای یک مداح نیست. جزء دانش یک مداحی نیست. گاهی اوقات ما با این مشکلات مواجه هستیم و بنابراین لازم است که یک گزارش جامع و کامل از وضعیت آموزش مداحی در سراسر کشور تهیه کنیم؛ چه آموزش هایی که دستگاه های دولتی ارائه می کنند و چه دستگاه هایی که در واقع تشکل های خودجوش و مردمی هستند. شیوه آموزشی های فعلی باید به نقد گذاشته شود. باید یک تحلیل توصیفی از اینها داشته باشیم؛ تا بتوانیم نقد کنیم. سپس اظهار نظر می کنیم که آیا دانشکده مداحی لازم است یا خیر؟

اگر نظر اکثر استادان این باشد که همین شیوه فعلی آموزش را دنبال کنیم، به تبع سعی می کنیم نقص های شیوه های فعلی را بر طرف و نقاط قوتشان را تقویت کنیم. به عنوان مسئله بعدی ما باید نیازهای مطالعاتی و آموزشی مداحان را مشخص کنیم. درباره این موضوع حرف و نقل ها زیاد است، نظرهای مختلفی هست. نکته دیگر مسئله مقطع آموزش است. استادان



مشروطه قسمت اعظم کسانی که بر خاسته از تعزیه هستند و از روضه برخاسته‌اند دیگر صدایشان را از تکایا نمی‌شنوید. از این پس صدای «اقبال السلطان»، آن تعزیه‌خوان بلندآوازه را از رادیو می‌شنوید. از این به بعد صدای او در تکیه شنیده نمی‌شود. همین‌طور در کنسرت‌های گراند هتل باید سراغ «عارف قزوینی» را بگیرید. از ماحصل آن نوع آموزش قبل از مشروطه و اتفاقات اجتماعی بعد از آن، چنین اتفاقی پیش می‌آید. صدای فرزند «تاج الواعظین اصفهانی»، «سید جلال تاج اصفهانی» را از رادیو می‌شنوید. پسر «بدیع المتکلمین»، «سید جواد بدیعی»، در رادیو تصنیف می‌خواند و همه آن ساختارهای قبلی فرو می‌ریزد. در نسل اول مشروطه چنین به‌هم‌ریختگی‌ای وجود دارد.

البته ساختار آموزش موروثی و مشاغل موروثی یک اصل مطلق نبوده و موارد هم بر خلاف آن هست؛ مثلاً فرزند «سید جلال واعظ»، «جلال زاده» بلندگوی مشروطه می‌شود، جلای وطن می‌کند و به تجددگرایی و مباحث روشن‌فکری گرایش پیدا می‌کند. پسر «سید احمد طالقانی»، «جلال آل احمد» به آن عرصه‌ها که می‌دانید، وارد می‌شود.

از نسل دوم و سوم مشروطه که عبور می‌کنیم به انقلاب می‌رسیم. به اشخاصی بر خورد می‌کنیم که با تکیه بر عشق، محبت، عزم و اراده با سختی‌ها و مرارت‌های زیاد در این حوزه تلاش می‌کنند. خدا رحمتشان کند؛ بزرگانی مثل مرحوم حاج «حسن دولابی»، حاج «احمد شمشیری»، «مرشد اکبر»‌ها، «مرشد رجب»‌ها و «مرشد اسماعیل»‌ها. خودشان تعریف می‌کردند

مذهبی که رسیدند، احوالات روضه‌خوان‌ها، تعزیه‌خوان‌ها، نوحه‌خوان‌ها و سایر رشته‌های این عرصه را ثبت کرده‌اند.

تا قبل از مشروطه عمده مشاغل به‌صورت خاندانی بوده است؛ از نهاد سلطنت بگیرد تا سایر رشته‌های هنری از پدر به پسر منتقل می‌شد موروثی بوده است؛ مثلاً در شعر خاندان «وصال شیرازی» را می‌بینید. در موسیقی خاندان «فراهانی» را می‌بینید. عمدتاً آموزش در این دوره در مشاغل مختلف و در هنرهای مختلف، موروثی از پدر به پسر و همین‌طور سایر وابستگان بوده است؛ الان هم می‌بینید که بعضی از مشاغل مثل نقاره‌خانه حضرت رضا علیه‌السلام موروثی است؛ یعنی از پدر به پسر منصب را به ارث می‌برند. در این دوره از بین روضه‌خوان‌ها خاندان «ضیاء الذاکرین»

سعید سیاح:

چنین دانشگاهی به کدام نهاد مربوط می‌شود؟ کدام سازمان و چه مرجعی نیازمندی‌های مادی این دانشگاه را مرتفع می‌کند؟

را می‌بینیم؛ خاندان «بدیع المتکلمین»، خاندان حاج «سلطان الواعظین» و تا این اواخر خاندان «سادات شیرازی» را می‌بینیم و سایر خاندانی که وجود دارند. علاوه بر این چون در ستایشگری و ذاکری داشتن قریحه آواز و صدا و لحن حرف اول را می‌زند، طبیعتاً صدا هم موروثی است. به همین دلیل این هنر در خاندانی امتداد پیدا می‌کرده است. عده‌ای نیز تعزیه‌خوان بودند که روش آنها فرق می‌کرد. آموزش در تعزیه‌خوانی به این ترتیب بود که معین البکایی بوده است. وی افراد مختلف را در همه مناطق رصد می‌کرد و اشخاصی را که صدای خوش دارند و استعداد دارند جذب می‌کرد؛ حالا یا برای تکیه دولت و یا برای تکایای دیگر. سپس آنها را تحت آموزش قرار می‌دهد.

در کل آموزش در این دوره به‌صورت موروثی است و عمدتاً تجربیات پدر به پسر منتقل می‌شود. هیچ دبستانی وجود ندارد. مکتبی نیست و هر کسی تجربیات را به فرزند خودش منتقل می‌کند. با انقلاب مشروطه و به‌هم‌ریختن ساختار اجتماعی، این ساختار آموزشی هم متزلزل می‌شود. بعد از

ضروری، لازم و مفید است. اگر ما از امروز عزم‌مان را جزم کنیم و اهتمام بورزیم که یک دانشکده مداحی راه بیندازیم با توجه به زمان بر بودن اقدامات فرهنگی شاید پنج سال یا ده سال دیگر این اقدامات جواب بدهد. به این ترتیب مسئله دیپلم نداشتن و سن کم برخی از مداحان که دوستان به آن اشاره کرده‌اند نیز به‌گونه‌ای بر طرف می‌شود. یعنی اگر از الان برای این موضوع برنامه‌ریزی و اقدامات لازم را پیگیری کنیم، تا زمان تأسیس دانشگاه مداحی این مشکلات بر طرف شده‌اند. تا آن موقع کسی که می‌خواهد برود دانشگاه یا دانشکده مداحی قطعاً آن مراحل را طی کرده و مثلاً دیپلمش را گرفته است. حالا می‌آید امتحان ورودی بدهد برای دانشگاه و بعد هم وارد دانشگاه می‌شود. البته این برای آینده است. به‌طور قطع استادان این عرصه را هم که اکنون خودشان به دیگران آموزش می‌دهند و سال‌ها در این حوزه خدمت‌رسانی کرده‌اند باید در یک جایگاه دیگری ببینیم. بنابراین پیشنهاد بنده به‌طور مشخص این است که ما باید وضعیت آموزش را مدیریت کنیم. برای این منظور باید گزارش جامعی از وضعیت مداحی داشته باشیم؛ سپس باید وضعیت موجود را نقد کنیم و تصمیم بگیریم که آیا در شرایط کنونی اقدامی لازم است یا خیر؟

مهدی امین فروغی:

برای بررسی شیوه‌های آموزش در این عرصه ناگزیر هستیم که یک نگاه تاریخی داشته باشیم و گذشته تاریخی این مقوله را بازبینی کنیم. طبق یک تقسیم‌بندی تاریخی، نهاد ذاکری و ستایشگری را می‌توانیم به سه دوره تقسیم‌بندی کنیم. یکی، از دوره قاجاریه به قبل تا مشروطه، دوره دوم از مشروطه تا انقلاب اسلامی و دوره سوم از انقلاب تا زمان حاضر. این تقسیم‌بندی دقیق نیست؛ ولی تاریخ ما را ناگزیر می‌کند که به این تقسیم‌بندی تن در بدهیم و اجالتاً می‌پذیریم. باعث تأسف است که هیچ‌گاه از میان ذاکران، مداحان و روضه‌خوان‌ها در طول تاریخ و نه حتی در سال‌های اخیر کسی اقدام به ثبت و ضبط شرح احوالات روضه‌خوان‌ها نکرده است. ما اگر الان می‌خواهیم ببینیم که در دوره قاجاریه روضه‌خوانی در ایران چه وضعی داشته است، باید به کتاب‌های حوزه موسیقی مراجعه کنیم. موسیقی مذهبی بخشی از موسیقی هر قومی را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین کسانی که به نوشتن تاریخ موسیقی اقدام کرده‌اند، به بحث موسیقی

که وقتی می‌خواستیم آموزش ببینیم با چه مشکلاتی روبه‌رو بودیم. برای گرفتن یک غزل یا قصیده چقدر باید به استاد مراجعه می‌کردیم؛ گاهی استاد حال نداشت و کسل بود، می‌رفتیم و دوباره برمی‌گشتیم؛ با عشق. یعنی اینها سوار ناخه‌ای بودند که عنان آن ناخه بر دوش ساربان بود، به نام عزم و اراده، قداست و عشق و محبت. نه در خاندانشان کسی بود که به آنها آموزش دهد و نوعاً از سایر مشاغل بودند و به این کار روی آورده‌اند. ایشان با همت این کار را پیش بردند؛ تا این که رسید به زمان ما که ان‌شاءالله سایه بزرگان بر سر ما مستدام باشد. ما برای اندیشیدن درباره این پرسش که تأسیس دانشگاه مداحی؛ آری یا نه؟ ابتدا باید گذشته این کار و شیوه‌های آموزشی که در هر دوره بوده را دقیق بررسی کنیم، ببینیم حاصل هر شیوه چه بوده است؛ مثلاً حاصل شیوه آموزش در دوره دفاع مقدس چه بود؟ حاصل شیوه آموزش قبل و بعد از آن چه بود؟

پس از انقلاب با هجوم وسایل ارتباط جمعی و تکنولوژی، به زمانی رسیدیم که نوجوان در عمر خودش اصلاً استادی نمی‌بیند. استادش می‌شود سی‌دی و تقلید از مداحان به نام که الآن دارند این کار را انجام می‌دهند. سال‌های سال است که مباحثی درباره پیوند حوزه و دانشگاه، وحدت حوزه و دانشگاه با زحمات بزرگانی مثل شهید «مفتح»، شهید «باهنر»، شهید «بهشتی» و شهید «مطهری» مطرح است. رهنمودهای امام و مقام معظم رهبری در این حوزه هست بخصوص که باید آنها را از نظر بگذرانیم و ببینیم تا حالا به چه نتیجه‌ای رسیده‌اند.

ما می‌خواهیم نهادی را دانشگاهی کنیم که درباره آن گفته‌اند:

بنام به بزم محبت که آن جا
گدایی به شاهی مقابل نشیند
درباره آن گفته‌اند:

کس نمی‌داند در این بحر عمیق
سنگ‌ریزه قرب دارد یا عقیق

حالا ما می‌خواهیم عشق را ببریم و استانداردها را ببریم؛ ببریم به دبستان. عشق، محبت و هنر را که زیبایی‌اش در تکرار است، می‌خواهیم ببریم و دبستانی‌اش کنیم و در یک ساختاری آن را قرار بدهیم. این مباحث هم باید مد نظر قرار بگیرد. این موضوعات را با ۱۲ جلسه نباید خاتمه داد. باید جلسات دقیق با حضور استادان مختلف تشکیل و این مقوله بررسی شود. قبلاً باید گذشته این کار را بررسی کنیم. وضعیت فعلی آن را بررسی کنیم؛ تا ان‌شاءالله به نتیجه برسیم. یک بحث فنی نیز در این خصوص مطرح است؛

ما با مقوله‌ای طرف هستیم که در خصوص آن شخص در نوجوانی صدایش شکل می‌گیرد. روضه‌خوانی تکیه‌اش بر صدا است. بنابراین در ابتدای دوره کودکی و نوجوانی باید تکلیف صدای علاقه‌مندان به این حوزه روشن شود؛ نه این که از دوره بلوغ که تغییرات مختلفی روی صدا ایجاد می‌شود عبور کنیم و برسیم به مقطع دانشگاه؛ که در این مقطع صدای او شکل گرفته است؛ حالا ما تازه بنشینیم و دیکته‌های غلط او را اصلاح کنیم!

عباس دلجو:

اغلب مداحان پذیرای این

نیستند که زیر نظر سازه‌مانی

باشند متن جامعه مداحان

نمی‌پذیرند که زیر نظر سیستمی

مثل دانشگاه فعالیت کنند

سعید سیاح:

وقتی یک سفره‌ای پهن نشود، یک عیب دارد و درباره آن می‌گویند: پهن نشد؛ اما وقتی سفره‌ای باز شود ممکن است بگویند: ۱۰۰ عیب دارد. اصل مسئله تأسیس دانشگاه مداحی خوب است. هر قدر مداح باسواد باشد، اهل مطالعه باشد، صدای خوب هم در کنار آن داشته باشد و بتواند خوب صحبت کند، همه اینها امتیاز هستند؛ اما جمع شدن همه این امتیازها در یک شخص مشکل است. کسی را که همه این امتیازها را یک جا داشته باشد نداریم. بنابراین من با اصل مسئله یعنی آموزش دادن به مداحان و تأسیس دانشگاه مداحی موافق هستم؛ اما شرایطی هست که باید آنها در نظر بگیریم.

اولاً، آیا برای ورود به این مجتمع یا دانشگاه و هر چه اسم آن است مدرکی لازم است یا خیر؟ مثلاً آیا مداح باید دیپلم داشته باشد؟ سیکل داشته باشد؟ دوم، بحث استادان که در خیلی مهم است. اگر استاد خوبی وجود داشته باشد و خوب تدریس کند، دانشجو نیز از آن استفاده کند، این روند کاربرد و بهره‌بری از مداح را خیلی بالا می‌برد؛ پس استاد خودش باید در این عرصه دستی بر آتش داشته باشد؛ یعنی استادان نیز دوره‌ای در این مورد دیده باشند. استادانی هستند، خیلی باسوادند، تاریخ اسلام را خوانده‌اند، حتی مقاتل را مطالعه کرده‌اند؛ اما در خصوص فنون این کار اصلاً اطلاعی

ندارد. چون این فنون از طریق تجربه به دست می‌آید؛ نه از طریق درس خواندن. منظور من کاربرد قضیه است. مآخذ و منابعی که باید تدریس شوند، قبلاً به تمهیداتی نیاز دارند. باید بزرگوارانی که درباره همه امور مداحی اطلاعات کامل دارند، قبلاً این منابع را تهیه کرده باشند؛ منابع و مآخذی از حیث علم جامعه‌شناسی، علم اجتماع و سایر مسائل.

مکان مناسبی هم باید برای این منظور در نظر گرفته شود؛ مثلاً حوزه‌ها در جاهایی که تقدس دارند تشکیل می‌شوند. احترام آن مکان باعث می‌شود که آن حوزه و آن دانشگاه شأن و جایگاهی پیدا کند. دانشگاه مداحی کجا باید تشکیل بشود؟ گو یا دوستان فرمودند که در چند شهرستان تأسیس شده است. در این صورت این سؤال مطرح است که چند سال بعد معلوم می‌شود که آنها توفیق داشته‌اند یا خیر؟ در آتی‌ه باید دید و حتماً باید درباره آن فکر کرد که توفیق اینها در چه موردی و تا چه اندازه‌ای بوده است؟ اگر توفیق به دست آمده کم باشد، آیا از نظر مادی و حتی معنوی صرف می‌کند این موضوع را پیگیری کنیم؟ معمولاً ورود به دانشگاه خیلی مشکل است؛ اما وقتی دانشجو وارد شد، درس را رها می‌کند و فقط دنبال آن است که آن واحدها را بگذرانند. یعنی دانشجویی که قبلاً دانش آموز بوده و ۳۴ سال پشت کنکور مانده و بعد وارد دانشگاه شده است، بعد از تحمل آن زحمات درس را رها می‌کند. ما این مسئله را بارها دیده‌ایم.

آیا در این حوزه نیز همین جور خواهد بود؟ یک مداح با هزار زحمت وارد می‌شود و بعد آن جا هیچ زحمت اجرایی برای کارهایش نباشد؟ آیا این ضمانت وجود دارد که ما بتوانیم از او به نحو مطلوب امتحان بگیریم. یا مثلاً فرض کنید استاد جوانی بخواهد به یک مداح مجربی که در تهران و ایران صاحب‌نام و در این حوزه بسیار مؤثر است و خوب می‌خواند در عین حال علاقه‌مند است که در این کلاس‌ها شرکت کند مطالبی را انتقال دهد؛ آیا این استاد می‌تواند با او ارتباط مؤثری برقرار کند؟ درباره این مسائل باید فکر کرد. فارغ‌التحصیل این رشته بعد از گرفتن مدرک آیا باید به دنبال کار باشد؟ خب، مداحی که عشق است! به این ترتیب این عشق تحت الشعاع قرار می‌گیرد. به نظر من باید خیلی دقت کنیم. بررسی این موضوع با یک ماه و دو ماه به نتیجه‌ای نمی‌رسد. به عقیده من استادان این حوزه سال‌ها باید درباره این موضوع بحث؛ سپس مقدمات را فراهم کنند. تازه بعد از آن هم یک همه‌پرسی لازم



می فرمایند: «مداحی برای امام حسین علیه السلام سوختن است و سوختن تعلیم نمی خواهد. جایی می خواهد که انسان سوختن را ببیند و بسوزد. آنهایی را که سوختند نگاه کند و یاد بگیرد.»

ما نمی توانیم این موارد را نادیده بگیریم. از آقای «مجتهدی تهرانی» در سخنرانی روز عاشورا برای طلاب حوزه نقل می شود که در آخر الزمان روضه خوانی ها اداری و مصنوعی می شود. روشن فکرهایی که مکتب قبال الصادق را قبول ندارند می آیند و کار را خراب می کنند. رمز این دستگاه این است که هر کس که شیر پاک خورده را می آورند سر سفره می نشاندند. هر کس را که خودشان می خواهند می آوردند سر این سفره می نشاندند.

خب، درباره این جملات باید تأمل کنیم. اینها فرموده بزرگان است. عارف بزرگ، «حاج میرزا احمد عابد نهبانندی» می گوید: «همان طوری که خدا شیر خوردن را به کودکان آموخته است، گریه و روضه را هم در فطرت پاکان قرار داده است». این شعر واقعاً درست است که: «من غم مهر حسین با شیر از مادر گرفتم». این خودش یک ملاک است. استاد علامه «محمد تقی جعفری» نیز در یکی از آثارشان جمله ای دارند با این مضمون که بعضی چیزها در عرفان الهی درس دادنی نیست؛ مثل گریستن از خوف خدا یا گریاندن برای مظلومیت امام حسین و گریستن.

جملاتی نظیر این موارد زیاد هست و همین اندازه کافی است تا من به استناد آنها نظر خودم را اعلام کنم: از منظر روانشناختی این جامعه، فکر می کنم این سلسله جلیله و این عزیزان که آبرومندانی هستند که در تشکیلات ابا عبدالله علیه السلام خدمت می کنند، با ورود به مباحثی از قبیل تأسیس

سید علی قریشی:
پس از تأسیس دانشگاه مداحی
در تهران و شروع آموزش به
دانش پذیران و یا دانشجویان آیا
امکان گسترش آن به سایر نقاط
کشور وجود دارد؟ اگر پاسخ منفی
باشد آیا این روند در آینده در
جامعه تضاد ایجاد نمی کند؟

گرفته اند ... یا این که با ذوق فطری خودشان آن را در یافتند... و در نهایت اشاره می کنند که بیاموزند. خب، مثلاً در کجا و با چه مدرکی می توانیم این ذوق فطری را به آقای «سازگار» بدهیم؟ ما چه مدرکی می توانیم به آقای «آهی» بدهیم؟ در بحث دفاع مقدس شهید «اخوان» حرف قشنگی زد خداروحش را شاد کند می گفت: «به کسی که ۶۷ سال بدون مرخصی در جبهه مانده است، ما چه در جه ای می توانیم بدهیم؟» حتی می گفت که افرادی هستند که طولانی مدت خانواده را هم ندیده اند. این مباحث خارج از مدار این مباحث است که ما بخواهیم مدرکی را معادل آن عرضه یا بخواهیم سقفی را برایش تعیین کنیم. عرصه مداحی نیز با دانشگاهی شدن حدود برایش مشخص می شود. از حضرت «آیت الله سبحانی» در دیدار با مداحان قم این فرمایش را دقت کنید: «مرثیه خوانی و مداحی اهل بیت برخاسته از علوم آل محمد است؛ و علوم آل محمد علیهم السلام در حوزه تدریس می شود.»

این عزیزان را به جایی غیر از حوزه ها سپردن مثل این است که فرزند خود را به پرورشگاه بسپاریم و توقع داشته باشیم که از هر لحاظ خوب بار بیاید.»
حضرت «آیت الله بهاء الدینی» نیز

است. الان در بانک های اطلاعات موجود اسامی تعداد زیادی از مداحان را داریم. از این مداحان نیز نظر بخواهیم. مداح های جوانی داریم که خوب می خوانند و ۱۰ هزار نفر جمعیت اطرافشان جمع می شوند (حالا به سبک آنها کاری ندارم) نظر اینها را هم بپرسیم. این که در نشست چند نفر جمع بشویم و تصمیمی بگیریم که به آن اقبالی نشود، شکستی در کار است. ورود به این عرصه نباید با اجبار و اکراه باشد. باید با طیب خاطر و میل وارد شوند. به این ترتیب آموزش ها در آینده موجب پیشرفت خواهند بود.

یک سؤال دیگر هم مطرح است: این که چنین دانشگاهی به کدام نهاد مربوط می شود؟ کدام سازمان و چه مرجعی نیازمندی های مادی این دانشگاه را مرتفع می کند؟ برای پاسخ به این سؤالات باید از نظرهای استادان مقیم استان های دیگر نیز استفاده کنیم و فقط به استادان و کارشناسان تهران بسنده نکنیم.

عباس دلجو:

بنا بر مشاهدات من در طول سال ها فعالیت در این حوزه، اغلب مداحان پذیرای این نیستند که زیر نظر سازمانی باشند. متن جامعه مداحان نمی پذیرند که زیر نظر سیستمی مثل دانشگاه فعالیت کنند. بنا بر این به نظر می رسد تصمیم گیری در خصوص تأسیس دانشگاه مداحی زمان بیشتری را می طلبد. این کار نیاز به بررسی های روانشناسانه دارد. تعبیراتی که در این حوزه وجود دارد، به تأمل بیشتری نیاز دارند؛ مثلاً مقام معظم رهبری می فرمایند: «چه دنیای خوبی است دنیای ذکر و مدح! غرق شدن در عشق اهل بیت و غرق کردن دیگران. روشن نگه داشتن شعله محبت این خاندان.»

این دنیای خوب و عجیب و غریب را با این توصیف آیا می توانیم در دانشگاه ایجاد کنیم؟ ایشان در رهنمود دیگری فرمودند: «مداحی نباید طوری بشود که هر کسی وارد این حرفه مقدس شود؛ بلکه باید برگردید و استعدادها و قابلیت ها را شناسایی کنید و با یاد دادن معارف ناب، این سرمایه محبت و معرفت را زیاد کنید.»

کجای این جملات بوی دانشگاهی شدن این عرصه را می دهد؟ این موارد موضوعات قابل تأملی هستند و ما باید روی آنها کار کنیم. در رهنمود دیگری نیز فرموده اند که در این حوزه باید جایی باشد که استادان فن که در طول سال های متممادی یاد



دانشگاه مداحی، به نوعی تحقیر می‌شوند. بسیاری از عزیزانی که الآن مداحی می‌کنند استاد‌های فراوانی دیده‌اند و زحمت فراوانی برای آموختن کشیده‌اند؛ اما وقتی بحث دانشگاهی شدن این عرصه مطرح شود، اینها احساس حقارت می‌کنند و در مقابل افرادی که مدرک دانشگاهی دارند یا تحصیلاتی را به شکل آکادمیک گذرانده‌اند ممکن است دچار کمبود روانی شوند. پیشنهاد همه‌پرسی در خصوص این موضوع پیشنهاد مناسبی است. این که همه افراد مؤثر و فعال در این عرصه جمع باشند و آرا و نظرهایشان در تصمیم‌گیری دخیل باشد. من کم‌وبیش با آنها درباره این موضوع صحبت کرده‌ام و به گمانم آنها با دانشگاهی شدن عرصه مداحی موافق نیستند. گرایش آنها به سمت چیزی شبیه به حوزه است؛ تا هر کسی که ارادت و علاقه‌ای دارد بتواند وارد شود؛ بدون محدودیت مدرکی و بدون احساس کمبود در قضایای اجتماعی.

عبدالامیر فائق:

به گمان من برای بررسی تاریخچه‌ای که آقای «امین فروغی» فرمودند و احصای تجاربی که جناب آقای «اصفی» و استاد «سازگار» اشاره کردند و همچنین برای توضیح و تبیین روش‌های آموزشی که جناب آقای «رفیعا» می‌فرمایند، قبل از تأسیس دانشگاه مداحی باید یک پژوهشکده مختص حوزه مداحی تأسیس کنیم؛ تا اکثر مقدماتی که در این نشست مطرح شد، آن جا به نتیجه برسد. در نهایت ما باید محتوا را از حوزه بگیریم و اگر مناسب دیدیم روش آموزشی را از دانشگاه بگیریم. نتیجه این همان وحدت حوزه و دانشگاه است. اما در ابتدا تأسیس یک پژوهشکده ضرورت دارد. به نظر من قبل از تولید علم و تولید محتوا، حتی قبل از تربیت مدرس برای این حوزه، تأسیس پژوهشکده الزامی است. این پژوهشکده در شناسایی وضعیت موجود خیلی کمک می‌کند. الآن شناخت کافی از مخاطبان این حوزه وجود ندارد؛ مثلاً الآن مداحانی هستند که مجلس دارند و اتفاقاً عاشق آموزش تکمیلی نیز هستند، اما سن‌شان برای تحصیلات تکمیلی مناسب نیست. مثلاً ما باید به این نتیجه برسیم که سن مناسب برای ورود به چنین دانشگاهی ۱۸ تا ۲۵ سالگی است؛ یا هر بازه دیگری که با یک بررسی کارشناسانه مشخص شود. همین الان ممکن است در بنیاد دعبل اعضایی با سن بالا واقعاً مشتاق آموزش تکمیلی باشند؛ امکان‌سنجی ورود به تحصیلات عالی از

بخشیدن؟ یا مهارت دادن؟ و یا می‌خواهیم در دانشگاه به بحث معرفت و علم بپردازیم. همان طوری که از اسم دانشگاه برمی‌آید طبیعتاً دانشگاه جایی است که ما باید از آن توقع علم داشته باشیم. اصلاً چه بسا تربیت، بصیرت و مهارت در قالب یک دوره دوساله کاردانی، چهارساله کارشناسی، شش ساله کارشناسی ارشد و ۱۰ساله دکترا برنیاید. کار تربیتی، کار بصیرتی و کار مهارتی کاری است که یک عمر می‌طلبد.

رضا معممی مقدم:
تأسیس رشته‌ها یا دانشگاه مداحی ضرر ندارد ولی ضروری هم نیست اگر مداحی علم بود و دانش بنیان تاکنون در زمره علوم یاد می‌شد ولیکن می‌توان فن، هنر و مهارت به آن اطلاق کرد که به نظر «هنر» در این بین با مسمی‌تر است

سال‌ها پیروی مکتب رندان کردم تا به فتوای خرد حرص به زندان کردم می‌گوید سال‌ها با پیروی از مکتب رندان توانستم به یکی از رذایل اخلاقی غلبه کنم؛ پس مباحث تربیتی، بصیرتی و مهارتی زمان‌بر و طولانی‌مدت هستند. البته دانشگاه قطعاً متصدی مباحث تربیتی هم می‌تواند باشد. متصدی بحث بصیرت و مهارت هم می‌تواند باشد؛ اما در یک قالب محدود. به نظر بنده ما توقعمان از دانشگاه به ذات بحث علم و معرفت است. به نظر می‌رسد که همه این ارکان نیز مقوله به تشکیک است و ممکن است که رتبه‌های مختلفی داشته باشند. انسان‌ها در بحث تربیت و در بحث بصیرت، بصیرت‌شان مراتبی دارد؛ مثلاً بصیرتی که «عمار» داشت و آنچه ما انسان‌های دیگر داریم متفاوت است. بنابراین بصیرت مقوله‌ای به تشکیک است؛ تربیت هم همین طور. در این خصوص ما عرفاً داریم که سطوح مختلف داشتند. در مهارت هم همین طور، ما الان مداحی داریم که نوحه‌خوان خوبی است و در عرصه خودش اثرگذاری خوبی دارد، مداحی نیز مناجات‌خوان خوبی است و بسیار اثرگذار است. مداحی نیز روضه‌خوان بسیار قدری است؛ یعنی اینها تخصصی هستند و در زمینه‌های مختلف ممکن است

ملزوماتی است که پژوهشکده می‌تواند آن را انجام دهد. شناسایی مخاطبان، احصای تجارب، نوشتن تاریخچه مداحی و مواردی از این قبیل در پژوهشکده انجام می‌شود. این اتاق فکری که اکنون تشکیل شده است، باید منجر به تشکیل یک پژوهشکده جامع نیز بشود.

محمد فراهانی:

از رهنمودهای مقام معظم رهبری به مداحان چهار رکن اساسی را ما می‌توانیم برداشت کنیم: رکن اول «معرفت»، رکن دوم «تربیت»، رکن سوم «بصیرت» و رکن چهارم «مهارت» که در مداحی باید به آن پرداخته شود. در سازمان بسیج مداحان نیز رأس امور و محور فعالیت‌های ما همین چهار رکن هستند؛ یعنی همه مباحث آموزشی و تربیتی و تعلیمی ما حول و حوش این چهار رکن می‌گردد. من فکر می‌کنم در این نشست اگر یک سؤال پاسخ داده شود خیلی از دغدغه‌ها برطرف می‌شود. آن سؤال این هست: ما از دانشگاه به عنوان یک مرجع توقع داریم که کدام یک از این ارکان را پشتیبانی کند؟ آیا ما از دانشگاه توقع تربیت کردن داریم؟ یا بصیرت



که استاد می‌دهد کیفیت آموزش به افراد مختلف متفاوت است؛ ولی در نظام آموزش جدید متون واحدی را مشخص می‌کنیم و همه در یک کلاس می‌نشینند؛ مثلاً برای ۴۰ یا ۳۰ نفر یک کلاس برگزار می‌شود و در این دوره‌ها همه دانش‌پذیران باید حضور داشته باشند، در صورتی که در نظام آموزش قدیم کیفیت آموزش متناسب با تشخیص استاد درباره هر دانش‌پذیر متفاوت بود. گزینش دانش‌پذیر در نظام آموزش قدیم به دلیل همان محوریت استاد با نظر استاد بود؛ ولی در نظام آموزشی جدید ثبت نام از طریق شرکت در کنکور و یا گذران دوره‌های آموزشی قبلی انجام می‌شود و روند گزینش در نظام آموزش قدیم در نظام آموزشی جدید موضوعیت ندارد.

یک ویژگی دیگر درباره نظام ارزیابی است. ارزشیابی در نظام آموزشی قدیم کیفی بود؛ ولی در نظام جدید بحث نمره مطرح و ارزیابی کمی است، بحث امتحان و آزمون مطرح است. اصلاح شرایط و اقتضات نظام آموزشی جدید جوری نیست که بشود از تمام دانشجویان به طور متفاوت آزمون گرفت. یک سری سؤالات و یک نظام ارزشیابی واحد برای همه استفاده می‌شود؛ در صورتی که در نظام آموزشی قدیم ارزیابی کاملاً کیفی بود، متناسب با فهم استاد و بیرون از ساز و کار نمره دادن و امتحان و ماده‌های امتحانی بود. خروجی نظام آموزشی قدیم واقعاً محدود بود. در آن نظام استاد محور، مگر یک استاد آن هم با آن کیفیت آموزش چند نفر را می‌توانست آموزش بدهد، چند نفر را می‌توانست تربیت کند. ولی نظام آموزش جدید به اقتضای افزایش جمعیت و افزایش نیاز خروجی انبوه هم دارد. یک استاد به

هست شکل می‌گیرد. من فکر می‌کنم که دانشکده و دانشگاه و یا هر اسم دیگری که روی آن بگذاریم در تقسیم‌بندی کلی جزو نظام آموزشی جدید می‌شود که با نظام آموزشی قدیم که از مصادیق آن مداحی سنتی و نهاد ذاکری سنتی بوده تفاوت‌هایی دارد. توجه به تفاوت‌های این دو نظام آموزشی و تطبیق آنها به عرصه مداحی برای تصمیم‌گیری در این حوزه خیلی مهم است. به این ترتیب به پرسش اصلی نزدیک‌تر می‌شویم. آیا برای سامان دادن آموزش مداحی رسیدن به گزینش دانشگاه گزینه مناسبی است؟ یا انتخاب نادرستی است؟ نظام آموزش سنتی استاد محور است؛ یعنی محوریت نظام آموزشی با استاد است؛ البته استادی که تعریف خودش را دارد.

محسن حسام مظاهری:
دانشکده و دانشگاه و یا هر اسم دیگری که روی آن بگذاریم در تقسیم‌بندی کلی جزو نظام آموزشی جدید می‌شود که با نظام آموزشی قدیم که از مصادیق آن مداحی سنتی و نهاد ذاکری سنتی بوده تفاوت‌هایی دارد توجه به تفاوت‌های این دو نظام آموزشی و تطبیق آنها به عرصه مداحی برای تصمیم‌گیری در این حوزه خیلی مهم است

تعریف استاد در نظام آموزشی جدید متفاوت می‌شود؛ ولی در نظام آموزشی جدید این دانش‌پذیر است که محوریت دارد. ساختار، تعریف و کل شیئون نظام آموزشی متناسب با دانش‌پذیر باز تعریف می‌شود. تفاوت دوم این است که نظام آموزشی قدیم اصولاً یک نظام کیفی است. یعنی هم آموزش، هم مواد آموزش و هم روند آموزش در آن کیفی است. ممکن است که برای یک دانش‌پذیر به تشخیص استادش، روند آموزش ۱۰ سال طول بکشد و ممکن است که برای یک نفر دیگر پنج سال طول بکشد و برای دیگری ۲۰ سال. کیفیت آموزش و مواد آموزشی نیز همین‌طور است. ولی نظام آموزشی جدید به دلیل این که تعداد بیشتری از دانش‌پذیر را مخاطب خود قرار می‌دهد ناگزیر از کمی شدن است؛ یعنی در این نظام آموزشی ناگزیر هستیم همه این امور کیفی را به امر کمی تبدیل کنیم که این اقتضاتی دارد. در نظام آموزش قدیم بر اساس تشخیصی

که مداحان متخصص شوند. ما از حوزه علمیه توقع داریم مجتهد تحویل جامعه بدهد؛ یعنی خروجی حوزه مراجع تقلید و انسان‌های عارف است. حوزه در مباحث فلسفی و در بحث تفسیر قرآن نیز خروجی دارد. در دانشگاه نیز تربیت کارشناس صورت می‌گیرد که اغلب در حوزه‌های مختلف نظریه‌پردازی می‌کنند و قطعاً ما در عرصه‌های مختلف به کارشناس هم نیازمند هستیم. به نظر من فرمایش استاد بزرگوارم حاج عباس دلجو که برگرفته از رهنمودهای مراجع و علما بود ناظر بر این موضوع است که عرصه تربیت مداحی و عرصه بصیرت و مهارت مداحی بیشتر عرصه تربیتی و مرتبط با امور معنوی است؛ که این فرموده خیلی از بزرگان ماست. این که عرصه مداحی تفضلی است و به مباحث فطری ارتباط دارد؛ اما به نظر من در اصل آکامیک شدن عرصه مداحی ابهامی وجود ندارد. در نحوه و مراحل اجرا حتماً باید تأمل صورت بگیرد و این کار حتماً باید با حوصله انجام شود. برای این منظور باید جلسات مختلفی تشکیل شود، پژوهش‌کننده‌ای که دوستان فرمودند جزء مسلمات است که بحمدالله ما در سازمان بسیج مداحان پیگیر آن هستیم.

محسن حسام مظاهری:

همه استادان درباره ضرورت آموزش و سر و سامان دادن به امر آموزش در این حوزه اتفاق نظر دارند؛ ولی آیا پاسخ درست و درست‌ترین پاسخ به این ضرورت تأسیس دانشگاه است؟ من گمان می‌کنم که باید روی این سؤال متمرکز بشویم؛ و الا در نفس آموزش و سامان دادن به آن حرفی نیست. درباره خود دانشگاه و دانشکده باید بیشتر دقت کنیم. ما نمی‌توانیم بدون توجه به یک پیشینه تاریخی و زمینه ساختاری درباره نهاد دانشگاه درباره آن حرف بزنیم. عرض بنده این پیش‌فرض را هم دارد که هر نظام آموزشی یک کل به هم پیوسته است یعنی ما خیلی وقت‌ها در مواجهه با یک ساختار و با یک نظام آن قدر اختیار نداریم که اعضایش را به اختیار خودمان انتخاب کنیم. وقتی می‌گوییم دانشگاه در مورد یک پدیده محقق و مشخص صحبت می‌کنیم که در بیرون وجود دارد؛ مثلاً مصداق ایرانی آن یعنی دانشگاه ایرانی چیزی است که با تأسیس «دار الفنون» در ایران آمده است و تا امروز هم ادامه دارد. بنابراین مادر مورد یک امر محقق حرف می‌زنیم و احتمالاً وقتی می‌گوییم دانشگاه مداحی، در ذهن‌مان چیزی مشابه به همین دانشکده‌ها و دانشگاه‌هایی که

کلاس انبوهی از دانشجویان می‌رود و به آنها آموزش می‌دهد. خروجی در این نهاد آموزشی خیلی بیشتر از یک کلاس شخصی یک استاد در نظام آموزشی قدیم است. یک نظام آموزشی جدید نسبت خیلی مستقیمی با بازار و دوگانه عرضه و تقاضا دارد. تعریف هویتی و اجتماعی نهاد دانشگاه در جامعه یک تعریف جدید است که نیازهای بازار و نیازهای مخاطب را پاسخ می‌دهد؛ به تبع شرکت کنندگان از این نظام آموزشی انتظار دارند که در بازار به معنای اقتصاد پیش جایگاهی داشته باشند؛ ولی در نظام آموزشی قدیم لزوماً این گونه نبود؛ گرچه به نیاز بازار هم پاسخ داده می‌شد؛ ولی بیشتر نیاز فرد بود؛ در واقع آموزش سنتی بیشتر دنبال پاسخ گفتن به نیازها و ضرورت‌هایی بود که در درون خودش احساس می‌کرد. ساختار نظام آموزش قدیم انعطاف داشت؛ ولی نظام آموزشی جدید یک ساختار متصلب و جبری دارد؛ یعنی ما نمی‌توانیم بر حسب دانش‌پذیرهای مختلف نظام‌های مختلفی را تعریف کنیم. در نظام آموزشی جدید همه باید یک سیری را طی کنند. همه باید در یک مدت زمان مشخص مواد درسی واحدی را بخوانند؛ سپس همه در یک بازه زمانی معین از نهاد آموزشی خارج شوند؛ ولی در نظام آموزش قدیم این اتفاق نمی‌افتاد. نکته مهم مربوط به ویژگی‌های یادشده این است که نظام آموزشی قدیم محدودیت داشت؛ ولی نظام آموزشی جدید قابلیت گسترده‌ای دارد، قابلیت تکثیر دارد. در نظام آموزشی جدید ما می‌توانیم به نیازها و اقتضات افزایش جمعیت پاسخ دهیم.

به نظر من مقایسه این دو نظام آموزشی به بحث درباره تأسیس دانشگاه مداحی کمک می‌کند؛ البته در کنار این پرسش باید به این هم جواب بدهیم که آیا مداحی را فن می‌دانیم؟ مهارت می‌دانیم؟ هنر می‌دانیم؟ و یا ترکیبی از همه اینها؟ آیا انتظار داریم که نهاد دانشگاه به همه این سوالات پاسخ بدهد؟ اینها پرسش‌هایی است که به هم کمک می‌کنند.

یک مسئله سومی هم وجود دارد؛ به نظر من نظام آموزشی جدید و نهاد دانشگاه اقتضات خودش را دارد. ما نمی‌توانیم از دانشگاه مداحی صحبت کنیم و اقتضات دانشگاه را نپذیریم. به هر حال حتی اگر مداحی را هنر بدانیم، باز با هنر نقاشی، قلم‌زنی و میناکاری قابل مقایسه نیست؛ به دلیل این که یک بخش خیلی عمده‌ای از قضیه به امر دینی برمی‌گردد؛ و توضیح و تبیین آن با معیارهای سنجش متداول یعنی

کمی کردن یک امر کیفی! یعنی ممکن است که شما بتوانید صوت، لحن، حتی مقاتل و یا نغمات را در قالب کلاس آموزش دهید، ولی ادب، عشق و اخلاص را نمی‌شود آموزش داد. مداحی معجونی است که همه این ابعاد را دارد. شما نمی‌توانید مداحی را ذیل نظام آموزشی جدید در دانشگاه تعریف کنید و بگویید ما در دانشگاه فقط بعضی از ابعادش را پاسخ می‌دهیم. به نظر من اگر می‌شود مجتهد علوم دینی را از دانشکده الهیات بیرون آورد، آن‌گاه مداح را نیز می‌توان از دانشگاه مداحی بیرون آورد. بررسی تجربه‌های پیشین هم به این بحث خیلی کمک می‌کند؛ حتی تلاش‌هایی که قبل از انقلاب شده است. استادانی که سن بیشتری دارند حتماً به یاد دارند در حوزه‌های مشابه چه تلاش‌هایی شده است؛ مثلاً تلاشی که در «مؤسسه وعظ و خطابه» شد، تقریباً یک کار

حسن بختیاری:

اگر کسی وارد دانشگاه مداحی شود و ۲ سال درس بخواند، اما نتواند فوق دیپلم بگیرد و نتواند درس‌هایش را پاس کند آیا این دیگر نمی‌تواند مداحی کند؟ آیا دیگر نمی‌تواند منبر برود؟

مشابه برای آموزش وعظ بود. حالا می‌توان آن تجربه را بررسی کرد. تجربه «دار التبلیغ» خارج از آن ابعاد سیاسی‌اش نیز قابل بررسی است. تجربه دانشگاه‌های حوزوی بعد از انقلاب نیز قابل بررسی است؛ یعنی این اتفاق که به تعبیری جریان مدرک‌گرایی در بعضی از حوزه‌های علمیه و حوزه‌های جدید است و تبعات آن در نسل جدید طلبه‌ها و طلاب علوم دینی قابل بررسی است. این موارد راه‌های رفته‌ای است که چون به امر دینی و به ساحت دین برمی‌گردد حساسیت و ظرافت مسئله دین را دارد و ما نمی‌توانیم آنها را نادیده بگیریم. حتماً این تجربه‌های مشابه که هر کدام ریشه‌ها و هم‌پوشانی‌هایی با مقوله مداحی دارند باید مدنظر قرار بگیرند.

مسئله دیگر مجموعه آفت‌هایی است که خود نهاد دانشگاه در ایران دارد. ما نمی‌توانیم به رغم نواقص یا حداقل، ابهاماتی که در ساز و کار نهاد دانشگاه وجود دارد

بگوییم بیرون از ساختار عمومی دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها می‌خواهیم یک دانشگاه ایده‌آل تأسیس کنیم. به هر حال یک دانشگاه ایرانی ویژگی‌هایی دارد. طبق واقعیت موجود، با دیدگاهی عملیاتی، دانشکده مداحی زیرمجموعه دانشگاه علمی کاربردی یا دانشگاه پیام نور می‌شود. حالا با توجه به ساز و کار آموزش در سایر رشته‌ها در این دانشگاه‌ها، آفاتی که این جریان می‌تواند داشته باشد چقدر است؟

البته عرائض من بیشتر درباره قالب آموزش است و نه ضرورت آن. شاید دانشکده یا دانشگاه گزینۀ مناسبی در این حوزه نباشد و ما بتوانیم گزینه‌های میانی تعریف کنیم؛ ولو این که ما هم‌اکنون ضرورت جمعیتی یا ضرورت بالا رفتن بازار تقاضا داشته باشیم. شاید رسیدن به گزینۀ دانشگاه یک راه حل آسان و دم‌دستی باشد. عرائض من از نگاه بیرونی و بیرون از جامعه مداحی است. نگاه درونی را باید استادانی که در این عرصه تجربه سالانه دارند از درون این جامعه بگویند. من فکر می‌کنم تقویت نظام سنتی با همان ویژگی استادمحوری و بازتعریف آن متناسب با اقتضات جدید در یک قالب مناسب مانند حوزه‌های علمیه یا مکتب یا در قالب هیئت که یک قالب خیلی امروزی است و خیلی قابلیت دارد، مناسب‌تر است؛ که متأسفانه ما از آن غفلت کرده‌ایم. هیئت مذهبی یک نهاد به تعبیر ادبیات امروز یا یک سازمان مردم‌نهاد است. قبل از این که سایر سازمان‌های مردم‌نهاد در جامعه شکل بگیرد، هیئت مذهبی با همان ویژگی‌های نهادهای مردم‌نهاد در جامعه وجود داشتند. هیئت‌ها اگر با محوریت استادان، پیش‌کسوت‌ها و پیرغلامان مانند گذشته و با در نظر گرفته اقتضات جدید، شاگردپروری کنند و ما اینها را تقویت کنیم، این قالب مناسبی برای پاسخ به این نیاز است؛ به این ترتیب نیاز نیست که به سراغ دانشگاه برویم که به نظر می‌رسد تبعات منفی آن در این مقوله بیشتر است.

حسن بختیاری:

یکی از ارکان دانشگاه مدرک است. دانشگاهی که مدرک تحصیلی ارائه نکند مثل نمازی است که نیت در آن نیست؛ یعنی یک رکنی از آن نیست. دانشگاهی که مدرک تحصیلی ارائه نکند به احتمال خیلی زیاد و احتمال قریب به یقین دانشجویی هم نخواهد داشت. بنابراین مدرک در دانشگاه یک رکن است. اگر بخواهیم یک دانشگاه مداحی تأسیس کنیم که مدرک ارائه نکند، آن دانشگاه نیست. چیز دیگری است.



و به تصمیم‌گیری کلان برای سیستم آموزش مداحی بپردازیم. در حال حاضر ما ما مداحی را فقط در تهران می‌بینیم؛ در حالی که نگاه ما به مداحی باید هم نگاه قومی و هم ناظر بر گویش‌های مختلف باشد. آیا آن چیزی که الان در تهران به عنوان مرکز جمهوری اسلامی وجود دارد و آنچه در این شهر جاذبه دارد، همان جاذبه را برای کاشان، اردبیل، تبریز و شهرهای تابع نیز دارد؟ پس از تأسیس دانشگاه مداحی در تهران و شروع آموزش به دانش‌پذیران و یا دانشجویان آیا امکان گسترش آن به سایر نقاط کشور وجود دارد؟

اگر پاسخ منفی باشد، آیا این روند در آینده در جامعه تضاد ایجاد نمی‌کند؟ من گمان می‌کنم باید نوع نگاه ما به هویت مشخص شود. هویت باید باز تعریف شود، مداحی باید باز تعریف شود. آیا مداحی فقط خواندن است؟ یا خیر؛ در آن میان داری دیده می‌شود، در آن آبدارچی دیده می‌شود، در آن مدیر پیت هیئت دیده می‌شود، بانی‌ها دیده می‌شوند، قراء دیده می‌شود، واعظ دیده می‌شود؛ یعنی شما مجموعه‌ای از حلقه‌های متصل به هم دارید که در قالب هویت به اثرگذاری وسیع منجر می‌شود. حال جای سؤال است که چه شده است که امروز نیاز شده آموزش مداحی به سمت دانشگاه برود؟ یا این که آموزش مداحی به سمت حوزه برود؟

در این خصوص نباید تصمیمی بگیریم که در آینده مداحان را دچار چالش کند. قطعاً نظر پیش‌کشوتان این جامعه باید اخذ شود. درباره این موضوع ما به اتفاق حاج «منصور

محمد فراهانی:
در اصل آکامیک شدن عرصه
مداحی ابهامی وجود ندارد در
نحوه و مراحل اجرا حتماً باید تأمل
صورت بگیرد و این کار حتماً باید با
حوصله انجام شود

نظر خواهی شود. اگر در قالب یک سمینار یا جشنواره یا همایش و با وجود یک دبیرخانه که مشخصاً به مسئله آموزش مداحی بپردازد، این موضوع را بیشتر نقد و بررسی کنیم به نتایج دقیق‌تری می‌رسیم؛ این که آموزش در حوزه مداحی به چه سبکی باید باشد؟ به سبک دانشگاه؟ به سبک حوزه؟ یا آموزش مداحی به سبک مدرسه‌های عالی؟ مثل مدرسه عالی شهید مطهری که چیزی میان حوزه و دانشگاه است. برای این منظور باید موضوع را به اطلاع مداحان برسانیم و از همه مداحان کشور خواسته شود که هر ایده‌ای دارند در قالب مقاله ارائه دهند؛ سپس نظرهای مختلف در دبیرخانه جمع‌بندی و دسته‌بندی شود؛ به این ترتیب تصمیم‌گیری بر اساس خرد جمعی و کار کارشناسی انجام می‌شود. به نظر من جمع‌آوری آراء و نظرهای مختلف برای تصمیم‌گیری درباره این موضوع ضرورت دارد. باید نظرهای مختلف از منظر دانشگاهی، حوزوی و تجربیات پیشکسوتان و پیرغلامان به صورت مکتوب کنند به دبیرخانه ارسال و در آنجا بررسی و کار کارشناسی شود. این کار باید به صورت علمی صورت پذیرد؛ سپس بنشینیم دور میز

از طرف دیگر اگر دانشگاه مدرک ارائه کند باید این مدارک باید همان کارکردی را داشته باشند که در دانشگاه‌های دیگر دارد.

سؤال من این است: اگر کسی وارد دانشگاه مداحی شود و ۲ سال درس بخواند، اما نتواند فوق‌دیپلم بگیرد و نتواند درس هایش را پاس کند، آیا این دیگر نمی‌تواند مداحی کند؟ آیا دیگر نمی‌تواند منبر برود؟ بنابراین کارکرد مدرک در دانشگاه مداحی با کارکرد مدرک در دانشگاه‌های دیگر فرق می‌کند. فارغ‌التحصیلان در دانشگاه‌های دیگر با ارائه مدرک شغل و یا نقشی را احراز می‌کنند. اما به نظر من جایگاه مداحی رفیع‌تر از این است. ارائه مدرک و این روند به نوعی جسارت به ساحت مداحی است. دانشگاه فقط یکی از ساحت‌های معرفت، تربیت، بصیرت و مهارت را پوشش می‌دهد. در دانشگاه فقط موضوع دانش مطرح است و سه حوزه دیگر مغفول می‌ماند. من پیشنهاد می‌کنم به جای این که دانشگاه یا پژوهشگاه تأسیس کنیم، کسانی که عمری را در این راه صرف کرده‌اند و زحمت کشیده‌اند با توجه به این که بحث آموزش عمده‌ترین دغدغه در بحث تأسیس دانشگاه مداحی است و با توجه به این که منابع مکتوب و متفن به اندازه کافی موجود هستند از سراسر کشور ۲۳ سال وقت بگذارند و روی منابع موجود کار کنند؛ سپس منابع مناسب را به مداحان معرفی کنند. این راه مناسبی برای ساماندهی بحث آموزش در حوزه مداحی است.

سید علی قریشی:

من پیشنهاد می‌کنم در خصوص این موضوع از جامعه مداحی در سراسر کشور

ارضی»، برخی استادان حوزه و دوستان بزرگوار دیگر از سال ۱۳۸۹ ش. تا کنون بیش از هزار ساعت جلسات کارشناسی گذاشتیم. چندین نوبت به خدمت آقای «علم الهدی»، معاون آموزشی دانشگاه امام صادق علیه السلام در مشهد رفتیم. ایشان علقه وافری به هیئت دارد؛ ایشان را هم به اسم هیئتی می‌شناسند و هم به اسم دانشگاهی. نظر ایشان را پرسیدیم، با آقای «بوشهری» و آقای «میرباقری» در قم و دوستان استادان متعدد دیگری مثل حاج «علی آهی»، حاج «غلامرضا سازگار» و حاج «ماشاءالله عابدی» و... جلسات مختلف برگزار کردیم؛ با وجود این هنوز هم بر سر دو راهی هستیم؛ که آیا سبک آموزش مداحی حوزوی باشد یا دانشگاهی؟

نظر حاج منصور ارضی این است که ما اصلاً نمی‌توانیم به سمت دانشگاه برویم. محتوای کار مداحی حوزوی است. هنر ما اصلاً دانشگاهی نیست؛ یعنی سبکی که ما با آن روش مداحی می‌کنیم، مثلاً وقتی واحد می‌خوانیم، در کجای دانشگاه یافت می‌شود؟ در کدام دانشگاه هنر شما چنین چیزی می‌بینید؟ آنها به سبک خودشان می‌خوانند و آواز خوانی می‌کنند. ما در کجا این شور موجود در هیئت را داریم؟ کجا این نوع نوحه‌خوانی‌ها را می‌بینیم؟ پس دروس مهارتی حوزه مداحی اصلاً دانشگاهی نیست. دروس معرفتی ما هم اصلاً مرتبط با تاریخ اسلام است؛ که هم‌اکنون از منبر و عاظمی که در حوزه‌های علمیه تربیت می‌شوند می‌گیریم.

اگر تحول بنیادینی که مد نظر مقام معظم رهبری است در حوزه علمیه اتفاق بیفتد و دغدغه ایشان که ایجاد رشته‌های میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی است در دانشگاه محقق شود که هنوز هم تحقق پیدا نکرده است برخی از مسائل حل خواهند شد. در خصوص دانشگاهی شدن رشته مداحی این سؤالات هم مطرح است که اکنون برای این دانشگاه چند گروه درسی تعریف شده است؟ چند رشته تحصیلی در آن تدریس خواهد شد؟ برای این رشته‌ها تا حالا چه محتوایی تولید شده است؟ تولیدات علمی این حوزه تا کنون چه مواردی بوده است؟ برای این منظور چه رفرنس‌ها، منابع و مآخذی وجود دارد؟

قطعاً پژوهش در این خصوص از نیازهای مقدماتی است. حتی می‌توان از یک پژوهشکده اسلامی تقاضا کرد که درباره این موضوع نیازسنجی و بررسی کند که اکنون ضرورت نیاز به آموزش مداحی در چه



عبدالمیر فائق:
قبل از تأسیس دانشگاه مداحی
باید یک پژوهشکده مختص حوزه
مداحی تأسیس کنیم تا اکثر
مقدماتی که در این نشست مطرح
شد آن‌جا به نتیجه برسد

این دانشگاه آقای سازگار درمی‌آید؟ اصلاً ما مداحی را در ذیل چه علمی می‌بینیم؟ من می‌گویم در مداحی علوم پزشکی نیز مطرح است؛ مثلاً ذیل علوم پزشکی دکتر روان‌شناس داریم، یک مداح کمتر از یک روان‌شناس است؟ روان‌شناس با روح و روان مخاطب سر و کار دارد. آیا یک مداح غیر از یک پزشک معنوی است؟ الحمدلله آقای «حسن مظاهری» در این خصوص تحقیقاتی کرده‌اند که نشان می‌دهد ثروتمندانی که با دین کار نداشتند با علاقه و ایجاد رابطه‌ای به هیئت آمده و در هیئت‌های امام حسین علیه السلام آرام شده‌اند؛ کسانی که نزد هزار روان‌پزشک رفته و دردشان دوا نشده است. از این موارد زیاد پیش آمده و دستمان پر است. در حرم امام رضا علیه السلام مکتوبات و مستندات این موارد وجود دارد. چنین چیزی را کجا می‌توانید پیدا کنید؟ با این نگاه آیا قالب دانشگاه یک مجموعه‌ای مثل هیئت و مقوله مداحی را تحقیر نمی‌کند؟ تبیین این مقولات هر کدام یک مقاله علمی، یک پژوهش و یک تحقیق علمی می‌خواهد. به نظر من مداحی حتی در علوم غیر پزشکی نیز تعریف می‌شود. من می‌گویم صنعت است. صنعت چیست؟ تلفیقی از علم و ید. آیا غیر از این است که در مداحی سینه‌زنی داریم؟ کف‌زنی داریم؟ صدا داریم؟ خب، اینها صنعت است و دانش آن را هم داریم. از منظر علوم انسانی نیز می‌توانیم به مداحی نگاه کنیم.

در کل لازم است که ما در این خصوص شتاب‌زده عمل نکنیم. برای تصمیم‌گیری در خصوص این که با روش دانشگاهی یا حوزوی و یا مدرسه عالی عمل کنیم یک کار کارشناسی دقیق لازم است. توجه به این نکته مهم است که از حوزه‌های علوم انسانی در دانشگاه‌های فعلی و به طور کلی در دانشگاه‌ها چه در ایران و چه خارج از ایران پروفیسور «سمعی» بیرون می‌آید؛ اما می‌دانیم چه ضمانتی هست که از این دانشگاه حاج آقای سازگار دربیاید؟ کسانی که درباره دانشگاه مداحی برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری می‌کنند باید بگویند، چه ضمانتی وجود دارد که از دانشگاه مداحی حاج منصور و حاج آقای آهی بیرون بیاید؟ و اگر این طور نباشد، آن‌گاه خروجی‌های چنین دانشگاهی در تضاد با همین جریان عمل می‌کنند. یعنی شروع می‌کنند به مقابله کردن؛ به این ترتیب شما در این عرصه دو روش متفاوت در یک صنف را روبه‌روی هم قرار داده‌اید؛ یعنی

سطحی است. ۲ سال پیش یکی از مدیران ارشد وزارت آموزش و پرورش، طرحی را برای آموزش مداحی مطرح کرد؛ تا آموزش مداحی نیز مانند آموزش قرآن از کلاس اول ابتدایی در برنامه درسی دانش‌آموزان قرار گیرد. این موضوع در اخبار رسمی نیز اعلام شد؛ این که از سال ۱۳۹۱ ش. آموزش مداحی هم در کنار آموزش قرآن در کلاس اول ابتدایی ارائه می‌شود. بعد از اعلام خبر هجمه بزرگی به آن صورت گرفت و در نهایت آن مدیر را برکنار کردند؛ اصلاً آن خبر را از منابع اطلاع‌رسانی برداشتند و حذف کردند. حالا ممکن است این اتفاق درباره دانشگاه مداحی نیز تکرار شود.

یک نکته دیگر در خصوص این موضوع این است که تا کنون بزرگانی نظیر حاج منصور ارضی، حاج غلامرضا سازگار، حاج علی آهی و پیشکوستان این عرصه از این دستگاه صیانت کرده‌اند؛ چه ضمانتی وجود دارد که جامعه علمی کشور نیز از این دستگاه صیانت کند؟ مثلاً آیا از خروجی

اصول حاکم برنامه‌های آموزشی

بر اساس سند ملی تحول آموزشی

۱- اصل ۱- اهداف برنامه درسی باید در چهارچوب ارزش‌ها، اهداف بلندمدت و راهبردهای کلان کشور تدوین و به‌روشنی بیان شده باشد.

اصل ۲- برنامه درسی به عنوان مجموعه‌ای به هم پیوسته، متعادل و متعامل باید به‌گونه‌ای طراحی و تدوین شود که اجزای آن از انسجام، پیوستگی، هم‌خوانی و چیدمان مناسب برخوردار باشد و در مجموع اهداف برنامه را تحقق بخشد.

اصل ۳- برنامه درسی و اجزای آن باید بر اساس علم روز و آخرین دستاوردهای دانش بشری تهیه و تدوین گردد.

اصل ۴- محتوای اصلی هر برنامه درسی باید حوزه علمی مشخصی را پوشش دهد که در قالب مجموعه دروس اصلی تشکیل دهنده آن برنامه (هسته اصلی برنامه) نمود می‌یابد.

اصل ۵- برنامه درسی باید مبتنی بر اصول و روش‌های علمی توسط صاحب‌نظران و متخصصان ذی صلاح تدوین گردد.

اصل ۶- برنامه درسی باید از انعطاف لازم برای تطبیق با تحولات دانش بشری، مقتضیات زمان و مکان، نیازهای جامعه و مزیت‌های نسبی منطقه‌ای و امکانات دانشگاه‌ها برخوردار باشد. این انعطاف‌پذیری باید در سایر اجزاء برنامه که مرتبط با هسته اصلی برنامه طراحی می‌شود، لحاظ گردد.

اصل ۷- برنامه درسی علاوه بر پرداختن به جنبه‌های نظری باید جنبه‌های کاربردی دانش نظری و به تبع آن توسعه و جوه مهارتی و کارآفرینی را نیز مورد توجه قرار دهد.

اصل ۸- برنامه درسی باید زمینه شکوفایی استعدادها، ایجاد خلاقیت و ابتکار و فراگیری مداوم را فراهم آورد.

کاملاً موافق و سه نفر نیز با احراز شرایط و موقعیتی موافق خواهند بود.

در کل مشترکاتی داشتیم و خوشبختانه در این جمع مسائل مهمی طرح شد؛ از جمله این که هشت نفر روی موضوع نظر خواهی تأکید کردند؛ این که ما دیدگاه‌ها و نظرهای مداحان را مد نظر قرار دهیم؛ البته این که چگونه باید این نظر خواهی انجام شود به بحث و بررسی نیاز دارد؛ مثلاً آیا می‌خواهیم یک جامعه آماری داشته باشیم؟ یا از تعدادی از نخبگان و کارآزمودگان این عرصه که سال‌ها در این زمینه کار کرده‌اند نظر خواهی شود؟ برخی نخبگان این حوزه واقعاً معادل ۱۰۰ نفر هستند. گاهی یک نفر خودش یک امت است.

همه حضار تأکید داشتند که آموزش لازم است. همه تأکید داشتند جایی برای این آموزش باید وجود داشته باشد؛ کما این که تا الان هم بوده است. درباره روش آموزش هم گفته شد که می‌توان برخی از ویژگی‌های دانشگاه را گرفت اما نباید در اسارت دانشگاه ماند؛ مثلاً چیزی شبیه به روش آموزش در مدرسه عالی مطهری که دوستان مثال آوردند. مثال‌های دیگری هم ارائه شد و در کل این که ما می‌توانیم برخی از ویژگی‌های دانشگاه را بگیریم، اما وارد ساخت و بافت دانشگاهی نشویم که استیلز امات خاص دانشگاهی را داشته باشد؛ تا در این میان مداحی قربانی نشود. دوستان تأکید بر داشتن برنامه کردند و بنده نیز این نکته را می‌گویم که بی‌برنامه‌ها قربانی دست برنامه‌دارها هستند. ما باید برنامه داشته باشیم. با برنامه روشن و مشخص باید تجربه‌ها را جمع‌آوری کنیم. ۹ نفر از دوستان تأکید داشتند که باید تجربه‌ها را جمع‌آوری کنیم. تقاضای من این است که همه دوستان برای این منظور تلاش کنند و اگر امکان‌پذیر باشد باید در کنار آن مجموعه پژوهش‌هایی را که در این خصوص انجام شده نیز احصاء شود؛ مثلاً مقالات و پژوهش‌هایی که در این زمینه شده جمع‌آوری شود و اگر خلاء‌هایی وجود داشت سفارش دهیم کسانی در این حوزه‌ها کار کنند و مقاله بنویسند. در جلسات آتی باید روی مباحث جزئی‌تر متمرکز شویم؛ مثلاً اگر می‌خواهیم آموزشگاه‌ها یا پژوهشکده‌ای داشته باشیم، آموزشگاه و پژوهشکده چگونه باید باشد؟ قطعاً یک مکان پژوهشی لازم داریم. موضوعاتی را که می‌خواهیم درباره آنها تصمیم بگیریم باید مستند به اسنادی باشند که آن اسناد مبتنی بر پژوهش هستند.

دانشگاهی‌ها را به جان غیر دانشگاهی‌ها انداختید. برای مثال یک جوان ۱۸ ساله که چهار هزار مخاطب دارد، وقتی می‌گوید بزیند بر سرتان، می‌زنند؛ می‌گوید بزیند بر سینه‌تان، می‌زنند؛ می‌گوید: حالا سینه زن، سینه نمی‌زنند؛ چگونه می‌خواهید او را به تحصیل در دانشگاه ترغیب کنید؟ اصلاً نمی‌آید. با یکی از این آقایان چندین جلسه صحبت کردیم حاج آقای ارضی شخصاً صحبت کرد او سنی هم ندارد. ۲۰ ساله است و ۲۰ هزار مخاطب دارد. می‌گوید من اصلاً استاد نداشتم. قائل به این هم نیستم که استاد در این عرصه لازم است. من را امام حسین علیه‌السلام انتخاب کرده است و هر چه می‌گویم اینها گوش می‌دهند. امام حسین علیه‌السلام محبت من را در دل اینها انداخته است. شما این شخص را چگونه می‌توانید به دانشگاه بیاورید؟ چگونه می‌خواهید بگوید که دو ساعت بنشین و تاریخ تحلیلی اسلام بخوان؟ مثلاً دو ساعت بنشین و تاریخ تحلیلی شیخ بخوان. با این توضیحات نظر حاج آقای ارضی نیز این است که ایشان ۱۰۰٪ با دانشگاهی شدن مداحی مخالف هستند. ضمن این که در حال حاضر برنامه‌ریزی در این خصوص فقط برای برادران انجام می‌شود و این سؤال مطرح است که موضوع جنسیت در دانشگاهی که مدنظر عزیزان است چه می‌شود؟ هم‌اکنون روضه‌های خانگی کم نیست؛ خانم‌هایی که انحرافات در حوزه مداحی دارند. با این مسائل چه می‌کنیم؟ عرض بنده این است که مستمراً باید این جلسات کارشناسی برگزار شود و پیرغلام‌ها و پیش‌کسوت‌هایی که این جریان را تا به اینجا رسانده‌اند و می‌خواهند به دست دیگران بسپارند باید برای تصمیم‌گیری حضور داشته باشند.

محمد رضا سنگری:

پشت همه مباحث طرح‌شده و آراء و نظرها تجربه‌هایی نهفته است که نشان‌گر تلاش‌ها و راه‌هایی است که تا امروز انجام و سپری شده است. در یک نگاه کلی جمع‌بندی آنچه دوستان مطرح کردند نشان می‌دهد پنج نفر از مجموعه دوستانمان با تأسیس دانشگاه مداحی کاملاً مخالف هستند. پنج نفر از دوستان نیز مخالف مشروط هستند؛ دو نفر از ایشان تأکید چندانی بر بودن چیزی با عنوان دانشکده و دانشگاه ندارند؛ بنابراین تعداد مخالفان نزدیک به ۱۰ نفر شد و هفت نفر دیگر از دوستان موافق تأسیس دانشگاه مداحی هستند؛ که سه نفرشان

اما برنامه‌های مذهبی در میان شیعیان، از چنان کمیته‌ی برخوردار است که در هیچ دین و مذهبی، مانند ندارد. بر مدیران دلسوز و دردمند است که این توفیق بزرگ را در کمیته، پاس دارند و در ارتقای کیفی آن نیز بکوشند. ارتقای کیفی نیز از رهگذر آموزش‌های پیوستار و پراکنده می‌گذرد. آموزش‌های پراکنده، همان است که گه‌گاه رسانه‌هایی همچون صدا و سیما بدان اهتمام می‌ورزند؛ اما این‌گونه آموزش‌ها، جامعه دینی را از آموزش‌های پیوستاری و آکادمیک و تخصصی بی‌نیاز نمی‌کند. از این رو است که «آموزشگاه مداحی» را برای احیا و اصلاح تبلیغ دین و گسترش دینداری در جامعه، باید ضروری شمرد؛ بشرطها و شروطها.

در مبارک بودن آموزشگاهی که فنّ مداحی را سنجیده‌تر و تأثیرگذارتر و پاکیزه‌تر کند، تردیدی نیست؛ آنچه بر سر آن حرف و حدیث است، شیوه‌ی ساماندهی و روش مدیریت برنامه‌های دینی در سپهر عمومی است. مسئله‌ی دیگر آموزش‌پذیری یا آموزش‌ناپذیری کسانی است که اجرای برنامه‌های مذهبی بر عهده‌ی آنان است. آیا سخنوری و مداحی، از امور آموزش‌پذیرند یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت است، آموزش مداحی یا سخنوری، چگونه و کجا و با چه روش‌هایی ممکن یا مطلوب است؟ آیا این آموزش‌ها باید در یکی از نهادهای دینی موجود، مانند حوزه‌های علمیه یا سازمان تبلیغات اسلامی یا دفتر تبلیغات اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد، رخ دهد، یا مصلحت آن است که آموزشگاهی دیگر و مستقل، برای این مهم، منظور و راه‌اندازی شود؟

پاسخ به هر یک از پرسش‌های بالا، نیاز به نوشتارهای تحقیقی و درنگ‌های بسیار دارد. آنچه روشن است، موفقیت برخی آموزشگاه‌های تربیت مبلغ در قم است که بازدهی مناسب و رضایت‌بخشی داشته‌اند؛ اگر چه در قیاس با هزینه‌ها و انگیزه‌ها، بسیار بیش از این امکان موفقیت و پیشرفت وجود داشت. بر پایه‌ی چند دلیل و تجربه، آموزش مداحی را نیز باید جدی گرفت و بدان اهتمام ورزید. نخست این دلایل را می‌نویسم و سپس، درباره‌ی چند و چون این آموزش‌ها و قالب مناسب‌تر برای آن، سخن می‌گویم.

آیا مداحی، آموزش‌پذیر است؟
بله، آموزش‌پذیر است؛ با لحاظ چند نکته:
مداحی، همچون سخنوری و نویسندگی،
بر سه پایه استوار است:

۱. ذوق و استعداد خداداد؛
۲. تجربه کافی؛
۳. دانش لازم.



آموزش از نقطه صفر ممکن نیست

رضا بابایی

پیش‌سخن

دادن سرمایه‌ها است. امکان گفت‌وگوی رو در رو با مردم در مکان‌های مختلف و حتی در خانه‌های آنان، در بیشتر روزها و شب‌های سال، سرمایه‌ای است هنگفت و فرصتی است طلایی و گوهری است بس گرانبها که هیچ چیز دیگری جایگزین آن نمی‌شود. کدام مکتب یا مذهب یا دین یا گفتمان یا جریان فکری را در جهان می‌شناسیم که به اندازه تشیع، فرصت گفت‌وگو با مردم را در اختیار عالمان و کارشناسان خود بگذارد؟ به طور متوسط، هر ایرانی در هفته، فرصت و امکانی برای شنیدن بیش از چند سخنرانی را ندارد. از سوی دیگر، همین فرصت اندک و طلایی، بیشتر در اختیار برنامه‌های دینی و مذهبی است. این توفیق، آرزوی هر مکتب و مذهبی است. آوردن مردم به مجالس و محافل عمومی، کار ساده و آسانی نیست؛

مجالس و محافل دینی در ایران، از چنان گستردگی و تأثیرگذاری و اهمیتی برخوردار است که هر گونه اصلاح و ارتقای آنها، خدمتی بزرگ به اندیشه و جامعه دینی است. گزاف نیست اگر بگوییم اکثر ایرانیان و بلکه مسلمانان جهان، دست‌پرورده و تربیت‌شده همین محفل‌ها و برنامه‌های دینی و مذهبی‌اند. از این رو هر گونه سرمایه‌گذاری فکری و علمی و اجرایی برای ساماندهی به این دست از برنامه‌ها، ضرورتی است که حتی تأخیر در آن جایز نیست. زیرا چنانکه می‌دانیم برنامه‌های مذهبی، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین فرصتی است که در اختیار نهادهای دینی قرار گرفته است و استفاده نابجا یا بهره‌گیری اندک از آنها، مصداق هدر

است. در ساختار دانشکده‌ای، آنچه حاصل می‌شود، مقداری دانستنی‌های پراکنده است که به هیچ روی، پاسخگوی نیازهای عاطفی و معرفتی نیست. از سوی دیگر، مداحی در قلمرو تبلیغ دین جای می‌گیرد و در این قلمرو، آنچه به کار می‌آید، انگیزه‌مندی است. آموزش‌های دانشگاهی، معمولاً انگیزه‌ها را به سوی مدرک و فارغ‌التحصیلی زودرس هدایت می‌کند. دانشجویان به دلیل نیاز به مدرک دانشگاهی، پی‌درپی واحدهای درسی را می‌گذرانند تا برگه فراغت از تحصیل را در دست‌های خود ببینند و سپس روی به بازار کار بیاورند. حال آنکه مداحان تاکنون برای نفوذ در دل‌های مردم و در دست گرفتن برنامه‌ها، نیازی به طی این مراحل نداشته‌اند و پس از این نیز نخواهند داشت. اما آنچه آموزش‌خواهی و درس‌آموزی را برای آنان موجه می‌کند، قالب‌هایی است که با روحیات آنان و نیز طبیعت کار مداحی سازگارتر باشد.

به عقیده نگارنده این سطور، بهترین قالب آموزش مداحی، «خانه مداحان» است؛ شبیه «خانه هنرمندان» یا «خانه سینما» یا «خانه موسیقی»؛ با لحاظ این نکته که بخش‌های آموزشی آن باید بیشتر و جدی‌تر باشد. «خانه مداحان»، ضمن سیاست‌های حمایتی، می‌تواند کانون اعتباربخشی و امتیازدهی و تبادل تجربه، برای ستایشگران باشد و این اعتبار و امتیاز را به گذراندن شماری از آموزش‌ها موقوف کند. خانه مداحان، دست‌کم می‌تواند از چهار بخش برخوردار باشد:

یک. حمایت‌های صنفی و حقوقی.
دو. آموزش‌های دوره‌ای برای تربیت مداح؛ الزامی و اختیاری؛ نظری و کاربردی.
سه. پژوهش.
چهار. اعزاز مداح.

به باور نگارنده، بهترین مرکز برای آموزش مداحی و تأسیس «خانه مداحان»، به سرپرستی سازمان تبلیغات اسلامی، و با کمک نرم‌افزاری دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم است.

قالب‌های دانشگاهی، در اموری که با قلب و روح و ایمان مردم سر و کار دارد، تاکنون چندان موفق نبوده است و در امر مداحی نیز، کارآمد نخواهد بود؛ اما «خانه مداحان»، با طبیعت کار و انگیزه‌ها و نیازهای موجود، سازگاری بیشتری دارد. اساس نامه خانه مداحان باید به گونه‌ای تنظیم شود که اثرگذاری همه اعضا را بپذیرد و نیز هرگونه کمک معنوی و صنفی را موقوف به طی مراحل آموزشی خانه بکند.^۳

۳. مهارت مداحی، افزون بر استعداد جبلّی و تجربه کاری، دانایی و معرفتی ویژه نیز می‌طلبد. این بخش از مداحی، به شدت آموزش‌پذیر است و حتی می‌بایست در محور برنامه‌ها قرار گیرد. ستایشگران، مخاطبان بسیاری دارند و نیز به دلیل آمیختگی کارشان با باورهای دینی مردم، تأثیر شگرفی بر آنان می‌گذارند. بنابراین هر قدر که این گروه فرهیخته‌تر و داناتر و آگاه‌تر به مسائل دینی و تاریخی باشد، آثار پسندیده‌تری بر جامعه می‌گذارد.

به‌طور متوسط هر ایرانی در هفته فرصت و امکانی برای شنیدن بیش از چند سخنرانی را ندارد از سوی دیگر همین فرصت اندک و طلابی بیشتر در اختیار برنامه‌های دینی و مذهبی است

آنچه موجب تأسف است و می‌بایست در اصلاح آن از هر طریقی کوشید، احساس بی‌نیازی برخی ستایشگران اهل بیست علیهم‌السلام از مطالعه منابع معتبر تاریخی و متون اصیل دینی است.

مداحان از آن رو که بیشتر روی سخن با مردم عادی دارند، چندان هدف پرسش‌های علمی قرار نمی‌گیرند. همین مسئله، آنان را برای مطالعات دامنه‌دار و منظم بی‌انگیزه می‌کند. آموزشگاه مداحی، می‌تواند این خلأ خطرناک را پر کند و کسانی را به میان مردم بفرستد که افزون بر مهارت و شهرت، از دانش لازم نیز برخوردارند. بدین ترتیب، هر سه پایه مداحی، یعنی استعداد ذاتی و تجربه کاری و دانش کافی، فراهم می‌آید، و به قول حافظ:

عشق و شباب و رندی، مجموعه مراد است چون جمع شد معانی، گوی بیان توان زد

خانه مداحان

به نظر می‌آید که فن و هنر مداحی را نتوان در قالب‌های مرسوم آکادمیک، آموزش داد. تحصیلات دانشکده‌ای به دلیل ابتنا بر ترم و واحد و نمره و امتحان، چندان پاسخگوی مهارت‌های کاربردی عقیدتی نیست؛ چنانکه به جرئت می‌توان مدعی شد که دروس معارف و اخلاق در دانشگاه‌ها، تاکنون از بازدهی مناسبی برخوردار نبوده است. این ناکامی، به دلیل تعارض مهارت‌ها و معرفت‌های دینی با مکانیسم دانشگاهی

بدین شرح:

۱. استعداد ذاتی، اکتسابی یا آموزش‌پذیر نیست؛ اگرچه پروردنی است و می‌توان آن را بیشتر کرد. نیاز مداحی به ذوق و استعداد ذاتی، از آن رو است که «هنر» است و مانند هر هنر دیگری، پایه نخستین آن، توانایی مادرزاد است. به قول مولوی:
ذوق باید تا دهد طاعاثر بر مغز باید تا دهد دانه شجر
دانه بی مغز کی گردد نهال
صورت بی جان نباشد جز خیال^۱

پذیرفتنی است که هر کس استعدادی ویژه در کار یا هنری دارد. اگر یکی شاعر است، و دیگری جبر و مثلثات می‌داند، و آن دیگر خط را خوش می‌نویسد و آن یکی با چندبار قلم را بر روی کاغذ کشیدن، خانه‌ای زیبا و دل‌انگیز در دشتستانی خرم به تصویر می‌کشد، همگی به مدد ذوق و استعداد ویژه است.

اگر شاعری را تو پیشه گرفتی یکی نیز بگرفت خنیاگری را^۲

به همین دلیل، آموزش مداحی از نقطه «صفر» ممکن نیست. باید کسانی را برای این کار پذیرش کرد که گام نخست را خود برداشته باشند. کسانی که هیچ‌گونه استعداد و توانایی ذاتی برای گرداندن برنامه‌های دینی در محافل مختلف ندارند، بسیار بعید است که از رهگذر آموزش به جایگاهی درخور برسند. هرگونه سرمایه‌گذاری بر روی چنین افرادی، هدر دادن عمر آنان و صرف هزینه در جایی است که ثمردهی ندارد.

بدین رو پیشنهاد می‌شود، گزینش هنرجویان، بدون آزمون ورودی مناسب و جدی نباشد و تا وجود اندکی استعداد در کسی محرز نشده است، او را برای این هنر دشوار، پذیرش نکنند.

۲. اجرای برنامه‌های مذهبی در مجالس عمومی، افزون بر آنکه «هنر» است، «فن» و «مهارت» نیز محسوب می‌شود و مانند هر فن و مهارت دیگری، نیاز به تجربه دارد. همه فنون این‌گونه‌اند. دانش و استعداد ذاتی، در فنون، جای تجربه را نمی‌گیرند. همچنان که هر هنری موقوف به ذوق خداداد است، هر فنی در گرو تجربه و تکرار است.

مداحی از آن رو که فن است، بیش از آموزش، نیاز به تجربه دارد. بنابراین در شمار مهارت‌های عملی است و از همین رو، هر آموزشگاهی که تدریس این فن را بر عهده می‌گیرد، باید پیش از آموزش‌های نظری، واحدهای عملی و کاربردی را در دستور کار خود قرار دهد.

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

برای روشن‌تر شدن راهکارهای پیش‌نهاده و پیش‌گفته، پاسخ به چند پرسش فرضی، خالی از فایده نیست، بدین شرح:

آیا مداحی از حیث نظری چنان بسط یافته است که بتوان آن را اولاً اکتسابی و ثانیاً مستقل از سایر رشته‌های علمی دانست؟

پاسخ: هنر مداحی، نه چندان اکتسابی است و نه استقلالی از سایر مهارت‌های علمی و کاربردی و هنری دارد؛ اما فنی است که مهارت بیشتر در آن، از رهگذر آموزش‌های کاربردی ممکن است. همچنین آموزش‌های علمی، در پیراستگی آن از آلودگی‌های نظری، مؤثر است. بنابر این آموزشگاه مداحی اولاً نباید بر روی کسانی سرمایه‌گذاری کند که فاقد استعداد و مهارت‌های نخستین‌اند و ثانیاً باید به دروس نظری، مانند آشنایی با تاریخ اسلام و کتاب‌شناسی عاشورا... نیز اهمیت بدهد.

پشتوانه آموزش، پژوهش و مبنای پژوهش، مسئله است. آیا در مداحی مسئله‌شناسی شده است؟ آیا حول محور مسائل احتمالی، پژوهشی صورت گرفته است؟

پاسخ: مسئله‌شناسی در مداحی، به طور پراکنده در افواه و نوشتارها وجود دارد؛ اگرچه تا کنون تدوین جامعی از آن منتشر نشده است. همچنین تا کنون پژوهش‌های نظری و میدانی بسیاری در زمینه‌ی عزاداری و مجالس

برنامه‌های مذهبی در میان شیعیان از چنان کمیتی برخوردار است که در هیچ دین و مذهبی مانند ندارد بر مدیران دلسوز و دردمند است که این توفیق بزرگ را در کمیت پاس دارند و در ارتقای کیفی آن نیز بکوشند

سوگواری در ایران شده است که برخی از آنها، بسیار ارزشمند است.^۴ می‌دانیم که بسیاری از مسائل علمی مربوط به جامعه دینی، در ضمن مسائل مربوط به مداحی و عزاداری قابل طرح است؛ مانند جامعه‌شناسی دینی و پدیدارشناسی دینی در جامعه شیعی و تحقیقات میدانی در حوزه باورهای مذهبی. همه این موضوعات و مسائل، در شکل‌گیری «مسئله‌شناسی مداحی» کمک می‌کنند.

آیا برای راه‌اندازی رشته یا دانشکده مداحی برنامه‌ریزی آموزشی شده است؟
پاسخ: در دفتر تبلیغات اسلامی و نیز سازمان تبلیغات اسلامی، کوشش‌هایی به عمل آمده است؛ اما هنوز به گونه‌ای هدف‌مند و گسترده و نتیجه‌محور، برنامه‌ای تدوین نشده است.

آیا تأسیس رشته با موضوع مداحی برای آموزش، مفید، ضروری و عملی است؟
پاسخ: هم مفید است و هم عملی؛ اگر با بیشترین مشاوره و کمترین تبلیغات صورت

گیرد. همچنین، ملاحظات پیش‌گفته، در پیشرفت کار تأثیر دارد. به هیچ روی در زمان حاضر، نباید رشته مداحی در میان رشته‌های آموزش عالی قرار گیرد یا رقیب سایر رشته‌های دینی شود. بردن این آموزش به میان سایر آموزش‌های دانشگاهی، مداحی را متهم به دنيازدگی و پیشه‌محوری می‌کند؛ به‌ویژه آنکه می‌دانیم جامعه مداحان، همان اندازه که دوستدار و علاقه‌مند دارد، منتقدان و دشمنانی نیز دارد.

وقتی از آموزش مداحی سخن می‌گوییم قرار است چه چیزی آموزش داده شود؟ علم مداحی؟ هنر مداحی یا فن و مهارت مداحی؟
پاسخ: مداحان باید نخست با تاریخ اسلام و سپس عقاید اسلامی آشنا شوند. آموزش زبان عربی و متن خوانی و نیز ادبیات فارسی ضروری است. ادبیات آیینی و مقاتل، درس‌های دیگری است که باید بیاموزند. آشنایی با نواها و دستگاه‌های موسیقایی و هنر سخنوری نیز لازم است. مسائلی همچون «تقریب مذاهب» از دیگر دانستنی‌های لازم برای ذاکران مصائب اهل بیت علیهم‌السلام است. پس از طی این مراحل، یا همزمان با آنها، نوبت به مهارت‌های کاربردی در حلقه‌های کوچک آموزشی می‌رسد. در این مرحله، به شیوه عملی و گروهی، آموزش‌های کاربردی آغاز می‌شود. به‌آسانی می‌توان بیش از ۸۰ واحد درسی برای «آموزشگاه مداحی» تدوین کرد.



بیانیه مأموریت حوزه آموزش نظام آموزش عالی کشور

نظام آموزش عالی کشور در راستای اهداف کلان کشور و اعتلای هویت و اندیشه اسلامی - ایرانی و عدالت محوری به تعلیم و تربیت نیروی انسانی متخصص، پژوهشگر، ماهر و کارآفرین، توسعه و ترویج علم و نهادینه کردن اخلاق حرفه‌ای، گسترش آموزش عالی متناسب با نیازهای جامعه و آمایش سرزمین، توسعه و تعمیق یادگیری و نهادینه کردن تفکر هوشمندانه و نقادانه، دانش‌افزایی و توانمندسازی نیروی انسانی و توسعه آموزش عالی فراملی و بهره‌گیری از فرصت‌های آموزشی منطقه می‌پردازد.

اهداف کلان

- ارتقاء دانش بشری مبتنی بر معارف و آموزه‌های اسلامی - ایرانی
- بهبود، توسعه و تربیت نیروی انسانی ارزش‌مدار متخصص، پژوهشگر، ماهر و کارآفرین مورد نیاز جامعه (مبتنی بر آمایش سرزمین)
- ارتقاء بهره‌وری آموزش عالی
- افزایش سهم آموزش عالی در تولید ثروت ملی
- دسترسی همگانی به آموزش عالی
- افزایش مسئولیت‌پذیری علمی، اجتماعی و نهادینه‌سازی اخلاق حرفه‌ای

اهداف عملیاتی

- ۱- ارتقاء دانش بشری مبتنی بر معارف و آموزه‌های اسلامی - ایرانی
- افزایش سهم آموزش در گسترش مرزهای دانش
- افزایش سهم دانش بومی در تولید علم و فناوری
- ۲- بهبود، توسعه و تربیت نیروی انسانی متخصص، پژوهشگر، ماهر و کارآفرین مورد نیاز جامعه (مبتنی بر آمایش سرزمین)
- ۳- ارتقاء بهره‌وری آموزش عالی
- برتری آموزشی در منطقه
- ارتقاء و تضمین کیفیت آموزشی
- افزایش کارایی منابع در آموزش عالی
- افزایش چابکی و انعطاف‌پذیری ساختار آموزش عالی
- ارتقای کیفیت نظام مدیریت و تصمیم‌گیری در آموزش عالی
- ۴- افزایش سهم آموزش عالی در تولید ثروت ملی (GDP)
- افزایش سهم ملی ستانده‌های آموزش عالی
- افزایش درآمد ارزی حاصل از آموزش عالی
- ۵- دسترسی همگانی به آموزش عالی
- افزایش کمی دسترسی همگانی
- افزایش کیفیت دسترسی همگانی
- ۶- افزایش مسئولیت‌پذیری علمی، اجتماعی و نهادینه‌سازی اخلاق حرفه‌ای
- افزایش مسئولیت‌پذیری علمی و اخلاقی
- افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی

هدف غایی از رشته مداحی، ارتقای سطح مهارت‌ها است یا ارتقای سطح دانش؟
پاسخ: هر دو؛ زیرا هر یک بدون دیگری، مشکل‌آفرین و آفت‌زا است.

آیا رشته مداحی تنها به جنبه تعلیمی بپردازد یا تربیت اخلاقی مداحان را نیز منظور کند؟

پاسخ: تربیت اخلاقی و رفتاری مداحان، قطعاً لازم است، اما تجربه نشان داده است که درس اخلاق در قالب ترم و واحد، چندان بازدهی ندارد. بهتر این راه برای تربیت و پرورش اخلاقی مداحان، استفاده از استادان اخلاقی برای دروس مختلف است؛ مثلاً اگر دو استاد برای درس تاریخ اسلام وجود دارد و هر دو کمابیش در یک سطح علمی هستند، از استادی استفاده شود که اخلاقی‌تر است؛ اگر چه هماهنگی با او دشوارتر باشد.

نسبت آموزشگاه مداحی، با اسناد بالادستی نظام مانند نقشه جامع علمی کشور و طرح توسعه و تحول نظام پژوهش و تعلیم و تربیت کشور (مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی) چیست؟

پاسخ: در این اسناد، تأکید بسیاری بر پاکیزه‌سازی جامعه از آلودگی‌های عملی و نظری شده است. آموزشگاه مداحی می‌تواند مردان و زنانی را تقدیم جامعه دینی کند که افسران این میدان سخت و دشوار باشند.

آیا نقش و توانایی دانش‌آموختگان، مشاغل قابل احراز، وظایف حرفه‌ای و مهارت‌های شغلی و جایگاه اجتماعی آنان قابل تعریف خواهد بود؟

پاسخ: آموزشگاه مداحی باید از چنان اعتباری برخوردار باشد که نفس انتساب به آن، افتخار و اعتبار باشد. مرکز تربیت مداح، هرگز نباید برای هنر جویان، تضمین شغل و کار کند. اگر آموزشگاه‌هایی مانند «تربیت معلم» و «تربیت مدرس»، ضامن شغل فارغ‌التحصیلان خود هستند، به دلیل وجود مدارس و دانشگاه‌های بیشمار در کشور و نیز نیاز همگان در هر سطح و سنی و در همه فصول سال، به این فارغ‌التحصیلان است. اما چنین زمینه‌ای برای مداحان در کشور وجود ندارد. بنابراین بهتر است، در گام‌های نخست، مسئله اشتغال در محور برنامه‌ها قرار نگیرد؛ مگر در حد تأسیس دفتر مشاوره و هماهنگی برای اعزام مداح. دفتر تبلیغات اسلامی قم نیز در مسئله «اعزام مبلغ» همین‌گونه عمل می‌کند و اکنون پس از طی سال‌های متمادی، تجربه‌های گرانبه‌ای در این زمینه یافته است.

آموزش مداحی بهتر است از طریق کدام یک از انواع مجموعه‌های آموزشی دنبال کرد؟ حوزه‌های علمیه؟ آموزش متوسطه؟ آموزش عالی دانشگاهی؟ مدارس عالی؟ دانشگاه جامع علمی و کاربردی؟

پاسخ: هیچ‌یک از مراکز یادشده را صلاح نمی‌دانم. سازمان تبلیغات اسلامی بهترین گزینه برای این مهم است و نیز می‌تواند همزمان با شروع کار، در اندیشه دریافت مجوز از آموزشگاه‌های عالی کشور باشد.

پی‌نوشت:

۱. مثنوی معنوی، دفتر دوم، ابیات ۳۳۹۶ تا ۳۳۹۷.
۲. دیوان ناصر خسرو، ص ۱۴۳.
۳. درباره اساسنامه، جداگانه باید سخن گفت.
۴. برای نمونه، ر.ک: محسن حسام‌مظاهری، رسانه شیعه، تهران، چاپ و نشر بین‌الملل.



روحانی» که تسلط خاصی در این زمینه دارند استاد این کلاس است. برگزار می‌شود. البته در سال جدید از سایر استادان باتجربه و صاحب‌نام نیز استفاده خواهد شد.

همچنین روزهای چهارشنبه کلاس‌های حدیث و قرآن زیر نظر روحانی مداح آقای «مقدم» برگزار می‌شود. یک کلاس «متقل» نیز زیر نظر محقق و پژوهشگر برجسته حاج «قاسم رضایی» تشکیل می‌شود که در ایام تعطیلی مدارس مورد استقبال دانش‌آموزان قرار می‌گیرد.

دعبل: چشم‌انداز شما و خانه مداحان برای آموزش مداحی چیست؟ شیوه آموزشی مورد نظر شما از میان روش‌های سنتی و مدرن کدام است؟

با توجه به گستردگی حوزه مداحی، نیت ما برگزاری دوره‌های آموزشی مداحی مانند علوم آکادمیک، حوزه و دانشگاه است. استفاده از روش‌های سنتی و مدرن بستگی به سن مخاطبان فراگیر مداحی دارد؛ تا جذابیت و انس لازم را برای سنین مختلف ایجاد کند. البته لازم به ذکر است که با تأکید مقام معظم رهبری، مداحی باید به صورت سنتی ترویج شود که در آن تأمل جایز نیست؛ حتی در روشی که به صورت مدرن نام برده می‌شود چارچوب و اساس مداحی به صورت سنتی آموزش داده می‌شود.

دعبل: بر اساس صحبت‌های شما، آیا در حال حاضر سه روش مداحی سنتی، مدرن و تلفیقی وجود دارد؟

بله، چنین سبک‌هایی در مداحی هست. برخی از مداحان جوان از همان ابتدای کار شروع به شور خوانی می‌کنند؛ اما از لحاظ اصول مداحی ابتدا باید از غزلیات و پندیات شروع کرد و بعد وارد مدایح شد؛ سپس به مرثی و در نهایت به نوحه و شور پرداخت. در صورتی که این خطر را همیشه احساس می‌کردیم، عده‌ای دنبال غارت این سرمایه مهم اعتقادی ولایی و آیینی ما هستند و یک عده متأسفانه به صورت دانسته یا ندانسته با اتکا به شور خوانی در حال از بین بردن این نظام هستند. در صورتی که مدایح باید پیام خاصی را به همراه داشته باشد.

دعبل: با توجه به تفکیک مداحی به دو بخش متقل خوانی و روضه خوانی، آیا سخنرانی نیز شامل مداحی می‌شود؟ آیا شما تا کنون برای سخنرانی تدریس داشته‌اید؟ خیر، زیرا بنده شخصاً هیچ اعتقادی به

آموزش مداحی به شیوه سنتی

گفت‌وگو با محسن طاهری
مدیر عامل خانه مداحان اهل بیت علیهم السلام

روح‌الله حمیدیان

حاج «محسن طاهری»، متولد ۱۳۳۹ ش. فرزند حاج «محمدتقی طاهری» و برادر حاج «مرتضی» و حاج «محمد» است. ایشان در عرصه مداحی و خدمت به اهل بیت علیهم السلام از آوازه خوبی در میان مردم برخوردار است. حاج محسن طاهری در گفت‌وگو با «دعبل» از حال و هوای خانه مداحان و همچنین کاستی‌های موجود برای ترویج و آموزش مداحی می‌گوید.

با چشم‌اندازهای ما بسیار فاصله دارد. لازم به ذکر است، حاج آقا «آهی» که در اصل بزرگ خانه هستند، همواره با دلسوزی‌ها و فعالیت‌های خود مسائل و مشکلات خانه را پیگیری می‌کند و بنده نیز برای انجام امور هر روز با ایشان در مورد مسائل خانه مداحان مشورت می‌کنم. الزام ایشان تشکیل کلاس‌ها به صورت مستمر ولو اندک بوده است.

دعبل: هر یک از کلاس‌های حوزوی و مداحی را به چه صورت برگزار می‌کنید؟ به غیر از کلاس‌های تمرین منبر که در خانه مرحوم «فلسفی» تشکیل می‌شد و در حال حاضر در منزل حاج آقا «شجاعی» برگزار می‌شود، مکان برگزاری سایر کلاس‌ها در خانه مداحان است. دو کلاس آموزش ردیف‌های موسیقی نیز به صورت هم‌زمان در دو نوبت صبح و بعد از ظهر در روزهای شنبه و دوشنبه برگزار می‌شود؛ که آقای «حسین

دعبل: در حال حاضر ساز و کار آموزش و فضای آموزشی «خانه مداحان» چگونه است؟

متأسفانه فضای آموزشی در خانه مداحان بسیار محدود و در حد یک حسینیه است. تا کنون با توجه به کمبود فضای آموزشی در خانه مداحان، نتوانسته‌ایم بیش از چهار کلاس و در قالب چهار جلسه برای هر کدام برگزار کنیم. البته طبق توافقی که بین خانه مداحان و سازمان فرهنگسراها در زمان آقای «خوراکیان» منعقد شده بود، قرار بر این شد تا در راستای تأمین فضای مورد نیاز برای آموزش مداحان و همچنین تغییر حال و هوای فرهنگسراها، کلاس‌ها را در این اماکن برگزار کنیم. امیدواریم در دوره آقای «شهاب مرادی» نیز این تعاملات ادامه و توسعه بیابد.

در حال حاضر حدود ۱۵ کلاس در خانه مداحان برگزار می‌شود که استادان آن مشخص و معرفی شده‌اند؛ اما این وضعیت

دعبل: آیا کتاب و جزوات لازم برای دوره‌های آموزشی مد نظرتان را آماده و یا در دست تهیه دارید؟

بله، از استاد «سنگری» و حاج «قاسم رضایی» گرفته تا خود حاج آقا «آهی» که در بخش آسیب‌شناسی و شناسایی خطوط قرمز در مدح اهل بیت فعالیت می‌کنند، در حال تألیف کتب و جزوات آموزشی هستند. همچنین در بخش غزل خوانی در حال جداسازی غزلیات مورد نظر از میان اشعار حافظ، سعدی، عراقی، الهی، قمشه‌ای و علما و حکما هستیم؛ که خواندن آنها نیز هیچ مانعی ندارد.

دعبل: نامی که برای پودمان و دوره آموزشی مداحی در نظر گرفته‌اید، چیست؟

به تعبیر مقام معظم رهبری: مداحی یک هنر، یک تخصص و یک کار کارشناسی است. البته جسارت نباشد عده‌ای هنوز بسم الله نگفته شروع به خواندن می‌کنند و همچنین برخی افراد سن بالا که مویبی در این حوزه سفید کرده‌اند تفاوت ربایی، غزل و قصیده و دوبیتی را تشخیص نمی‌دهند و آنها را به جای یکدیگر به کار می‌برند و یک‌سری غلط‌های گفتاری دیگر که به قول شهید دکتر مطهری: «این زهرماری‌ها مانند روغن اضافه در غذا می‌مانند که فقط موجب سینه‌درد می‌شوند» این پیاز و سیر گرچه آشک آدم را در می‌آورند، اما آیا اهل بیت واقعاً از کار ما راضی هستند؟

دعبل: از نظر شما آیا آموزش و تدریس توسط برخی مداحان و موسسات مبتنی بر اصول و منطق است؟

بالا و پایین آوردن انسان‌ها کار خداست؛ نه بنده. بنده بر این عقیده هستیم که کسانی که اهل فن هستند، از طرز بسم الله گفتن می‌توانند صلاحیت گوینده را تشخیص دهند؛ لذا عدم صلاحیت برخی از عزیزان موجب پیشنهاد من برای ایجاد دفتر نماینده مقام معظم رهبری در خانه مداحان شده است.

در حال حاضر هیچ یک از نهادهای فعال نظیر بنیاد دعبل، خانه مداحان، بسیج مداحان و کانون مداحان به علت نیازمندی‌های بیش از حد عرصه مداحی به تنهایی قادر به سامان‌دهی این کار نیستند و این کار را نمی‌توانند ساماندهی کنند. اگر همه فرهنگسراها را هم در اختیار ما قرار دهند، باز هم از عهده کار بر نخواهیم آمد.

ان‌شاءالله به یاری حق تعالی، با همدلی و همگرایی و پرهیز از موازی‌کاری و با شکل‌گیری یک ساختار واحد همه مشکلات بر طرف خواهد شد.

دعبل: واقعاً در حال حاضر امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری لازم برای تأسیس دانشگاه مداحی وجود دارد؟

به عقیده من حتی اگر در حد دانشکده و یا دانشگاه هم نباشد باید این کار توسعه یابد. زیرا جامعه ایران گرایش‌های مذهبی و آیینی دارد؛ مانند شهید «حسین علم‌الهدی» که تا دیروز صدای ایشان از رادیو معارف پخش می‌شد؛ اما نمی‌دانستم ایشان مداح بسیار قابل‌ی بوده‌اند. من ایشان را شخصیتی مبارز از قبل انقلاب و همچنین در طول دفاع مقدس می‌پنداشتم، فردی که طی نامه‌ای به امام رحمه الله علیه اعلام کرده بود که در حال جنگ با نیروهای رژیم صدام با ۲۱ نفر و بدون سلاح در حال جنگ است. این نمونه‌ای از همان گرایش جامعه ما به مداحی است.

استفاده از روش‌های سنتی و مدرن بستگی به سن مخاطبان فراگیر مداحی دارد تا جذابیت آنس لازم را برای سنین مختلف ایجاد کند

همچنین شاهد حضور پرشور جوانان شهرستان‌ها و استان‌های دیگر در سفرهای خود هستیم؛ که همیشه درباره‌ی علاقه خود به یادگیری مداحی و مراتب آموزش آن، از من سؤال می‌کنند؛ من نیز به آنها آدرس سایت و محل کانون مداحان و بنیاد دعبل خزاعی را معرفی می‌کنم. با توجه به شور گسترده مردم برای نوکری اهل بیت در ابعاد بسیار وسیع، چرا از کانون مداحان و بنیاد دعبل بیرون نیاییم و به دنبال تشکیلات گسترده‌تر نباشیم.

دعبل: شما تشکیل پودمان را از طریق الگوی خاصی پدید آورده‌اید یا این پودمان در نتیجه یک کار پژوهشی به وجود آمده است؟

این پودمان بر اساس تجربیات ما و استادانی که با بنده بسیار هماهنگ هستند، پدید آمده است؛ مانند استاد «علی انسانی» در حوزه شعر و ادبیات و استادان برجسته دیگر در حوزه‌های مختلف که حضور آنها در دانشگاه حتی برای یک جلسه در ماه بسیار ارزشمند است؛ تا اتفاقی که برای «حاج آقا شمشیری» ها و «حاج حسین» ها که برای خود صاحب سبک بودند افتاد برای بازماندگان نیفتند. یاد آنها باید گرامی داشته شود.

سخنرانی یک مداح ندارم. اصولاً رسالت مداحان خانه مداحان متفاوت است. متأسفانه تعدادی از مداحان با پیروی از برخی مداحان صاحب‌نام، در میان مدیحه‌سرایی شروع به سخنرانی می‌کنند، در صورتی که سخنرانی حرفه دیگری است و در واقع کار واعظ یا سخنرانی است که دوره‌های حوزه و فن بیان را گذرانده است.

بنده که افتخار سه بار مدیحه‌سرایی و نوحه‌خوانی در مقابل امام رحمه الله علیه را در کارنامه خود دارم، حتی یک بار به خود اجازه سخنرانی نداده‌ام. از ابتدای کار هیچ‌گاه به دنبال شعارهای سیاسی و مطرح کردن خود نبوده‌ام و نهایتاً به خواندن غزل یا قصیده اکتفا می‌کنم.

دعبل: به نظر شما چگونه از طریق ظرفیت‌های آموزشی در رشته مداحی می‌توان از آسیب‌های اجتماعی که به برخی از آنها اشاره کردید جلوگیری کرد؟

در حال حاضر در خانه مداحان، در محضر استادان مجرب کلاس اخلاق نیز برگزار می‌شود. به نظر من رشته مداحی فقط به ادبیات آیینی، شناخت شعر، صداسازی، آهنگ‌شناسی و ردیف‌های موسیقی خلاصه نمی‌شود. اخلاق نیز جزء لاینفک این رشته محسوب می‌شود.

ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی این ره که تو می‌روی به ترکستان است مقصد ما کعبه است؛ اما برخی به هوای کعبه به بیراهه می‌روند. ما باید به دنبال مرضی‌الرضای اهل بیت باشیم، ببینیم که اهل بیت از ما چه خواسته‌اند؛ نه این که در هر شأن و هر سنی که هستیم برای هوا و هوس و دل‌مان کار کنیم.

دعبل: روابط عمومی خانه مداحان پیش از این درباره تأسیس رشته مداحی در دانشگاه علمی کاربردی (که پودمان آن نیز بر عهده خانه مداحان است) خبررسانی کرده است. در این باره با چه اشخاصی مشورت و همکاری کرده‌اید؟

این پودمان با استفاده از یک خرد جمعی به دست آمده است و شامل ۱۴ رشته مداحی به‌ویژه «بهداشت حنجره» که کمتر مورد توجه قرار گرفته، است. مداحان همیشه باید به فکر بهداشت حنجره خود باشند، قبل از شروع مداحی مسواک زدن را فراموش نکنند و مراقب بوی دهان خود باشند. استادان این دانشگاه با نظر شخص بنده و از میان افراد مجرب و با سابقه انتخاب می‌شوند.

گذشته از این امروزه هر عنصری که در زندگی، قابل اندک توجهی باشد دست خوش تأثیر و تأثرات موج‌های رنگارنگ فرهنگی و شبه فرهنگی قرار می‌گیرد. عزاداری و عزخوانی از آن جمله پدیده‌های فرهنگی است که خواسته و ناخواسته در معرض نگاه‌های متفاوت و در دسترس تیرهای هدفدار و گاه سرگردان قرار می‌گیرد.

بی‌تردید دگر دیسی‌ها، تعامل‌ها، داد و ستدها و تعارض‌ها و تقابل‌های فرهنگی از یک سو و تهاجم، شبیخون و ناتوی فرهنگی^۱ از سوی دیگر بر ذاکری و مداحی مانند هر پدیده دیگری در صورت ساده‌انگاری اثر گذاشته و خواهد گذاشت.

علاو بر این، دنیای در حال تغییر و شرایط اجتماعی و فرهنگی در حال دگرگونی و نوپدیدی محتوم، بر مادحی و عزخوانی اثر گذاشته، تغییر را در قالب و گاه محتوا، بر آن تحمیل کرده و خواهد کرد؛ برای مثال می‌توان آمیختن عزخوانی و موسیقی به معنی سازواری و نوازندگی را به تأمل واکاوی نمود.

همچنین روح نوجوی بشر به‌ویژه در گستره کاری که به برخی از وجهه‌های هنری متمایل یا نیازمند باشد و قیده‌های تعریف‌شده قانونی را پیرامون خود نبیند، تغییر و تحول منتج به دست‌آورد مثبت یا غیر مثبت را گریزناپذیر خواهد کرد که در مدح و رثاخوانی اهل بیت علیهم‌السلام نیز این وضعیت مشاهده شده و خواهد شد.

اشارات رهبر معظم انقلاب در فرصت‌های مختلف در جهت به‌سازی وضعیت ثنا و رثاخوانی و تأکیدات بسیار ایشان در باره موضوع، مجال مناسبی را برای توجه به مقوله مدح و مداحی و گذر از مسیر به‌سازی و بهبود بخشی آن، در اختیار روندگان این راه قرار می‌دهد. تذکرات معظم‌له هشدار جدی بر حقیقتی است که غیر از ایشان دیر در می‌یابند.

رهبر معظم انقلاب، مداحی و اعضای خانواده مداحی را راه مناسبی برای نشر حکمت و معرفت و هدایت دل‌های انسان‌ها به جانب هدف مطلوب می‌دانند و با چنین رویکردی می‌فرماید: «مداحی، معرفت‌افزایی است. مداحی، پراکندن معرفت و حکمت و امید و عقیده راسخ است. مداحی، جوشاندن چشمه‌های عواطف در دل‌ها است؛ با استفاده از هنر شعر، هنر آواز، هنر اجرا، البته یک اصل مسلمی وجود دارد عزیزان من! مردم از صدای شما خوششان می‌آید، از شعر شما لذت می‌برند، از اجرای شما چه در مدحتان، چه در مصیبت‌تان دل‌های‌شان تکان می‌خورد



مداحی اهل بیت بزرگ‌ترین نیروی محرک دل‌های حقیقت‌جو و قدرتمندترین عامل فرهنگی بازدارنده اسلام‌زدایی و شیعه‌هراسی است

دانشگاه مدح و تعزیت

سید محمد هاشمی فرد (ساجد)

انسان و انسانیت وارد آمد و مغبون و متضرر اصلی آن رویداد دردناک و در عین حال بزرگ، جامعه انسانی بود. اگر چه عالم اسلام و به طریق اخص و اولی جهان شیعه در متن موضوع و موضوع در بطن آنهاست، اما هر دو در این غبن بزرگ تابع متغیر جامعه بشری‌اند. با این اشاره قصد داریم بگوییم پرداختن به بحث ثنا و رثاخوانی که کانون آن رثاخوانی واقعه عاشورا است، باید دل مشغولی همه جامعه بشری باشد؛ آن هم با نگاهی متفکرانه و علمی با دامنه‌ای جهان‌شمول. یعنی عالم انسانیت باید برای دفاع از خود و باز ستانی حق از دست‌رفته‌اش مرثیه‌خوانی واقعه عاشورا و نیز رثای اهل بیت عصمت و طهارت را بازبینی، بازخوانی و بازپردازی کند، خود را نیازمند به این نیروی بزرگ و نجات‌دهنده بداند، راه‌های دقیق و علمی پرداختن بدان را باز شناسد و به یاری آن خود را از این همه شور و شر نجات دهد.

مداحی یا ثناخوانی و ذاکری یا رثاخوانی مقوله متناقض‌نمایی است که در فرهنگ شیعه، اسلام و انسان جایگاه قابل تأمل و تعیین‌کننده‌ای دارد. این پدیده دیرآشنای غریب، در دنیای امروز ابتدا قابل انکار و چشم‌پوشی و حتی کم‌اعتنایی نیست.

مهم و شگفت این که ذاکری اهل بیت عصمت و طهارت را امروزه عموماً به شیعه منتصب و در این حوزه بدان پرداخته می‌شود. علی‌رغم این که چنین برداشتی درست و افتخار شیعه به این دارایی اصیل و عظیم فرهنگی ولایی است، حقیقت موضوع این است که این جریان فرهنگی اجتماعی اعتقادی و در عین حال سیاسی و... در زندگی و سعادت جامعه بشری تأثیر مستقیم دارد و بایسته است که از این دیدگاه به نحو مطلوب و وافر بدان نگرسته شود.

چنان که پیش از این گفته‌ام در واقعه سهمگین طف، سنگین‌ترین ضربه بر پیکر

با در نظر داشتن تفاوت‌های طبیعی و معقول آنان در عمل و اجرا و به عبارتی ایجاد وحدت در عین کثرت آحاد جامعه هدف.

۵- آشنایی و معرفت‌افزایی مداحان و ذاکران در زمینه‌های مختلف و گرایش‌های گوناگون علوم و فنون مورد نیاز از جمله: تاریخ، ادبیات به‌ویژه شعر، موسیقی، جغرافیای تاریخی مذهبی و... در حد متعارف.

۶- پیراستن امر مقدس مداحی و مرثیه‌خوانی و نقل سیره اهل بیت علیهم‌السلام از پیرایه‌های انحراف و خرافه.

۷- آشنایی دقیق، علمی و جدی جامعه هدف با شخصیت و جایگاه واقعی یا نزدیک به واقع اهل بیت علیهم‌السلام.

۸- پیشگیری از تغییرات غیر علمی و جو زدگی‌ها در فضای مدح و مرثیه.

۹- پیشگیری از رسوخ عوام‌زدگی در گستره ثنا و عزای اهل بیت علیهم‌السلام.

۱۰- مقابله آگاهانه و هدفدار با تهاجم، شبیخون و ناتوی فرهنگی دشمنان دین و تشیع و از جمله غرب و دست‌پرورده‌های آنان مانند وهابیت و سلفی‌گری و... .

۱۱- تربیت استادان با صلاحیت و روش‌مند برای تربیت نسل‌های بعد.

۱۲- ضرورت دسته‌بندی این دانش با روش‌های علمی و دانشگاهی با توجه به گسترش و تخصصی شدن علوم و فنون و لزوم راه‌اندازی دوره‌های خاص دانشگاهی برای ریز موضوعات عدیده و زیر موضوعات متعدد.

...

نکته پایانی:

آیا در عصری که حتی برای جزئی‌ترین امور مانند نصب در و پنجره ساختمان، طراحی صفحه نشریه، تزریق چند قطره دارو، پختن شیرینی، ترکیب کردن آب و ماسه و سیمان، پرورش گیاه و... مراکز مهم علمی و دانشگاهی سرگرم فعالیت‌اند و البته که باید باشند آیا پرداختن به انتشار فرهنگ حسینی و سیره زینبی و انتقال آن به جامعه محتاج بشری، نیاز به دانشگاه احساس نمی‌شود؟ آیا در برابر برنامه‌های جهانی‌سازی غرب که اساس و محور آن فرهنگی است همچنان باید نشست و نظاره کرد و بزرگ‌ترین نیروی محرک دل‌های حقیقت‌جو و قدرتمندترین عامل فرهنگی بازدارنده اسلام‌زدایی و شیعه‌هراسی را بدون برنامه علمی و تربیتی سازنده، معطل گذاشت؟

پی‌نوشت:

۱. ر.ک: خیمه، شماره ۶۰، سوگ‌خوانی سالار حیات.

۲. به اشارت و همدار رهبر معظم انقلاب.

یا نهادی جز آنها بر نمی‌آید. دانشگاه‌ها در حقیقت صلاحیت‌دارترین مراکز برای اجرای برنامه‌های آموزشی هدفمند و برنامه‌ریزی، پژوهش و تولید محتوای لازم برای آن‌اند.

به همین دلیل ضرورت دارد برای امر خطیر، دقیق و ضرورت‌نا و رثاخوانی دانشگاه و ویژه‌ای که با تمام زیرساخت‌های لازم، با اهداف معین و برنامه‌های مشخص در اسرع وقت تأسیس گردد و کار را آغاز کند. چنین دانشگاهی باید ایجاد شود تا بتواند تمام هم و غم و توان خود را مصروف این حرکت عظیم فرهنگی اجتماعی اعتقادی کند. با نقشه راهی فراگیر در کوتاه‌مدت و میان‌مدت در سطح کشور و در بلندمدت در گستره بین‌الملل امر ثنا و رثاخوانی را به شیوه علمی تحت پوشش قرار دهد و استادان و پژوهشگران متخصص این زمینه را در اقصی نقاط جهان به تبیین حقیقت نبوی و علوی و فاطمی و حسینی به تلاش وادارد.

برای امر خطیر دقیق و ضرورت‌نا و رثاخوانی باید دانشگاه ویژه‌ای با تمام زیرساخت‌های لازم با اهداف معین و برنامه‌های مشخص در اسرع وقت تأسیس گردد و کار را آغاز کند

برای این که ضرورت تأسیس دانشگاه ویژه‌ای و رثا را بهتر و روشن‌تر به ذهن آوریم، چند دلیل برشمرده و نشمرده سطور پیش را یادآور می‌شوم:

۱- انتقال مطالعه‌شده، دقیق، فنی و همه‌جانبه منویات، اشارات و اوامر رهبر معظم انقلاب به جامعه هدف و سیر دادن عالم مداحی و مرثیه‌خوانی بر مدار نگرش‌ها و بینش‌ها و ارزش‌های مطمح نظر آن بزرگوار.

۲- هدایت دقیق جامعه مداحی و ذاکری به جانب رفع نیازهای ولایی جهان بشر با کشف نیازها، شیوه‌ها و آداب خاص جوامع مختلف در این زمینه.

۳- تبویب، تنظیم، مستندسازی و انتقال تجربیات گران‌سنگ پیش‌کسوتان عرصه ثنا و رثاخوانی به عنوان گنجینه عظیمی از اسرار و رموز و فنون منحصر به فرد حفظ فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام به نسل‌های بعد که با رفتن هر کدام از این استوانه‌های تجربه و هنر و اخلاص، این ذخایر گران نیز از دست خواهد رفت.

۴- هم‌جهت و هم‌سو کردن انبوه مداحان

و اشک می‌ریزند. (امام خامنه‌ای، ۹۲/۲/۱، www.khamenei.ir)

در بیانات حکیمانانه ایشان هدفمندی، معرفت‌افزایی، تعالی فکری، تشخیص به‌جا و نکات فراوان از این دست لازمه کار ثنا و رثاخوانی است. چنان‌که در جمع اهل مدح و مرثیه فرموده‌اند: «ببینید چه بخوانید، چه بگویند، مستمع شما می‌شود متنور به نور فاطمه زهرا سلام الله علیها یک چیزهایی هست که گفتن آنها هیچ‌گشایشی و هیچ فتوحی در ذهن شنونده شما به وجود نمی‌آورد، هیچ بهجتی در جان مستمع شما به وجود نمی‌آورد؛ اینها را نگویند. آن چیزهایی را بگویند که دل‌ها را نرم می‌کند، خاشع می‌کند، به پیروی از فاطمه زهرا سلام الله علیها راغب می‌کند. آن چیزهایی را بگویند که می‌تواند مستمع شما را به پیمودن راهی که آن بزرگوار رفت، تشجیع کند، تشویق کند. اینها فکر لازم دارد، آموزش لازم دارد؛ کار، آسان نیست.» (امام خامنه‌ای، ۹۱/۳/۲، www.khame-nei.ir)

مقام معظم رهبری با درایت و بینش ژرف حکیمانانه می‌بینند که این روند ممکن است دقیقاً در مسیر اصلی به جانب هدف محتوم به پیش نرود یا دچار تغییر شود. بنابراین چاره این کار دشوار را تفکر و آموزش می‌دانند و تأکید می‌کنند که: «اینها فکر لازم دارد، آموزش لازم دارد؛ کار، آسان نیست.» (همان)

با این حال مختصر معلوم می‌شود خطر بزرگی که علاوه بر خطرهای دیگر مداحی و ذاکری ما را تهدید می‌کند، تغییر پیش‌بینی‌نشده اجتناب‌ناپذیر است.

اگر دلسوزان، درآشنایان و محرمان، این جریان خطر را به خاطر نیاورند و برای مدیریت آن برنامه‌ریزی و آینده‌اندیشی نکنند، به‌سرعت ثنا و رثاخوانی جای خود را به پدیده‌ای خواهد داد که اهداف و مأموریت‌های به‌حق و اصیل خود را از دست خواهد داد و به عاملی خنثی و سرگرم‌کننده بدل خواهد شد.

راه پیشگیری خطری تا بدین پایه خطیر، تدوین برنامه‌های آموزشی و پژوهشی منظم، طراحی، تعریف و تولید محتواهای آموزشی متناسب و اجرای دقیق آنهاست. استفاده از برنامه‌های برنامه‌ریزان و پژوهش‌های دانش‌محور محققان چاره کار است آن‌هم بدین شرط که در فضایی کاملاً آماده و علمی با معیارهای مقبول و معقول به اجرا درآید.

بر کسی پوشیده نیست که ساماندهی مدون‌ترین برنامه‌های آموزشی، اجرای علمی‌ترین طرح‌های پژوهشی و عملیاتی نمودن همه آنها مأموریت و مسئولیت مراکز آموزش عالی است که از عهده هیچ سازمان

باید در این زمان که دهه
چهارم انقلاب اسلامی را
سپری می‌کنیم به فکر تغییر
آموزش مداحی از شیوه
سنتی و کهن به شیوه نوین
و پیشرفته در تمامی سطوح
باشیم و البته و صد البته
در این راستا نقاط برجسته
شیوه سنتی و کهن را فراروی
خود قرار دهیم



معرفی چهره واقعی اسلام و مکتب تشیع در مداحی اهل بیت علیهم السلام

تأملی درباره «دانشگاه مداحی»

غلامحسن رفیعا

این همه به خاطر ضعف در تدریس، عدم توانایی برخی از مدرسان و ناآگاه بودن آنان به فن مداحی و ستایشگری و نیز به فن بیان و هنر پرداخت و توصیف عمیق رویدادها و شرح زنده جزئیات روابط و ستایشگری و نیز به فن بیان و هنر پرداخت و توصیف عمیق رویدادها و شرح زنده جزئیات روابط و در نتیجه تعمق و تدقیق در معرفت و شناخت زندگانی آن ذوات مقدسه است.

باید نقاش زبردست عواطف نهانی و ریزه‌کاری‌های لطیف روح و روان و نیز صحنه‌ها بود تا بتوان تصویری عمیق از چهره‌هایی گرمی و تابناک و مورد حرمت و محبت و عشق را نشان داد و به منصفه ظهور نشانند. شما ممکن است پدرتان را دوست بدارید، به او مؤمن باشید و تاریخ زندگی‌اش را نیز کمابیش به خوبی بدانید و بشناسید، اما برای تصویر کردن چهره پدر خود؛ اول و قبل از هر کار باید نقاشی آزموده و هنرآوری چیره‌دست باشید تا تابلویی واقع‌انگارانه از چهره او ترسیم کنید. هر قدر او را دوست بدارید و زندگی‌اش را بشناسید، اگر نقاشی و نگارگری ندانید چهره‌ای مخدوش، نادرست و در نتیجه ناقص و معیوب از او تصویر خواهید نمود.

اولین گام در مداحی و ستایشگری خاندان رسالت بدست آوردن همین فن مداحی هنرمندانه و وقوف به ریزه‌کاری‌ها، ضوابط خواندن و آگاهی به نقاشی نهان عواطف تصویرگر صحنه‌ها و جانمایه چهره‌هاست. و حصول این معنا جز در کسی که فن مداحی و هنر پرورش معانی و حس و فهم و ذوق و شعر و خرد را نیاموخته است امکان ندارد. باری یک فقیه، محدث، مورخ، مفسر، فیلسوف، متکلم و شاعر که در حوزه‌های ویژه و تخصصی آگاهی خود قدرتی مسلم و بلامنازع دارند؛ هرگز نمی‌توانند به استعانت آموزه‌های خود، در کار مداحی حرفه‌ای ریاآموزند و عمیقاً

همه‌جانبه و به‌ویژه آنچه که در ژرفای نهفته در این هنر مقدس جریان داشته است، نپرداخته‌اند.

در نتیجه و با هزاران دریغ وقتی دوره‌های تعلیمی و برنامه‌های آموزشی‌ای که درباره مداحی و ستایشگری اهل بیت علیهم السلام برگزار می‌شود به جوانانی که تشنه شناخت مقام مقدس اهل بیت نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستند معرفی می‌کنید تا در مسیر آموزش مداحی؛ توشه‌ای نیز بگیرند و در این وادی از عظمت رفتار و اوج متعالیه گفتار و کردار خاندان نبوت تأثیری شایسته بپذیرند، می‌بینید چندان تحرک، موج و حساسیتی در هنر جوانان بر نمی‌انگیزد و علاقه‌مندان به این هنر آیینی، بی‌کمترین حس ایجاد غلظه، اعتماد و رابطه ویژه محبت، شناخت و معرفت، احتمالاً اهل بیت را نیز همان‌گونه می‌شناسند و شناخت پیدا می‌کنند که فی‌المثل برخی از چهره‌های در گذشته تاریخ را...

اینجانب عمیقاً معتقدم امروزه روز رویکرد به عرصه ستایشگری و مداحی اهل بیت علیهم السلام و نیز عرصه‌های هنر بیانی و فن پرورش معانی است که به این آیین جذابیت و تأثیر بخشی شایان توجهی را داده است.

آنچه در زمان مادارای ارزش است؛ ژرفابخشی به هنر ستایشگری و برنامه‌ریزی به منظور بالابردن سطح آگاهی، بینش، دانش، معلومات و نیز آموزش تخصصی ستایشگران و مداحان خاندان رسالت است. باید در این زمان که دهه چهارم انقلاب اسلامی را سپری می‌کنیم، به فکر تغییر آموزش مداحی از شیوه سنتی و کهن به شیوه نوین و پیشرفته، در تمامی سطوح باشیم. و البته و صد البته در این راستا نقاط برجسته شیوه سنتی و کهن را فراروی خود قرار دهیم.

باید بگویم آموزه‌هایی که امروز در این عرصه ارائه می‌شود در نهایت تأسف هرگز به تحلیل عمیق، تعلیل دقیق و موشکافی

شقوق هنر، ظرفیت چنین ویژگی و مایگی را به تنهایی ندارند.

باری آن همه که ذکر کردم همه جنبه‌های صوری مداحی جهت‌دار و هدف‌دار است و پس از آن که مداحی و ستایشگری خاندان وحی، واجد شرایط و هویت کامل تمامی جنبه‌های صوری خود شد و شکل صحیح خود را به دست آورد تازه باید در جست‌وجوی معنا، اندیشه، جوهر و مغز اجرای قابل قبول آن باشد. چیزی که نه آن را می‌توان آموزش داد و نه به آسانی به دست آورد.

مداحان باید درک کاملی از شناخت مخاطب و ظرفیت او و شرایط اجتماعی و افکار و گرایش‌های او داشته باشند تا بتوانند به عنوان یک مبلغ دینی، پیام تبلیغی خود را به او منتقل نمایند.

کلام وحی (قرآن) استفاده از احادیث نبوی و ائمه معصومین علیهم‌السلام و استفاده از عقل و وجدان به عنوان کلمه طیبه بر مبنای حکمت و منطق و همچنین استفاده از الگوی رفتاری صالحان می‌تواند بهترین منابع تبلیغی برای ستایشگران و مداحان اهل بیت علیهم‌السلام باشد.

مداحان در منابر خود باید از هرگونه مطالب تفرقه‌انگیز و فتنه‌انگیز پرهیز نمایند و تلاش نمایند تا جوامع اسلامی را به سوی آرامش و وحدت رهنمون شوند.

در شرایط کنونی که دشمنان اسلام و انقلاب سعی در ایجاد دشمنی و تفرقه میان جوامع اسلامی دارند، باید ستایشگران و ذاکران و مداحان اهل بیت علیهم‌السلام هوشیار باشند و به گونه‌ای عمل کنند که مردم از راه قرآن و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام فاصله نگیرند.

جامعه مداحان اگر بنا دارند که تبلیغ اثرگذاری داشته باشند، باید عالم به زمان و مکان تبلیغی باشند و با تدبیر و تأمل بیشتر در هنر تبلیغ به‌ویژه در دوران کنونی شناخت بیشتر و بهتری را از شیوه‌های تبلیغی روزآمد کسب نمایند.

از آنجا که اسلام دین عقلانیت و خردورزی و مکتب شیعه و اهل بیت علیهم‌السلام مکتب عقل و عرفان و استدلال و منطق و اجتهاد است و همه مبلغان دینی، به‌ویژه مداحان موظف‌اند در منابر خود، این وقار و فهم و شعور شیعه را به دیگران معرفی کنند و با وجود جوانان مؤمن و متدین و با بهره‌گیری از ابزارهای مدرن تبلیغی، همه باید تلاش و کوشش خود را به کار بندند تا چهره واقعی اسلام و مکتب تشیع را به جهانیان عرضه نمایند.

اولین گام در مداحی و ستایشگری خاندان رسالت بدست آوردن فن مداحی هنرمندانه و وقوف به ریزه‌کاری‌ها، ضوابط خواندن و آگاهی به نقاشی نهان عواطف تصویرگر صحنه‌ها و جانمایه چهره‌هاست.

بارنگ‌هایی در خشان، روشن و با بیانی توانا به تصویر آورد؛ تا هیچ‌گاه از خاطر مخاطب فراموش نشود و نیز همان‌گونه که در هنر نمایش (تئاتر) می‌بینیم که چگونه افراد در صحنه‌های مختلف زندگی، پدید می‌آیند و به‌طور زنده و فعال نقش‌هایشان را نمایش می‌دهند، به همان سان نیز در صحنه اجرا، شخصیت‌های او، نقش‌ها، ریشه‌ها و نهادهای شان را به گونه‌ای طبیعی و منطقی از بالقوگی به فعلیت آورند.

به راستی محال است شما بتوانید مداحی موفق باشید مگر آن که اجرای تان سرشار از لطایف غنایی کلام مخیل؛ یعنی شعر باشد و به جای خود در بستر نثر، به‌دور از اداء کلامی سخیف و سست، برخوردار باشد.

زیرا همچنان که قلب به سراسر تن، خون و هوا و غذا می‌رساند، شعر و نثر ادبی به سراپای اجرای شما روح و موج زندگی و گرمای حیات می‌بخشد و حتماً نیز الزام دارد همواره برنامه‌هایی که اجرا می‌شود مقفی و موزون باشد. مضافاً این که خواندنتان باید افزون بر کلام لطیف غنایی، حاوی معنویتی گرانبار و حکمتی در خور تأمل و واجد متانت استدلال و منطقی عقلانی و فعال باشد و آخر سخن آن که مداحی موفق است که خواندنتش حاوی حرکت و سیلان زندگی باشد آن سان که گویی مخاطب، نه مجموعه کلمات، بلکه توالی و استمرار صحنه‌هایی زنده و بدیع، سرشار از حس و نور را پیش روی خود ببیند.

متأسفانه این روزها جمع کثیری به جای حضور در محافل مذهبی به جهت صعوبت و مسائلی که این نوشتار از بیان آن معذور است، به شنیدن و دیدن برنامه‌های تصویری که هرگز اثر یک برنامه و اجرای رو در رو و چهره را ندارد؛ روی آورده‌اند و حال آن که نمی‌دانند یک مداحی قوی و غنی رو در رو است که می‌تواند تأثیر جامع و کاملی را در خود داشته باشد به طوری که هیچ‌کدام از سایر

هنرآگاه باشند و سپس تمامی آن آموزه‌ها را به نیکوترین وجه در استخدام هدف خویش به کار گیرند... منظور این است که مداحی حرفه‌ای و فنی، درست، عمیق و تأثیرگذار را حداقل چونان یک نقاش، که ده‌ها سال است از عمرش را در کار رنگ و طراحی و شناخت عمق و فضا، یعنی علم مناظر و مریا، ترکیب‌بندی و غیره می‌گذراند؛ بیاموزد.

برای این همه تأکید حقیر بر مداحی کاملاً تخصصی و حرفه‌ای، به خاطر آن است که عمیقاً بر این باورم که باید زاویه دید و نگاه‌مان را نسبت بدین‌گونه مسائل بنیادی و اعتقادی (به‌ویژه زندگانی پیشوایان دین و الگوهای رفتاری آنان) تغییر دهیم و با بیانی سرشار از عاطفه، محبت، آگاهی، استواری، شور، ذوق، و ایمان، فن بیان و حسن اجرا در کسوت و قالبی شیوا، غنایی، جذاب، صحیح، روایت‌گونه و در نتیجه جالب توجه، آنچنان که نیاز نسل نوین ما است و بدان اعتقاد و آگاهی داریم، برنامه خود را ارائه دهیم و از این طریق تبلیغ شایسته‌ای را به انجام رسانیم.

باید توجه داشت که امروزه نگاه جهانی به همه چیز تغییر کرده است و به‌ویژه انقلابی در امر ستایشگری و مداحی خاندان نبوت، پدید آمده است.

باید بیاموزیم که چگونه می‌توان برتر، والاتر، عمیق‌تر، و اثربخش‌تر با مخاطبان خویش ارتباط برقرار کرد و جهان حس و عواطف و تعقل بشریت را تحت القانات صادقانه و هنرمندانه ایمانی خویش قرار داد. همین جا تصریح کنم و تأکید نمایم همه جانمایه سخن حقیر این است که یک مداح در صورتی موفق است و اثری ماندگار و بلامنابع بر مخاطبان، عرضه و ارمغان خواهد کرد که خواندنتش حاوی مجموعه هنرهای فن مداحی (آشنایی با هنر نغمات آیینی، شعر قوی و خوش‌مضمون، هنر اجراء و القاء به مخاطب و...) باشد.

به هر روی سخن حقیر این است که یک مداح باید برنامه‌هایی که اجرا می‌کند، سرشار از طنین عواطف، نغمه‌های شورانگیز و فرح‌بخش و نوا ساز باشد؛ چنانکه گاه مخاطب نغمات، شورانگیزی و سوز و گدازهای باطنی و معنوی را در لایه‌های اجرای او درک کند و دریابد و نیز بیانش سرشار از معارف بلند الهی باشد. چنانچه در تصویر چهره‌ها، صحنه‌ها و پدیده‌ها همان سان که نگارگری زیر دست در استخدام رنگ‌ها و طرح‌ها و سایه‌روشن‌ها، دنیایی لطیف از بدایع را می‌نماید، بر همان سان نیز او باید شخصیت‌ها، چهره‌ها، صحنه‌ها و حادثات را به گونه‌ای زنده و مؤثر

در سال‌های اخیر از سوی این سازمان صورت پذیرفته است زنجیره اقداماتی را ترسیم می‌نماید که نهایتاً به ساخت یک سامانه منطقی، کاربردی و هدفمند جهت نیل به هدف یاد شده بالا منتهی خواهد گردید.

در همین راستا و در کنار اقداماتی چون تأسیس کانون مداحان استانی و شهرستانی، به دلیل احساس نیاز به وجود مراکز تخصصی جهت آموزش علمی و استاندارد هنر و فن مداحی در استان‌ها، «آیین‌نامه آموزشی مراکز آموزش مداحی» به شرح مندرج در این متن ارائه می‌گردد؛ تا به صورت آزمایشی اجرا گردد.

چند تذکر:

۱- در این آیین‌نامه، تنها به ذکر اصول اکتفا شده است. لذا در مواردی که اشاره‌ای نشده است تصمیم‌گیری بر عهده مدیر مرکز آموزشی است لکن تغییر اصول و یا تفسیری مغایر با اصول و اهداف آیین‌نامه، مجاز نیست.

۲- مسئولان اجرایی، اساتید، مدرسان و «فراگیران»، ملزم به رعایت و اجرای این آیین‌نامه هستند.

۴- لازم است مراکز آموزشی مداحی، «فراگیران» را از آغاز تحصیل با مواد این آیین‌نامه آشنا ساخته آن را به اطلاع ایشان برسانند.

۶- در موارد ابهام و اختلاف، مرجع رفع اختلاف و یا تفسیر مواد و بندهای این آیین‌نامه اداره کل تشکل‌های دینی و مراکز فرهنگی می‌باشد.

فصل اول

تعاریف

ماده ۱- مرکز آموزش مداحی تشکیلاتی است که با اهداف انتفاعی و یا غیر انتفاعی با مسئولیت اشخاص حقیقی و یا حقوقی و با مجوز سازمان تبلیغات اسلامی برای آموزش هنر و دانش مداحی فعالیت می‌نماید.

ماده ۲- مرکز آموزش مداحی الزاماً تشکیلات مستقل نبوده بلکه می‌تواند به عنوان یکی از بخش‌های مندرج در چارت تشکیلاتی کانون‌های فرهنگی تبلیغی تحت نظارت اداره کل تبلیغات اسلامی در هر شهرستان و یا استان فعالیت نمایند.

ماده ۳- مداح به شخصی گفته می‌شود که در مراسم مذهبی و آیینی در مدح و یا رثاء پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت آن حضرت خصوصاً سالار شهیدان حسین بن علی علیه‌السلام با لحن و صوت گیرا و جذاب به



آیین‌نامه آموزشی مراکز آموزش مداحی

معاونت امور فرهنگی و تبلیغ سازمان تبلیغات اسلامی

مقدمه

تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید بر ضرورت سامان بخشی امر مداحی و مراسم آیینی کشور رسالتی ویژه را بر دوش نهادها و دستگاه‌های متولی امور فرهنگی و دینی کشور به خصوص سازمان تبلیغات اسلامی قرار داده است. رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرماید:

«باید به تدریج سمت مداحی اهل بیت که واقعاً یک منصب است، یک ثغوری پیدا کند. .. یک حدودی پیدا کند که بدانید چه کسی مداح است و مقدمات کار مداحی اش چقدر

است؟ چقدر شعر می‌داند؟ چقدر می‌تواند بخواند؟ و یک مرکزی باشد که اینها را با این خصوصیات تشخیص بدهد و تایید کند...»
در این راستا با توجه به بند سوم از ماده پنجم و بند چهارم از ماده ششم اساس‌نامه جدید سازمان تبلیغات اسلامی که به توشیح مقام معظم رهبری رسیده و در حکم قانون می‌باشد و همچنین با عنایت به مصوبه جلسه ۶۰۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی (فصل اول بندهای ۲ و ۵)؛ سازمان تبلیغات اسلامی بیش از دیگران سنگینی این رسالت و وظیفه را بر دوش خود احساس نمود. لذا روند اموری که

وی از ۱۲ واحد کمتر نشود.

ماده ۲۰- حذف کلیه درس‌های اخذ شده در یک دوره تحصیلی، تنها در صورتی مجاز است که «فراگیر» قادر به ادامه تحصیل در آن دوره نباشد.

ماده ۲۱- غیبت غیر موجه در امتحان هر درس به منزله گرفتن نمره صفر در امتحان آن درس است و غیبت موجه در امتحان هر درس موجب حذف آن درس می‌گردد.

ماده ۲۲- تشخیص موجه بودن غیبت در جلسات درس و در امتحان بر عهده مدیر مرکز آموزشی است.

ماده ۲۳- حضور «فراگیر» در تمام جلسات مربوط به هر درس الزامی است و ساعات غیبت «فراگیر» در هر درس نباید از یک چهارم مجموع ساعات آن درس تجاوز کند، در غیر این صورت نمره «فراگیر» در آن درس صفر محسوب می‌شود.

فصل پنجم

مرخصی و ترک تحصیل

ماده ۲۴- «فراگیر» می‌تواند برای ۲ دوره آموزشی متوالی یا متناوب از مرخصی تحصیلی استفاده کند.

ماده ۲۵- تقاضای مرخصی تحصیلی باید به صورت کتبی، حداقل دو هفته قبل از شروع نام‌نویسی هر دوره، توسط «فراگیر» به مدیر مرکز تسلیم گردد.

ماده ۲۶- ترک تحصیل بدون کسب اجازه از مدیر مرکز انصراف از تحصیل محسوب می‌شود. و «فراگیر» منصرف از تحصیل، حق ادامه تحصیل در آن دوره را ندارد.

ماده ۲۷- در موارد استثنایی که «فراگیر» ترک تحصیل خود را موجه می‌داند، باید دلایل آن را حداقل یک ماه قبل از پایان همان دوره ارائه دهد. و در صورت تأیید، آن دوره جزو مرخصی تحصیلی وی محسوب می‌شود.

فصل ششم

سرفصل‌های و دروس آموزشی

ماده ۲۸- دروس آموزشی که برای فراگیران در نظر گرفته شده است عبارتند از:

الف) تاریخ اسلام ۱

شامل زندگانی پیامبر اسلام از جوانی تا رحلت با تأکید بر دوران مدینه

ب) تاریخ اسلام ۲

شامل تاریخ زندگانی فاطمه زهرا و حضرت علی علیه‌السلام در زمان حیات پیامبر، دوران خلفا، دوره حکومت حضرت امیر علیه‌السلام و جنگ‌های سه‌گانه تا شهادت حضرت

باقیمانده داشته باشد، با نظر مدیر مرکز و تأیید استاد مربوط، می‌تواند امتحان آن درس را در طول دوره از طریق معرفی به استاد بگذراند.

ماده ۱۱- حداکثر زمان گذراندن دروس مندرج در این آیین‌نامه ۲ سال می‌باشد و چنانچه «فراگیر» به دلایل شخصی و اموری که مربوط به مرکز نیست نتواند این دروس را در مدت تعیین شده با موفقیت بگذراند از مرکز اخراج می‌شود.

ماده ۱۲- فراگیران پس از قبولی در آخرین دوره و گذراندن همه واحدهای تعیین شده موفق به دریافت «گواهی‌نامه مداحی پایه» خواهند گردید.

فصل چهارم

ارزیابی

ماده ۱۳- ارزیابی پیشرفت «فراگیر» بر اساس میزان حضور و فعالیت در کلاس، انجام تکلیف درسی و نتایج امتحانات پایان دوره صورت می‌گیرد و استاد هر درس مرجع ارزیابی «فراگیر» در آن درس است.

ماده ۱۴- معیار ارزیابی پیشرفت تحصیلی «فراگیر» نمره درس است و نمرات «فراگیر» در هر درس به صورت عددی و بین صفر تا ۲۰ تعیین می‌شود.

ماده ۱۵- حداقل نمره قبولی در هر درس ۱۲ است و چنانچه «فراگیر» در هر یک از دروس الزامی مردود شود، در اولین فرصت، ملزم به تکرار آن است. با این حال نمرات کلیه دروس اعم از قبولی و ردی در کارنامه «فراگیر» ثبت و در محاسبه میانگین منظور می‌شود.

ماده ۱۶- اگر «فراگیر» در یک درس اختیاری مردود شود، به جای آن درس می‌تواند از جدول دروس انتخابی در برنامه مصوب، درس اختیاری دیگری را انتخاب کند.

ماده ۱۷- میانگین نمرات «فراگیر» در هیچ دوره تحصیلی نباید کمتر از ۱۲ باشد، در غیر این صورت، نام‌نویسی «فراگیر» در دوره آموزشی بعد، به صورت مشروط خواهد بود.

ماده ۱۸- در صورتی که میانگین نمرات «فراگیر» در دو دوره، اعم از متوالی یا متناوب، کمتر از ۱۲ باشد در هر مرحله‌ای که باشد، از ادامه تحصیل محروم می‌شود.

فصل چهارم

حضور و غیاب

ماده ۱۹- در صورت اضطراب، هر «فراگیر» می‌تواند تا هفته به پایان هر دوره تحصیلی فقط یکی از درس‌های خود را حذف کند، مشروط بر آن که تعداد واحدهای باقیمانده

قرائت شعر، دکلمه و یا سایر سبک‌های ادبی با تکیه بر متون صحیح و مستند می‌پردازد.

ماده ۴- در این آیین‌نامه به اشخاصی که پس از ثبت‌نام به گذراندن دوره‌های آموزشی این مراکز اقدام نموده‌اند فراگیر گفته می‌شود.

ماده ۵- واحد درسی، مدت زمان تدریس یک موضوع درسی مصوب که به مدت یک ساعت و نیم در هفته (شامل ۱۰ دقیقه استراحت) در طول یک ترم آموزشی مستمر تشکیل شود را یک واحد درسی گویند.

ماده ۶- دوره آموزشی یا هر ترم تحصیلی مساوی با ۱۲ هفته (سه ماه) که در آن کلاس‌های آموزشی برگزار می‌باشد.

تبصره: مدت امتحانات پایانی و زمان ثبت‌نام جزو مدت آموزش محسوب نمی‌شود.

ماده ۷- دروس مورد نظر در سه سطح آموزشی با عناوین (سطح عمومی، سطح ویژه و دوره تربیت مدرس مداحی) ارائه خواهد گردید.

تبصره: این آیین‌نامه مربوط به سطح عمومی بوده و آیین‌نامه سطوح بعدی متعاقباً ارسال خواهد گردید.

فصل دوم

اهداف آیین‌نامه آموزشی

ماده ۷- اهداف تدوین این آیین‌نامه عبارتند از:

- ۱-۷) ارائه یک نظام آموزشی منظم جهت اجرای هماهنگ در تمام استان‌ها
- ۲-۷) معرفی سرفصل‌ها و دروس آموزشی مداحان متناسب با نیازها و مقتضیات روز جامعه
- ۳-۷) بسترسازی لازم جهت ارتقاء منضبط سطح دانش مداحان اهل بیت
- ۴-۷) زمینه‌چینی جهت کاهش آسیب‌های مراسم آیینی

فصل سوم

زمانبندی دوره‌ها (مرحله پایه)

ماده ۸- برنامه‌های آموزشی مداحی در چهار دوره سه‌ماهه اجرا می‌شود که طی آن هر «فراگیر» مجموعاً ۶۰ واحد آموزشی الزامی و ۸ واحد اختیاری را باید با موفقیت پشت سر بگذراند.

ماده ۹- کلیه «فراگیران» در هر ترم آموزشی حداقل ۱۲ و حداکثر ۱۸ واحد آموزشی می‌تواند انتخاب نمایند.

ماده ۱۰- در آخرین دوره تحصیلی، «فراگیران» از رعایت شرط انتخاب حداقل ۱۲ واحد معاف هستند و در صورتی که «فراگیر» برای فراغت از تحصیل تنها یک درس

ج) تاریخ اسلام ۲

شامل تاریخ زندگانی معصوم چهارم و پنجم و ششم، ریشه‌یابی نهضت عاشورا و به موازات آن تاریخ خلفای اموی و مروانی

د) تاریخ اسلام ۴

شامل تاریخ زندگانی معصوم هفتم تا چهاردهم و به موازات آن تاریخ خلفای عباسی تا انتهای غیبت صغری

ه) مفاهیم قرآن ۱

شامل دروسی که طی آن با آموزش ترجمه لغات و عبارات قرآنی و پاره‌ای از نکات صرفی به فراگیران طرح، آنها قادر خواهند بود حدود ۵۰٪ از کلمات قرآن را ترجمه نمایند.

و) مفاهیم قرآن ۲

شامل دروسی که طی آن با آموزش ترجمه لغات و عبارات قرآنی و پاره‌ای از نکات صرفی به فراگیران طرح، آنها قادر خواهند بود حدود ۵۰٪ از کلمات قرآن را ترجمه نمایند.

ز) مفاهیم ادعیه

شامل دروسی که طی آن با آموزش ترجمه لغات و عبارات ادعیه مشهور نظیر دعای کمیل، زیارت عاشورا، دعای توسل، دعای ندیه و پاره‌ای از نکات صرفی به فراگیران طرح، آنها قادر خواهند بود حدود ۶۰٪ از کلمات قرآن و ادعیه یادشده را ترجمه نمایند.

ح) احکام

شامل دروسی با موضوع مسئله تقلید، احکام نماز جماعت و مسجد، احکام مسافر، غنا، موسیقی و مسائل زیارت، آشنایی کلی با مسئله حج و استطاعت، احیاء شب قدر، و سایر احکام مورد نیاز مداحان و احکام مربوط به عزاداری.

ط) عقاید ۱

شامل آموزش دروس اعتقادی با موضوع خداشناسی، عدل الهی، دین، وحی و ضرورت آن و معاد.

ی) عقاید ۲

شامل دروسی پیرامون اصول اعتقادی شیعه از جمله امامت، علم و عصمت امام، غیبت، انتظار، رجعت، مفهوم و شرایط شیعه، ولایت فقیه، حکم و فتوا.

ک) اخلاق مداحی

شامل دروسی در خصوص آسیب‌های اخلاق مداحی نظیر دروغ، ریا، رقابت منفی، شهرت طلبی، انتساب کذب به ائمه، غیر مستند خوانی، مسئله اخذ وجه، نظم، احترام به اساتید و راه‌های رفع آن

ل) آشنایی با دستگاه‌های موسیقی

شامل دروسی با موضوع دستگاه‌ها و گوشه‌های موسیقی نظیر حجاز، سه‌گاه، چهارگاه، بیات و فنون آواز جهت انتخاب ملودی متناسب با مراسم مذهبی.

م) آشنایی با ادبیات و اوزان شعر فارسی

شامل دروسی درباره قواعد دستوری، آشنایی مختصر با متون مقاتل فارسی، سبک‌های شعر فارسی، آشنایی با اوزان عروضی.

ن) آشنایی با احادیث

شامل دروسی پیرامون انواع حدیث، کتب اصلی و مشهور روایی شیعه، شرایط و صلاحیت‌های لازم برای استفاده از احادیث، ارائه بخشی از عقاید شیعه در قالب احادیث.

س) تاریخ مداحی و شعر آیینی

شامل دروسی در خصوص سیر مداحی در تاریخ شیعه، شاعران و اشعار آیینی آن.

ع) تاریخ و آسیب‌شناسی مناسبت‌های

دینی شامل بررسی سیر تحول مراسم آیینی و انواع آسیب‌های آن، مسئله قمه، مقاتل تحریفی، مراسم بی‌اصل و غیر مفید، سبک‌های جدید - فواید و مضرات -

ف) مدیریت هیئت

شامل آشناسازی مداحان با اصول حاکم بر هیئت و ویژگی‌های مدیر هیئت، وظایف او، قوانین سازمان تبلیغات درباره هیئت و ...

ص) جریان‌شناسی فرهنگی - اعتقادی

فرق ۱

شامل دروسی درباره عقاید و برخی از احکام اهل سنت - فرقه‌هایی که در ایران هستند - اشاراتی درباره وضعیت تبلیغی و هابیت و دیگر انشعابات داخل اسلام که در استان‌ها کشور صاحب نفوذند ...

ق) جریان‌شناسی فرهنگی - اعتقادی

فرق ۲

شامل دروسی درباره عقاید و نیز اشاراتی درباره وضعیت تبلیغی و برخی از احکام ادیان غیر اسلام و نیز فرقه‌های نوظهوری که در ایران هستند، نظیر بهائیت، عرفان‌های کاذب، مسلک‌های نوظهور و معنویت‌گرا و ...

ر) فنون عملی مداحی ۱

شامل تدریس عملی روش‌های شروع، ادامه و ختم مداحی متناسب با زمان و مکان، آموزش سبک‌های مختلف عزاداری، مولودی، مجالس ختم و ...

ش) فنون عملی مداحی ۲

شامل تدریس عملی روش‌های شروع، ادامه و ختم مداحی متناسب با زمان و

مکان، آموزش سبک‌های مختلف عزاداری، مولودی، مجالس ختم و ...

ت) فنون عملی مداحی ۲

تدریس عملی روش‌های شروع، ادامه و ختم مداحی متناسب با زمان و مکان، آموزش سبک‌های مختلف عزاداری، مولودی، مجالس ختم و ...

ث) فنون عملی مداحی ۴

تدریس عملی روش‌های شروع، ادامه و ختم مداحی متناسب با زمان و مکان، آموزش سبک‌های مختلف عزاداری، مولودی، مجالس ختم و ...

خ) روخوانی و روان‌خوانی قرآن

شامل آموزش‌هایی که طی آن مخاطب با طریقه صحیح روخوانی قرآن کریم آشنا شود و پس از طی دوره به‌طور نسبی خواهند توانست، قرآن کریم را به صورت صحیح و شمرده قرائت نمایند.

ذ) فصیح‌خوانی قرآن

شامل سلسله دروسی که طی آن مخاطب بتواند کلمات قرآن کریم را پشت سر هم و به صورت نسبتاً روان با رعایت نحوه وقف بر آخر عبارات قرآنی بخواند (روان‌خوانی). حرفی را که با زبان عربی تلفظی متفاوت با زبان فارسی دارند به‌طور متمایز تلفظ نمایند (تجوید در حد نماز). حمد و سوره و اذکار نماز را هم از نظر اعراب و هم از نظر تلفظ حروف، به درستی قرائت نماید.

ظ) مقتل‌شناسی

شامل تاریخچه مقاتل و میزان وثاقت آنها از مقتل ابی مخنف تا مقاتل جدید - آسیب‌شناسی مقاتل -

ض) مقتل خوانی (عملی)

غ) آشنایی با اماکن زیارتی، شامل دروسی درباره مکان‌های زیارتی، حرمین شریفین، اعقاب مقدسه و مشاهد مشرفه.

اب) آشنایی با ادبیات و اشعار ولایی محلی

شامل دروسی درباره ادبیات و اشعار ولایی که در گویش محلی مردم استان جاری بوده است مثلاً در آذربایجان این درس با محوریت زبان ترکی، در کردستان زبان کردی و ...

اج) اندیشه‌های سیاسی امام و رهبری

شامل مباحثی پیرامون اصول و مبانی انقلاب اسلامی، رؤس نقطه‌نظرات امام راحل، وصیت‌نامه امام و رؤس نظرات مقام معظم رهبری با تأکید بر دیدگاه‌های فرهنگی.

ردیف	نام درس	تعداد واحد	منبع پیشنهادی تدریس	ملاحظات
۱	تاریخ اسلام ۱	۲	تاریخ تحلیلی اسلام، جعفر شهیدی خلاصه فروغ ابدیت، جعفر سبحانی	
۲	تاریخ اسلام ۲	۲	سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی	
۳	تاریخ اسلام ۳	۲	سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی زندگانی امام حسین، هاشم رسولی محالاتی تتمه المنتهی، شیخ عباس قمی	
۴	تاریخ و شناسایی مقائل	۲	ثارالله، حسین عدلیب تحریف شناسی عاشورا؛ عاشورا پژهی محمد صحتی	
۵	روخوانی و روان خوانی*	۲	کتاب آموزش روخوانی و روان خوانی «نور» تألیف محمد خواجوی، احمد حاجی کتاب آموزش روخوانی قرآن کریم تألیف علی حبیبی	خواندن روان و صحیح قرآن کریم را با تلفظ صحیح حروف قرآن کریم و نماز (۱۰ حرف متمایز المخرج) پس از طی دوره
۶	فصح خوانی قرآن*	۲	کتاب های آموزش تجوید پایه مانند حلیة القرآن ۱	تجوید پایه شامل: (مخارج حروف ده گانه، صفات استعلاء و استفال، قلقله، لین، احکام تفخیم و ترقیق، میم و نون ساکنه، مد، وقف و ابتداء و سکت
۷	مفاهیم قرآن ۱	۲	کتاب «آموزش مفاهیم قرآن» جلد ۱ و ۲ مسعود و کیل	آموزش ترجمه و لغات و عبارات قرآنی و نکات صرفی
۸	مفاهیم قرآن ۲	۲	کتاب «آموزش مفاهیم قرآن» جلد ۱ و ۲ مسعود و کیل	آموزش ترجمه و لغات و عبارات قرآنی و پاره ای از نکات صرفی
۹	مفاهیم ادعیه	۲		آموزش ترجمه و لغات و عبارات و پاره ای از نکات صرفی ادعیه مشهور
۱۰	احکام	۲	۱۳ رساله مرجع	
۱۱	عقاید ۱	۲	آموزش عقاید، ناصر مکارم شیرازی آموزش عقاید، محمدتقی مصباح	
۱۲	عقاید ۲	۲	آموزش عقاید، ناصر مکارم شیرازی آموزش عقاید، محمدتقی مصباح	
۱۳	آشنایی با دستگاه های موسیقی (عملی)	۴	هنر مرثیه خوانی ۱، مهدی امین فروغی	
۱۴	اخلاق مداحی ۱	۲	کتاب های اخلاقی مشهور: لوء و مرجان محدث نوری	

۱۵	آشنایی با ادبیات فارسی و اوزان شعری	۲	سبک‌شناسی محمدتقی بهار ادبیات آیینی، علی معلم ۱
۱۶	تاریخ مداحی و شعر آیینی شیعی	۲	رسانه شیعه، محسن حسام مظاهری
۱۷	مدیریت هیئت*	۲	مهندسی مجدد هیئت مذهبی، قاسم واتقی
۱۸	تاریخ و آسیب‌شناسی مناسبت‌های دینی	۲	تحریرشناسی عاشورا؛ عاشورا پژوهی محمد صحتی رسانه شیعه، محسن حسام مظاهری آسیب‌شناسی دینی در نهضت عاشورا استاد رضانی
۱۹	فنون مداحی (عملی) ۱	۴	
۲۰	فنون مداحی (عملی) ۲	۴	
۲۱	فنون مداحی - مولودی - (عملی) ۳	۴	
۲۲	فنون مداحی - مقتل - (عملی) ۴	۴	
۲۳	مقتل خوانی (عملی)	۲	
۲۴	آشنایی با امکان‌های زیارتی*	۲	صراط الهدایه، حسین باقری
۲۵	آشنایی با احادیث	۲	علم‌الحديث، محمدکاظم شانه‌چی حدیث‌پژوهی جلد ۱ مهدی مهریزی
۲۶	جریان‌شناسی فرهنگی - اعتقادی فرق ۱	۴	ملل و نحل، جعفر سبحانی فرق و مذاهب کلامی علیرضا ربانی گلپایگانی آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، برنج‌کار
۲۷	جریان‌شناسی فرهنگی - اعتقادی فرق ۲*	۴	آفتاب و سایه‌ها، محمدتقی فعالی
۲۸	آشنایی با ادبیات و اشعار محلی*	۴	
۲۹	اندیشه‌های سیاسی امام و رهبری	۴	وصیت‌نامه حضرت امام کتاب انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن
۳۰	جمع	۷۶	۱۶ واحد اختیاری، ۶۰ واحد الزامی *علامت دروس اختیاری



کاردانی حرفه‌ای مدیحه و مرثیه‌سرایی

مؤسسه فرهنگی و هنری هدایت

پوریا شیرآشینی

دوره کاردانی حرفه‌ای
مدیحه و مرثیه‌سرایی

دوره کاردانی حرفه‌ای «مدیحه و مرثیه‌سرایی» از سال ۱۳۹۱ ش. در مرکز آموزش علمی و کاربردی «مؤسسه فرهنگی و هنری هدایت» ارائه می‌شود. در نظام آموزشی دانشگاه جامع علمی کاربردی، دوره کاردانی حرفه‌ای مبتنی بر نظام واحدی و متشکل از مجموعه‌ای از دروس نظری و مهارتی است که با توجه به قابلیت‌ها و توانمندی‌های مشترک و حرفه‌ای به ۲ بخش «آموزش در مرکز مجری» و «آموزش در محیط کار» تقسیم می‌شود.

دانشگاه جامع علمی کاربردی تنها متولی نظام آموزش عالی علمی و کاربردی است که زیر نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اداره می‌شود. هدف دانشگاه جامع فراهم آوردن موجداتی است که موجب مشارکت سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی دولتی و غیردولتی برای آموزش نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور می‌شود؛ به نحوی که دانش‌آموختگان بتوانند برای فعالیتی که به آنها محول می‌شود، دانش و مهارت لازم را کسب کنند.

در پورتال دانشگاه علمی و کاربردی به آدرس: <http://www.uast.ac.ir/SitePages/aboutuniversity.aspx> تصریح شده است: «دانشگاه جامع

مسئولیت برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، پشتیبانی‌های کارشناسی، عملیاتی، اطلاعات و سیاست‌گذاری‌های کلان و نیز نظارت و ارزش‌یابی مراکز و مؤسسات علمی و کاربردی را بر عهده دارد.»

بنا بر این مداحی که فقط
نوحه می‌خواند هنوز
به‌طور کامل مورد تأیید
ابا عبدالله علیه‌السلام
نیست و هنوز چیزهایی کم
دارد

مجموع واحدهای هر دوره کاردانی حرفه‌ای رشته مدیحه و مرثیه‌سرایی بین ۶۸ تا ۷۲ واحد و مجموع ساعات آن ۱۷۵۰ تا ۲۱۰۰ ساعت است. این دوره آموزشی در طول حداقل ۲ و حداکثر ۳ سال قابل اجراست. این دوره به دوروش نیم‌ساله و بودمانی به شرح زیر اجرا می‌شود:

۱. آموزش در مرکز مجری:

بخش آموزش در مرکز مجری شامل ۶۳ تا ۶۷ واحد، معادل ۱۲۵۰ تا ۱۵۵۰ ساعت است. هر واحد نظری معادل ۱۶ ساعت، هر واحد آزمایشگاهی معادل ۳۲ ساعت، هر واحد کارگاهی و پروژه معادل ۴۸ ساعت است. در موارد خاص دروس آزمایشگاهی و کارگاهی

یک واحدی رامی‌توان به ترتیب ۴۸ و ۶۴ ساعت در نظر گرفت.

۲. آموزش در محیط کار:

این بخش از آموزش عبارت است از مجموعه فعالیت‌هایی که دانشجوی به منظور تسلط عملی و درک کاربردی از آموخته‌های خود در آغاز، حین و پایان دوره تحصیلی، در محیط کار واقعی انجام می‌دهد. این بخش شامل یک درس کاربینی و ۲ درس کارورزی در مجموع به میزان ۵ واحد، معادل ۵۱۲ ساعت است. هر واحد کاربینی معادل ۳۲ ساعت و هر واحد کارورزی معادل ۱۲۰ ساعت است.

بنا بر اظهارات مدیر گروه آموزشی مرکز علمی و کاربردی مؤسسه فرهنگی و هنری هدایت، فرهاد سلیمی، تلاش‌های ایشان برای تأسیس این رشته آموزشی از سال ۱۳۸۸ ش. شروع شد. در ابتدا ایشان سعی کردند آموزش این رشته تخصصی را از طریق دانشگاه سوره پیگیری کنند؛ اما نتیجه‌ای نگرفتند؛ سپس با همکاری و همراهی آقای «مجمع» از مسئولان دانشگاه علمی کاربردی و رئیس مرکز آموزش علمی و کاربردی «مؤسسه فرهنگی و هنری مجمع» این رشته تحصیلی در دانشگاه علمی کاربردی تصویب شد.

فرهاد سلیمی که در این مرکز آموزشی ردیف‌های آوازی ایرانی را تدریس می‌کند، محتوای آموزشی این دوره را شامل ۳۳ در صد موسیقی، ۲۵ در صد مداحی و مابقی علوم قرآنی نظیر اخلاق و جامعه‌شناسی و... معرفی می‌کند. در حال حاضر (نیم‌سال

دوم تحصیلی سال ۱۳۹۲ ش. ۰) ترم چهارم این دوره در حال اجراست.

استاد رديف‌های آوازی ایرانی در مؤسسه فرهنگی و هنری هدایت در خصوص روند تأسیس این رشته در دانشگاه جامع علمی کاربردی می‌گوید: «واحد‌های درسی این رشته تا مقطع کارشناسی تصویب شده است. پیش از این، اینجانب در مرکز آموزشی «بیت‌الزهر» در حدود ۱۲۰ واحد درسی برای این رشته طراحی کرده بودم. در سال ۱۳۸۹ ش. با همکاری جناب آقای مجمع سرفصل‌ها را نوشتم و به دانشگاه علمی کاربردی ارائه کردیم. در پایان سال ۱۳۹۰ ش. در دانشگاه علمی کاربردی حضور پیدا کردیم و از طرح در سه نوبت دفاع کردیم؛ سپس این رشته در دانشگاه علمی کاربردی تصویب شد و در سال ۱۳۹۱ ش. دانشجویان جذب شدند و کار تدریس شروع شد.

در حال حاضر این رشته در سطح کاردانی ناپیوسته تدریس می‌شود و مقطع کارشناسی آن نیز تصویب شده است؛ فارغ‌التحصیلان مقطع کاردانی می‌توانند در کنکور شرکت کنند و در صورت قبولی می‌توانند در مقطع کارشناسی ادامه تحصیل دهند. زمینه‌سازی برای شرکت سایر فارغ‌التحصیلان رشته‌های دیگر برای ادامه تحصیل در دوره کارشناسی ناپیوسته رشته مدیحه و مرثیه‌سرایی نیز از برنامه‌هایی است که روی آن کار می‌کنیم.»

بنا بر اظهارات مدیر گروه آموزشی دوره کاردانی مدیحه و مرثیه‌سرایی در مرکز علمی و کاربردی مؤسسه فرهنگی و هنری هدایت برای برخی از دروس این رشته کتاب‌های مشخصی معرفی شده است و برخی دروس هم با جزواتی که استادان در کلاس ارائه می‌دهند تدریس می‌شود. تا پایان امسال چند کتاب و سی‌دی آموزشی تألیفی ایشان در اختیار علاقه‌مندان و دانشجویان این رشته قرار می‌گیرد. کتاب‌هایی که در خصوص موسیقی، فن بیان و صداسازی معرفی شده‌اند به‌طور اختصاصی برای مداحان تألیف شده‌اند و سایر علاقه‌مندان به موسیقی نیز می‌توانند از آنها بهره ببرند. با سی‌دی‌های آموزشی‌ای که به همراه هر کتاب ارائه شده، کتاب‌ها طوری تدوین و تألیف شده‌اند که علاقه‌مندان می‌توانند به‌طور خودآموز نیز از آنها استفاده کنند.

رئیس مرکز آموزش علمی و کاربردی مؤسسه فرهنگی و هنری مجمع، آقای «مجمع» درباره روند پیگیری‌های منتج به تأسیس این رشته می‌گوید: «پیشنهاددهنده تأسیس این رشته در مقطع کاردانی و

کارشناسی در سال ۱۳۸۴ ش. مجموعه ما بوده است؛ سپس در سال ۱۳۸۵ ش. مجوز را از دانشگاه علمی کاربردی گرفتیم و در سال ۱۳۹۰ ش. مصوب شد؛ سپس در سال ۱۳۹۱ ش. این رشته به «حاج شیخ حسین انصاریان»، رئیس مؤسسه فرهنگی و هنری هدایت واگذار شد؛ که هم‌اکنون چند دوره است که در مقطع کاردانی محصل می‌گیرد. در اصل پیشنهاد، طراحی و تدوین دروس این رشته حاصل تلاش‌های مجموعه‌های «مرکز آموزش علمی کاربردی فرهنگ و هنر واحد ۲۲»، «مرکز آموزشی علمی کاربردی صنعت جهانگردی تهران ۲»، «مؤسسه فرهنگی و هنری مجمع» و «انجمن خدمات پژوهشی و تحقیقاتی اوراسیا» است. فارغ‌التحصیلان این رشته به عنوان ذاکر اهل بیت علیهم‌السلام می‌توانند در مجالس عزاداری و مولودی‌خوانی‌ها به خواندن اشعار و ذکرهای مذهبی و به خواندن ادعیه مذهبی بپردازند.»

رئیس مؤسسه فرهنگی و هنری مجمع که در طراحی و تدوین متون آموزشی این رشته مشارکت داشته است، در خصوص اهمیت و ضرورت تأسیس این رشته و درباره توانمندی‌های فارغ‌التحصیلان دوره کاردانی حرفه‌ای مدیحه و مرثیه‌سرایی موارد زیر را برمی‌شمرد:

ضرورت و اهمیت:

- ۱- استانداردسازی مرثیه‌سرایی و مدیحه‌سرایی بر اساس واقعیت‌های تاریخی مورد تأیید
- ۲- یکسان‌سازی و هماهنگ نمودن مطالب ارائه شده در مراسم مذهبی
- ۳- برنامه‌ریزی هدفمند برای برگزاری مراسم مذهبی جذاب برای قشر جوان و علاقه‌مند
- ۴- ارائه فرهنگ اصیل اسلامی در مراسم

قابلیت‌ها و مهارت‌های مشترک

فارغ‌التحصیلان:

- الف) گزارش نویسی و مستندسازی
- ب) ارائه گزارش نتایج کار و جریان فعالیت‌ها (Presentation)
- ج) انجام کار گروهی
- د) طبقه‌بندی و پردازش اطلاعات
- ه) بهره‌گیری از رایانه
- و) برقراری ارتباط مؤثر در محیط کار
- ز) سازماندهی و اداره کردن افراد تحت سرپرستی و آموزش آنها
- ح) خودآموزی و یادگیری مستمر در راستای بالندگی شغلی

- ط) ایجاد کسب و کارهای کوچک و کارآفرینی
- ی) رعایت اخلاق حرفه‌ای و تنظیم رفتار سازمانی
- ک) اجرای الزامات بهداشت، ایمنی و محیط زیست (HSE)
- ل) تفکر نقادانه و اقتضایی
- م) خلاقیت و نوآوری

قابلیت‌ها و توانمندی‌های حرفه‌ای

فارغ‌التحصیلان:

- ۱- آشنایی با مخاطبان
- ۲- آشنایی با اصول و مبانی خواندن
- ۳- آشنایی با اصول آراستگی
- ۴- آشنایی با صدا و فن بیان
- ۵- یادگیری و روخوانی قرآن
- ۶- روخوانی دعاهای مختلف
- ۷- یادگیری گوشه‌ها و دستگاه‌های آوازی مختلف ایرانی
- ۸- آشنایی با وقایع تاریخ اسلام
- ۹- اجرای برنامه‌های مذهبی با توجه به ایام مختلف مذهبی
- ۱۰- آشنایی با مراسم و مسائل دینی و مذهبی
- ۱۱- آشنایی با نواهای مذهبی
- ۱۲- یادداشت‌برداری و حفظ ذکرهای ایام مختلف مذهبی
- ۱۳- ارائه وقایع تاریخی با استناد به اسناد و مدارک معتبر از طریق مرثیه و مدیحه
- ۱۴- اشاعه فرهنگ اصیل اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم در سطح جامعه
- ۱۵- ارتقاء سطح معنوی و عرفانی آحاد مردم به خصوص جوانان
- ۱۶- آشنایی با روش‌های مدیریت و کنترل مراسم مذهبی
- ۱۷- آشنایی با سبک‌های مرثیه
- ۱۸- آشنایی با سبک‌های مدیحه
- ۱۹- آشنایی با سبک‌های مصیبت
- ۲۰- آشنایی با سبک‌های نوحه
- ۲۱- آشنایی با سبک‌های روضه
- ۲۲- آشنایی با سبک‌های منقبت
- ۲۳- توانایی برگزاری و اجرای مرثیه
- ۲۴- توانایی برگزاری و اجرای مدیحه
- ۲۵- توانایی برگزاری و اجرای مصیبت
- ۲۶- توانایی برگزاری و اجرای نوحه
- ۲۷- توانایی برگزاری و اجرای روضه
- ۲۸- توانایی برگزاری و اجرای منقبت
- ۲۹- توانایی برگزاری و اجرای مراسم مذهبی و ذکر مصیبت
- ۳۰- توانایی برگزاری و اجرای مراسم عزاداری و سینه‌زنی
- ۳۱- توانایی برگزاری و اجرای مراسم دعاخوانی

محیط ۶ تا ۹ پودمان است. دروس عمومی و مهارت‌های مشترک به ارزش ۲۰ واحد بر اساس محدوده زمانی تعریف شده برای هر پودمان بین ۱۶۰ تا ۴۸۰ ساعت در پودمان‌های پایه و تخصصی در قالب جدول نحوه اجرای پودمان‌ها ارائه می‌شود. مشخصات پودمان‌های این دوره کاردانی حرفه‌ای به شرح زیر است:

۴- همه تجهیزات، وسایل و امکانات مصرفی مورد نیاز برای این رشته و موارد مرتبط با بازدیدها و بیمه‌های مورد نیاز را دانشجویان تهیه می‌کنند.
تعداد پودمان‌های هر دوره کاردانی حرفه‌ای مدیحه و مرثیه‌سرایی در مرکز علمی و کاربردی مؤسسه فرهنگی و هنری هدایت با احتساب پودمان‌های کار در

ضوابط و شرایط پذیرش دانشجویان در این رشته عبارتند از:

- ۱- دارا بودن مدرک تحصیلی دیپلم متوسطه (نظام قدیم یا جدید، فنی و حرفه‌ای یا کاردانش)
- ۲- دارا بودن شرایط عمومی تحصیل در نظام آموزش عالی
- ۳- داشتن سلامت کامل جسمانی و روحی

دوره کاردانی حرفه‌ای مدیحه و مرثیه‌سرایی

مشخصات پودمان‌ها

پودمان	پیش‌نیاز	ساعت			تعداد واحد	نام درس	نام پودمان	ردیف
		جمع	عملی	نظری				
-	-	۲۲	۲۲	-	۱	کاربینی	پایه	۱
	-	۲۲	-	۲۲	۲	جامعه‌شناسی عمومی		
	-	۱۶	-	۱۶	۱	کاربرد فیزیک صوت در مداحی		
	-	۲۲	-	۲۲	۲	آشنایی با گام‌های موسیقی		
	-	۲۲	-	۲۲	۲	سرایش و تربیت شنوایی		
	-	۴۸	۲۲	۱۶	۲	ردیف‌های آواز ایرانی - شور		
پایه	-	۲۲	-	۲۲	۲	اصول آراستگی	فن بیان	۲
	-	۲۲	-	۲۲	۲	فن بیان		
	-	۲۲	۲۲	-	۱	مدلسازی		
	-	۲۲	-	۲۲	۲	علم عروض		
-	-	۴۸	۲۲	۱۶	۲	ردیف‌های آواز ایرانی - ابوعطا		
-	-	۲۴۰	۲۴۰	-	۲	کارورزی ۱	کار در محیط ۱	۳
پایه	-	۱۶	-	۱۶	۱	یزشک، ایرام، و بهداشت فردی	اسلام‌شناسی	۴
	-	۲۲	-	۲۲	۲	مخاطب‌شناسی		
	-	۲۲	-	۲۲	۲	دستور زبان عربی		
	-	۲۲	-	۲۲	۲	تاریخ و مبانی تشیع		
	-	۴۸	۲۲	۱۶	۲	ردیف‌های آواز ایرانی - دشتی		
-	-	۴۸	۲۲	۱۶	۲	اصول مداحی		
پایه	-	۲۲	۲۲	-	۱	روخوانی و روان‌خوانی قرآن	قرآن‌شناسی	۵
	-	۲۲	۲۲	-	۱	تجوید قرآن		
	-	۲۲	۲۲	-	۱	صوت و لحن قرآن		
	-	۲۲	-	۲۲	۲	آشنایی با بصیرت جامع		
	-	۴۸	۲۲	۱۶	۲	ردیف‌های آواز ایرانی - افشاری		
	-	۲۲	۲۲	-	۱	مولودی خوانی		
پایه	-	۲۲	-	۲۲	۲	آشنایی با داستان‌های قرآن	آشنایی با متون تشیع	۶
	-	۲۲	-	۲۲	۲	آشنایی با سیره ائمه علیهم‌السلام		
	-	۲۲	-	۲۲	۲	مقتل‌شناسی پایه		
	-	۲۲	۲۲	-	۱	آشنایی با دعا و متون ادعیه		
	-	۲۲	۲۲	-	۱	آشنایی با دستگاه‌های صوتی و تصویری		
	-	۴۸	۲۲	۱۶	۲	ردیف‌های آواز ایرانی - بیات ترک		
-	-	۲۴۰	۲۴۰	-	۲	کارورزی ۲	کار در محیط ۲	۷

دعبل: شما در نشست هم‌اندیشی دربارهٔ تأسیس رشته تخصصی مداحی در دانشگاه که در بنیاد دعبل خزاعی برگزار شد، تأکید کردید که با دانشگاهی شدن آموزش در حوزه مداحی مخالف هستید؛ اما عملاً این رشته در دانشگاه علمی و کاربردی تأسیس و با پودمان‌هایی که تعریف شده، آموزش داده می‌شود. با توجه به این که مجموعه‌های دیگری نیز پیگیر تأسیس رشته تخصصی مداحی با روش‌های دانشگاهی هستند، شما توجه به چه ملاحظاتی را در این زمینه لازم می‌دانید؟

تصمیم‌گیرندگانی که در این حوزه تصمیم می‌گیرند، قطعاً قبل از تصمیم‌گیری کارشناسی می‌کنند و نظرهای موافق و مخالف را می‌شنوند. شاید در جمع‌بندی دربارهٔ این موضوع به این نتیجه رسیده باشند که دانشگاهی شدن آموزش در حوزه مداحی به توسعه و پیشرفت آن کمک می‌کند؛ اما ماهیت مداحی به روشنی مربوط به حوزه است. بزرگان ما در این خصوص می‌گویند، این علوم مربوط به علوم آل محمد - علیه‌السلام - است و باید در حوزه آموزش داده شود. مداحی متناسب با حوزه است و چیزی جدا از حوزه نیست.

عزیزانی که این تصمیم را گرفته‌اند، شاید به توسعه این عرصه فکر کرده‌اند؛ اما در این باره سؤال می‌شود که نظر علما، فقها و بزرگان دینی در این عرصه چه می‌شود؟ دانشگاهی شدن آموزش در عرصه مداحی از غریب است. این عزیزان با کدام بزرگان دینی مشورت کرده‌اند؟ از کدام علما نظر خواهی کرده‌اند؟

برای من جای سؤال است که از دانشگاه چه خروجی‌ای برای مداحی درمی‌آید؟ فضای مداحی فضای عشق و غرق شدن در ولایت است؛ اما دانشگاه اقتضات خودش را دارد. آیا دانشگاه می‌تواند فضای مناسب برای آموزش در این عرصه را داشته باشد؟ به نظر من از حیث روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بعید و عجیب است.

دعبل: اما الان در بخشی از حوزه همین علوم جامعه‌شناسی و روان‌شناسی تدریس می‌شود و تقریباً با روش‌های دانشگاهی با این علوم برخورد می‌شود؟ ما با آمیختگی مخالف نیستیم. تأکید من دربارهٔ فضای آموزش است. آمیختگی علم هر کجا باشد، اشکالی ندارد. شما اگر به علوم حوزوی درس کامپیوتر یا زبان انگلیسی را اضافه کنید، هیچ‌کس ناراحت نمی‌شود؛



شیوه دانشگاهی آموزش مداحی باعث دل‌زدگی مداحان خواهد شد

مداحی عرصهٔ آزمون و خطا نیست

پوریا شیرآشینی

گفت‌وگو با عباس دلجو

«عباس ویجویی (دلجو)» عضو هیئت علمی سازمان بسیج مداحان و هیئت رزمندگان است و از بدو تأسیس با این سازمان همکاری می‌کند. دلجو از سال ۱۳۷۰ ش. زیر نظر لشکر ۲۷ سپاه محمد رسول‌الله در یادگان امام حسن - علیه‌السلام - به کار آموزش مداحی مشغول بوده و هم‌زمان با این کلاس‌ها با همکاری حوزه هنری در آن زمان، در مساجد بزرگ تهران مشغول آموزش مداحی بوده است. حاصل این درس‌ها کتابی است به نام «جامع المعارف مداحی اهل بیت علیه‌السلام» که «هادی اشرف‌الکتابی» مطالب آن را گردآوری و از طرف مجمع ستایشگران ولایت آن را چاپ و توزیع کرده است.

در اولین نشست هم‌اندیشی دربارهٔ موضوع تأسیس «رشته تخصصی / دانشگاه مداحی» که سه‌شنبه، شانزدهم مهرماه ۱۳۹۲ ش. در بنیاد دعبل خزاعی برگزار شد، ایشان مخالفت خود را با دانشگاهی شدن آموزش در حوزه مداحی مطرح کرد و دلایلی را برشمرد. در گفت‌وگویی با ایشان موضوع را کمی بیشتر بررسی کرده‌ایم؛ که به استحضار می‌رسد:

در اغلب کتاب‌های آموزشی، مؤلفان تلاش می‌کنند شخصیت علمی خودشان را معرفی کنند؛ اما این کارها نقد و بررسی نمی‌شود و هیچ مجموعه‌ای دقت علمی و صحت محتوای این آثار را نقد و بررسی نمی‌کند. من تاکنون کتابی را سراغ ندارم که مورد تأیید همه بزرگان این عرصه باشد. اغلب کتاب‌ها نظرها، عقاید و استنباط مؤلف را نشان می‌دهد؛ اما این که آیا همه محتوای این کتاب‌ها صحیح و طبق اصول فنی است؟ بحثی است که به آن نپرداخته‌اند. به نظر من منابع آموزشی حتماً باید طبق استانداردهای علمی و مهارتی حوزه و دانشگاه تدوین شود؛ نه این که حاصل تحقیق یک فرد خاص باشد.

دکابل: آیا با منابع و مآخذی که در حال حاضر وجود دارد، امکان تهیه جزوات و کتاب‌های آموزشی هست یا در این عرصه به تألیف کتب نیازمند هستیم؟

اکثر کتاب‌هایی که تاکنون برای آموزش مداحی تألیف شده ایرادهایی دارند. محتوای اغلب این کتاب‌های گردآوری شده از حیث اعتبار و وحدت موضوع و محتوا منسجم نیستند. سرفصل‌ها، موضوعات آموزشی برای مداحان نیازمند استانداردسازی است. در حال حاضر نه منابع آموزشی و نه خود جلسات مداحی استاندارد نشده‌اند. چه کسی تعیین کرده است که استادی که الان در این حوزه تدریس می‌کند واجد شرایط لازم است؟

باید حتماً دوره‌ای مثل تربیت معلم و مدرس برای این رشته خاص در نظر گرفته شود و همانند آموزش و پرورش نظام آموزشی معینی داشته باشد. مثلاً ممکن است، استادی واجد تعلیم در حوزه مقتل باشد؛ اما چرا در حوزه صدا و نغمات هم تدریس می‌کند؟ چه کسی این صلاحیت را تأیید کرده است؟ به این ترتیب می‌بینیم که اثری ارائه می‌شود و استادان موسیقی درباره آن می‌گویند که این اثر اشکالات فراوانی دارد. به نظر من ارگانی باید وارد این حوزه شود و بر تهیه آثاری از این قبیل نظارت داشته باشد؛ چون این آثار بعضاً موجب استناد و الگودهی می‌شوند.

دکابل: اگر چنین نهادی ایجاد شود و همه استانداردهای لازم را هم فراهم کند، چند درصد از منابع مورد نیاز آموزش در حوزه مداحی را می‌توان با گردآوری از منابع و مآخذ موجود تهیه کرد و چند درصد نیازمند تألیف است؟

۲۰ درصد مطالب را می‌توان از آثار موجود

من مخالف دانشگاه و علوم دانشگاهی نیستم؛ اما از حیث عقلی و نقلی نمی‌توانم بپذیرم که آموزش مداحی دانشگاهی شود. شما وقتی به مداح می‌گویید که وارد دانشگاه بشود، او را در یک روند آموزشی مبتنی بر اجبار گرفتار می‌کنید؛ مثلاً اگر کسی بخواهد در رشته تاریخ تحصیل کند، متأسفانه باید در کنار آن چند واحد زبان انگلیسی - که به آن علاقه‌ای ندارد - و واحدهای دیگری که متناسب با رشته او نیست، بخواند. مداحی نمی‌تواند چنین اجباری را بپذیرد. کسی که آمده وارد عرصه مداحی امام حسین - علیه السلام - شده، قطعاً با نگرش ولایی جلو آمده و ساختار خاصی را که در منابع درسی دانشگاهی تعریف می‌شود، بر نمی‌تابد. قطعاً شیوه دانشگاهی آموزش باعث دل‌زدگی او خواهد شد.

فضای مداحی فضای عشق و غرق شدن در ولایت است اما دانشگاه اقتضای خود را دارد آیا دانشگاه می‌تواند فضای مناسب برای آموزش در این عرصه را داشته باشد؟ به نظر من از حیث روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بعید و عجیب است

اگر آموزش مداحی را از شیوه سنتی آن منفک کنیم، به سمت شیوه‌ای می‌رویم که در آن با خلط محتوای قدیم با علوم جدید، مداحی به سمت مصنوعی شدن پیش می‌رود؛ یعنی یک مداح مصنوعی مدرکی تحویل جامعه می‌دهیم.

دکابل: برای این که این اتفاق نیفتد، چه راهکاری را پیشنهاد می‌کنید؟

در حوزه آموزش مداحان توجه به این نکته مهم است که آموزش باید مبتنی بر روش و برنامه‌ریزی دقیق و معینی باشد؛ نباید به طور سلیقه‌ای با این موضوع برخورد کرد. باید مجموعه‌ای روی منابع مورد نیاز برای آموزش در این حوزه کار کند و به یک جمع‌بندی درستی برسد. الان هر جا کلاسی هست طبق سلیقه و عقیده مدیر و استاد مدرس آن مجموعه است.

دکابل: منابع آموزشی موجود را در چه وضعیتی می‌بینید؟

اما این که فضای دینی عوض شود، یعنی فضای حوزوی به فضای دانشگاهی تبدیل شود، سؤال ایجاد می‌کند؛ این که این کار با چه هدفی دنبال می‌شود؟ چرا می‌خواهند فضای موضوعی را که ماهیت آن دینی است به فضای دیگری ببرند که اقتضای خودش را دارد؟ حوزه به نام دین است. ماهیت حوزه دینی است و بهترین فضا برای آموزش مداحی است. بیرون بردن مداحی از این فضا هیچ توجیه منطقی و درستی ندارد.

دکابل: پس ملاحظات شما فقط درباره فضای آموزش است؛ شما به شیوه و روش آموزش دانشگاهی در عرصه مداحی انتقادی ندارید؟

اصلاً شما به من بگویید مدرسه عالی شهید مطهری چه اشکالی دارد؟ از حیث علمی مداحی برای کسانی که دانشگاهی شدن مداحی را پیگیری می‌کنند، سخت است که این کار هم‌ردیف حوزه باشد؟ چرا این کار با پیگیری حوزه انجام نشود؟ من حساسیت‌های آنان را درک نمی‌کنم و نمی‌دانم چه کسانی و چرا سعی می‌کنند که این موضوع را از حوزه جدا کنند؟

هزار سال است که مردم پای منبرها مداح دیده‌اند؛ یعنی منبر و مداح با هم هستند و این ماهیت مداحی را می‌رساند. این تفکیک ماهیت چه معنایی دارد؟ چه کسی می‌تواند روضه را از منبر تفکیک کند؟ اما متأسفانه این کار انجام شده است.

دکابل: ان شاء الله در ادامه، این روند ختم به خیر می‌شود. من بعید می‌دانم

دکابل: چرا؟

دست کم می‌توانم بگویم که آفت‌های فراوانی خواهد داشت. مدرک‌گرایی از یک سو، ورود کسانی که واقعاً نباید به این عرصه ورود داشته باشند از سویی دیگر. این که کسانی بیایند و یک مدرک لیسانسی بگیرند و واقعاً مداح نباشند!

به نظر من مداحی چیزی شبیه به عشق است و باید پیدا شود. همه مداحی اکتسابی نیست؛ موهبتی است. بخش کمی از مداحی اکتسابی است؛ مابقی فطری است. من حتی از حیث روان‌شناختی «ژن» را هم در این وادی مؤثر می‌دانم. حتماً باید به لحاظ ذاتی ویژگی‌هایی در مداح وجود داشته باشد که مداح شود؛ و حتماً همین طور است. من امیدوارم که این دوستان در کار خود موفق باشند؛ اما عقلاً بعید می‌دانم که موفق شوند.



گردآوری کرد؛ و ۸۰ درصد دیگر را باید با کار کارشناسی طبق استانداردهای علمی حوزه و دانشگاه با نظر به نیازها تألیف کرد.

دعبل: به نظر شما الان یک هیئت علمی که بتواند این کار را انجام دهد در جامعه مداحی وجود دارد؟

در هر موضوع مداحی می توان از کارشناسان برجسته آن موضوع برای تألیف منابع مورد نیاز بهره برد؛ برای مثال در بحث الحان و نغمات باید به سراغ استادان این حوزه رفت. در بحث مقتل باید به سراغ مقتل شناسان و مقتل نویسان محقق رفت؛ البته صرف این که کسی در حوزه خاصی اثری ارائه کرده باشد، مجوز تأیید کار او نیست. باید ببینیم که اثر او تا چه اندازه متقن و مورد تأیید است.

یک هیئت علمی در زمینه مقتل، یک هیئت علمی در زمینه الحان و نغمات مداحی، یک هیئت علمی در زمینه ادبیات مداحی و... هر یک از این موضوعات برای خود یک هیئت علمی می خواهد؛ که اعضای آن هیئات علمی همه از محققان و صاحب نظران در جه اول علمی در این زمینه ها باشند که هم حوزه و هم دانشگاه آنها را به عنوان نخبه و در جه اول بشناسند.

دعبل: آیا امکان تشکیل این هیئت های علمی الان وجود دارد؟ از حیث منابع انسانی عرض می کنم.

ما افراد بزرگ و گمنامی در زمینه مقتل در قم داریم. وقتی «آیت الله جوادی آملی» مقتل «کوثر کربلا» را منتشر کند کارشناسانی را که درباره کتاب نظر داده اند را معرفی می کند. ببینید که چقدر اینها مهم اند که آقای جوادی آملی از ایشان نظر می گیرد؛ پس این افراد وجود دارند. وقتی بزرگانی نظیر آقایان: «پیشوایی»، «جعفریان» و «نظری منفرد» کتاب هایی را در زمینه تاریخ و مقتل ارائه کرده اند؛ آیا من می توانم چیز دیگری به آن اضافه کنم؟ شخیصت علمی برخی از این بزرگواران را هم دانشگاه و هم حوزه قبول دارد. فقط زیرکی یک بنیاد نیاز هست که این افراد را دور هم جمع کند. گروهی که هم دانشگاه ایشان را قبول دارد و هم حوزه.

دعبل: به عنوان آخرین سؤال اگر ملاحظه و نکته خاصی در حوزه آموزش مداحان وجود دارد که لازم است بر روی آن تأمل بیشتری داشته باشیم، بفرمایید.

با فدا کردن مداحی چیزی را تجربه نکنیم. اگر قرار است که تجربه ای کسب کنیم و بعد ببینیم که در آخر چه می شود، اشتباه است. این عرصه، عرصه آزمون و خطا نیست. به این ترتیب نمی توانیم جواب آیندگان را بدهیم. با آزمون و خطا ممکن است آسیب هایی را به وجود آوریم که به راحتی نتوان مرتفع کرد. شاید این جمله من خوشایند نباشد: کتاب های مختلف

اسلامی هزار سال است که در دست مخاطبانش قرار دارد؛ اما در زمینه مقتل مدام می گوییم که فلان مقتل در گذشته بوده؛ اما الان در دسترس نیست و وجود ندارد. صیانت از مقاتل و تاریخ عاشورا به عهده چه کسانی بوده، که درباره آن کوتاهی کرده اند؟ نکند ما نیز با دانشگاهی شدن مداحی، نتوانیم از مداحی سنتی حفاظت کنیم و صیانت داشته باشیم و به این تشکیلات آسیب وارد کنیم.

من فکر می کنم که به تاریخ عاشورا در طول تاریخ مکرراً ظلم شده است. ما باید مراقب باشیم که ما نیز مرتکب این کوتاهی نشویم. در دوران های مختلف کسانی سعی داشته اند که در این خصوص کاری کنند و قدمی بردارند؛ اما متأسفانه با نگرش های سلیقه ای. آزمون و خطا در حوزه مداحی جایز نیست و ممکن است که صدمات جبران ناپذیری به آن وارد کند. ما باید مواظب باشیم که مطابق با سلیقه های خودمان مداحی را به سمت وسویی نکشیم که برای تجربه کردن به یک نتیجه موفق یا ناموفق برسیم. به نظر من برای فعالیت در حوزه آموزش مداحی، توجه به این نکته خیلی مهم است؛ حالا فرقی نمی کند که گرایش ما به سمت شیوه های حوزوی باشد یا روش های دانشگاهی. ببینیم نتیجه کار در کدام شیوه قابل قبول است و رایحه طيبة عشق و ولایت را دارد.



عاشوراپژوهی؛ دانشی بدون دانشگاه

حامد طالبیان

درباره وضعیت موجود

واقضائات رشته‌ای بین رشته‌ای

دانشگاه به لحاظ تاریخی در اروپا بعد از دوره روشنگری و در مخالفت با استیلای کلیسای کاتولیک قرون وسطی شکل گرفته است و به همین دلیل در دنیا نهادی عموماً مدرن و سکولار است. شاید به همین دلیل بود که همزمان با انقلاب اسلامی، چالش انقلاب فرهنگی و نحوه مواجهه با دانشگاه به بحثی جدی در میان دانشگاهیان اسلام‌گرا تبدیل و سبب شد که بعد از سال‌ها تقلید از مدل‌های دانشگاهی آمریکایی و فرانسوی، دانشگاه ایرانی همچون بسیاری از کشورهای سرنوشت و تداومی ویژه یابد.

اگرچه نخستین تلاش‌ها برای تأسیس دانشگاه به شیوه امروزی به دوران رضاشاه و شکل‌گیری دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۲ ش. باز می‌گردد اما پس از انقلاب و به پیروی از گفتمان جدید وحدت حوزه و دانشگاه، نه تنها رشته‌های مدرنی چون اقتصاد و سیاست در حوزه‌ها شکل گرفت و به تربیت طلاب پرداخت، که رشته‌های مختلف سنتی حوزه نیز به دوره‌های دانشگاهی راه یافت. همزمان با گنجانده شدن دروس عمومی همچون معارف و اخلاق اسلامی در همه دوره‌های کارشناسی، رشته‌های

تخصصی حوزوی نیز در دانشگاه‌ها توسعه یافتند. به عنوان مثال، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران که معمولاً نماد کلیت آموزش عالی در ایران است، در سال ۱۳۱۳ ش. تأسیس شد و تا سال ۱۳۴۴ ش. با نام دانشگاه معقول و منقول فعالیت می‌کرد. شاید این دانشکده پاسخی تقلیل‌گرایانه به حضور علوم سنتی و بومی همچون فلسفه و کلام اسلامی در دانشگاه تازه تأسیس تهران بود. نخستین رئیس این دانشکده دکتر بدیع الزمان فروزانفر، یکی از قله‌های زبان و ادبیات فارسی است. پس از انقلاب این دانشکده به کانون تلاش‌های بسیاری از عالمان دینی نوگرا همچون شهید مفتاح، باهنر، طالقانی و بهشتی برای آشتی میان دانشگاه و اسلام تبدیل شده بود؛ امری که از شهادت دکتر مفتاح در سردر این دانشکده به دست گروهک فرقان و هنوز در صفحه اول سایت اینترنتی این دانشکده نیز مشهود است.

این دانشکده اکنون دارای ۹ گروه آموزشی و یک پژوهشگاه است. با این حال، تنها مرور این گروه‌های آموزشی این دانشکده همچون فقه و حقوق اسلامی، فلسفه و حکمت اسلامی، ادیان و عرفان و یا قرآن و حدیث نشان می‌دهد که شاید آموزش این

رشته‌ها در دانشگاه یا حوزه تفاوت ماهوی چندانی با یکدیگر نداشته باشد. در میان گروه‌های آموزشی این دانشکده شاید تنها گروه آموزشی «اخلاق حرفه‌ای» نامی ناآشنا به نظر برسد اما جای رشته‌هایی که بر اساس حوزه‌های مطالعاتی مانند قیام عاشورا یا خلافت حضرت علی علیه السلام شکل گرفته باشند، خالی است. اگر نپذیریم که دانشگاه و حوزه در سال‌های گذشته بیش از پیش به نهادهایی شبیه به یکدیگر می‌شوند، باید بار دیگر با این سؤال بغرنج مواجه شویم که حداقل در مقام نظر و فرض چه تفاوتی میان اهداف و برنامه‌های آموزشی و پژوهشی این دو نهاد وجود دارد؟

دانش یا دانشگاه؟

حتی دانشنامه‌های اینترنتی نیز گاه در بیان مفاهیم واژه‌ها چندان دقت به خرج نمی‌دهند. دانشنامه اینترنتی ویکی‌پدیا دانشگاه را با سه ویژگی داشتن دانشکده‌هایی در رشته‌های گوناگون دانش، داشتن تسهیلاتی برای پژوهش استادان و دانشجویان و اعطای رتبه‌های آموزشی به استادان و دانشجویان تعریف کرده است. این چنین تعاریفی که معمولاً رواج هم دارد، بیشتر ساختار صوری و اداری دانشگاه را تعریف می‌کند و بیش از آن که به درونه

عاشورا پژوهی: حضور دانش؛ غیاب
دانشگاه

واقعه عاشورا همواره یکی از مهم‌ترین رویدادهای هویت‌ساز برای شیعیان بوده است. تراژدی سوزناک مستتر در این واقعه تاریخی، پیوستگی تنگاتنگ این واقعه با جهان‌بینی سیاسی و اجتماعی شیعه و زنده نگاه داشته شدن این واقعه از طریق مجموعه گسترده و بی‌نظیری از آیین‌ها و مراسم آیینی در فرهنگ عامه تنها گوشه‌ای از ویژگی‌های بی‌مانند این واقعه در تاریخ تشیع و نقش بنیادین آن در هویت شیعیان است. این واقعه تا آنجا برای شیعیان مهم است که پژوهشگرانی چون غلامرضا گلی‌زواره در پاسخ به ویژگی‌های یک عاشورا پژوه بلافاصله با اتخاذ رویکرد تاریخی به این واقعه مخالفت می‌کنند و آن را با حرکت انبیاء مقایسه می‌کنند: «همان‌گونه که بعثت نبوی بوستان معنویت و فضیلت را در سرزمین توحید به شکوفایی، باروری و شکوه‌مندی رساند و جهان را از رایحه روح‌نواز آن برخوردار ساخت، حماسه حسینی به صیانت از این مجموعه منور پرداخت.»

مسلم است که ویژگی‌های گسترده و سترگ قیام عاشورا قلم‌زدن و پژوهش در این حوزه را پر مخاطره و دلهره‌آور می‌کند اما این چالش و دلهره مختص تنها پژوهشگران نیست. احتمالاً تمام خادمان ابا عبدالله الحسین از ذاکران و مداحان و تعزیه‌پردازان، تا مبلغان، علما و پژوهشگران چنین مسئولیت سنگینی را بر دوش خود احساس می‌کنند اما این دلهره سبب نشده است که عالمان اسلامی در حوزه‌های مختلف و از زوایای مختلف به تبلیغ پژوهش و نگارش در این زمینه نپردازند. محمد علی مجاهدی، عاشوراپژوه تمام‌عیار را کسی می‌داند که بتواند جامعه و عرف حاکم بر جامعه اسلامی زمان عاشورا را تجزیه و تحلیل کند، تاریخ اسلام خصوصاً سده‌های آغازین هجری را بشناسد، با ضوابط مقتل‌نگاری و نقد مقاتل آشنا باشد، نگاه آسیب‌شناسانه به تاریخ عاشورا داشته باشد و بتواند مطالب خرافه و گرافه را شناسایی کند، با مورخان اسلامی آشنایی داشته باشد و آثار منظوم و منثور عاشورایی خطی در کتابخانه‌های ممالک اسلامی خصوصاً ایران را تجزیه و تحلیل کند و به دانش پژوهان معرفی کند. او عاشوراپژوهی را مقوله‌ای چندبعدی می‌داند که عاشوراپژوهان، بر اساس تخصصی که دارند به یک یا دو وجه آن عنایت دارند. حجت الاسلام والمسلمین عقیقی



مرتب با کلام وحی و سنت پیامبر به تدریج شاخه‌های مختلف علوم اسلامی از کلام و فلسفه اسلامی تا فقه و حقوق اسلامی و تاریخ ادبیات عرب از صدر اسلام تا کنون ولو از طریق فرآیندهایی مجزا از آکادمی و دانشگاه به معنای امروزی آن متولد و توسعه یافته‌اند. بنابراین، خلاصه کلام این است که دانشگاه محلی برای دانش است و نه جایی که دانشجویان و استادان در آن حضور دارند. بنابراین، فرآیند توجه به دانش‌های نوین و کنار گذاشتن دانش‌های مخدوش و یا توجه کمتر به دانش‌های تثبیت شده در طول تاریخ همواره وجود داشته است. بر همین اساس است که می‌توان دانش‌ها و پارشته‌های دانشگاهی جدیدی را تصور کرد که یا تاکنون وجود نداشته است و یا پیش از این توجه ویژه‌ای به آن نشده است. شاید در زمینه دانش‌های اسلامی یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که هم‌زمان هم مورد توجه بوده است و هم نسبت به آن بی‌توجهی شده است، عاشورا و قیام ابا عبدالله الحسین علیه السلام باشد.

فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه اشاره کند، به طبقه‌بندی‌های سنتی از دانش موجود و فعالان هر عرصه اشاره می‌کنند. حال آن که به لحاظ تاریخی توسعه و گسترش دانش در بخش‌های مختلف دانش طبیعی و انسانی به شکل‌گیری رشته‌های تخصصی دانشگاهی منجر شده است. به لحاظ تاریخی از ریاضی و فیزیک علوم مهندسی، از مهندسی مکانیک و برق رشته‌های مهندسی تخصصی دیگر و از ادبیات و علوم اجتماعی رشته‌های مختلف علوم انسانی در خلال بیش از چهار قرن متولد و به تدریج به رشته‌های دانشگاهی مجزا تبدیل شده‌اند. بنابراین، فرض بر این است که دانش‌آموختگان رشته‌های گوناگون، با کسب دانش در رشته تخصصی خود آماده همکاری در فعالیت‌های مشترک برای توسعه مرزهای دانشی می‌شوند که بهبود سعادت و رفاه بشر را به دنبال دارد. کم و بیش همین قاعده تاریخی برای علوم انسانی نیز در خلال تاریخ اسلام وجود داشته است. به منظور توسعه دانش دینی

لیسانس، فوق لیسانس و دکتری با عنوان نظریه مارکسیستی دارند زیرا درست یا غلط، معتقدند که خیزش دوباره چین به عنوان یکی از ابرقدرت‌های جهانی به دنبال حضور مکتب مارکسیسم و انقلاب مائو امکان پذیر شده است. در آمریکا و کشورهای اروپایی نیز نه تنها می‌توان به رشته‌های دانشگاهی

این چینی همچون مطالعات خاورمیانه و اسلام‌شناسی اشاره کرد، می‌توان گفت که حتی رشته‌های دانشگاهی سنتی با چنین رویکردی در حال تجدید ساختار هستند. به عنوان مثال، به نظر می‌رسد که توسعه رشته‌های با عنوان هنر لیبرال در دانشگاه‌های مختلف آمریکا بر اساس این انگاره امکان پذیر شده است که به دنبال تحولات مختلف زیباشناختی و نقد هنری، امروزه یکی از معدود معیارهای مورد پذیرش غرب برای برتری هنر غربی بر دیگر گونه‌های هنری، تأکید آن بر ارزش‌های برتر غربی از جمله آزادی و انتخاب فردی است. بر مبنای چنین رویکرد جدیدی به نظر می‌رسد که باید بار دیگر اهداف، ضرورت‌ها و سؤالات پژوهشی مرتبط با قیام عاشورا را بار دیگر بازمی‌بینی کرد و برای آن برنامه پژوهشی و آموزشی جدید با رویکردی بین رشته‌ای تدارک دید.

برای راه‌اندازی چنین رشته‌ای یکی از راه‌ها تأکید بر حوزه‌های دانشی مختلف مرتبط با قیام عاشورا و گردآوری آن‌ها در رشته‌ای متمرکز است. به عنوان مثال، گلی زواره‌ای به رشته عاشورا پژوهی در سه محور توجه کرده است:

الف: جنبه‌های ذوقی، هنری، ادبی و نمایشی

ب: امور تحقیقاتی، بازشناسی متون عاشورایی، ترجمه‌ها، خلاصه‌ها، معرفی‌های جالب از منابع روایی، کلامی و مانند آن
ج: جنبه‌های کلامی، اعتقادی، ارزشی و اخلاقی و تربیت مری برای معرفی فرهنگ عاشورایی و نه عزاداری‌های عاشورایی و هدایت جوانان به سوی فضیلت‌هایی که در این حماسه به نمایش گذاشته شده‌اند.

به نظر می‌رسد که در این چارچوب رشته‌ای مقدماتی زواره‌ای بیشتر به دو حوزه هنر پژوهی و دین پژوهی توجه کرده است اما مشکل این است که می‌توان با این شیوه لیست رشته‌های مرتبط را بسیار گسترش داد. به عنوان مثال تقریباً نظریه‌ای متواتر است که فرهنگ عاشورا و روایت ویژه شهادت طلبانه و آزادی خواهانه از آن نقشی بی‌مانند در شکل‌گیری انقلاب اسلامی و مقاومت در برابر تجاوزات عراق داشته است. بنابراین حتی مطالعات نظامی و علوم

نمادی از رویداد غم‌انگیزی است که به دنبال تخصصی‌تر شدن علوم اتفاق افتاده است. فیلسوفان و جامعه‌شناسان علم می‌گویند که با تخصصی شدن علوم، به عنوان مثال ما با پزشکان متخصصی مواجه‌ایم که تمام اسرار چشم انسان را می‌دانند اما رویکردی فرآگیر نسبت به کلیت سلامت انسان ندارند.

برای حل این مشکل چارچوب‌های رشته‌ای جدیدی به تدریج در سه دهه گذشته ایجاد شده است که در صدد مواجهه با مشکل فوق است. رشته‌های بین رشته‌ای عموماً رشته‌هایی دانشگاهی و معمولاً در سطوح تحصیلات تکمیلی هستند که بر اساس هدف و سؤال پژوهشی فرآگیر و با مشارکت متخصصان و کارشناسان از رشته‌های تخصصی گوناگون تشکیل می‌شود.

عاشورا پژوهی به عنوان رشته‌ای دانشگاهی تنها هنگامی با بنیانی کج متولد نخواهد شد که دست اندکاران این حوزه با بازاندیشی و به دور از غرض‌ورزی از طرفی به نقد و بررسی فعالیت‌های صورت گرفته بپردازند و از طرفی دیگر با رویکردی آینده‌نگر به تدوین بنیان‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی رشته دانشگاهی عاشورا پژوهی همت گمارند

رشته مکاترونیک، به عنوان رشته‌ای بین رشته‌ای از جمله این رشته‌های دانشگاهی است که در آن متصان مکانیک و الکترونیک در صدد سازگار کردن هر چه بیشتر سامانه‌های مکانیکی و الکترونیکی برای ساخت ماشین‌های هر چه پیشرفته‌تر هستند.

در علوم انسانی رشته‌های بین رشته‌ای معمولاً به دنبال اهدافی اجتماعی یا پژوهشی شکل می‌گیرند. به عنوان مثال رشته مطالعات آمریکای شمالی در دانشگاه تهران به دنبال این ضرورت در سال‌های اخیر ایجاد شده است که در مقابله با خصومت سیاسی، نظامی و فرهنگی آمریکا، نخستین قدم شناخت جامعه، سیاست و فرهنگ آمریکاست. بر همین اساس اکثر دانشگاه‌های معتبر چین، رشته‌ای در مقطع

بخشایشی همچین می‌گوید که «عاشورا پژوهی یک کلمه است ولی دامنه بسیار گسترده‌ای دارد که تمام علوم و معارف اسلامی را دربر می‌گیرد». ولی بر خلاف مجاهدی او بیشتر بر علوم زمانه تأکید می‌کند و می‌گوید که مطالعه تاریخ اسلام و سیره علمی و عملی ائمه تنها پیش نیاز است و در عصر کنونی عاشورا پژوهی علاوه بر مبادی و مقدمات، باید از مسائل اجتماعی و سیاسی روز، روانشناسی و جامعه‌شناسی آگاه باد تا بتواند با توجه به نیازهای خاص روحی و اجتماعی صحبت کند و روح و اهداف قیام عاشورا را به زبان روز بیان کند. آنچه که بخشایشی از عاشورا پژوهی مراد می‌کند تنها یک پژوهشگر دانشگاهی برج عاج نشین و یا یک مورخ سده‌های اولیه اسلام نیست. او همچنین از عاشورا پژوهان می‌خواهد که فعالانه در فعالیت‌ها و مسائل روز کشور و جامعه کمک کنند و با توجه به اهداف راستین عاشورا برای بهبود مسائل اجتماعی بکوشند.

ویژگی‌هایی که محققان برای یک عاشورا پژوهی مطرح می‌کنند، به واقع همه آن تخصص‌هایی است که در علوم اسلامی و انسانی در خلال سال‌ها متولد شده است و بسط و توسعه یافته است. در رشته‌هایی چون علم کلام و رجال و تاریخ اسلام و حتی رشته‌هایی چون فلسفه و عرفان اسلامی و زبان و ادبیات فارسی از جنبه‌های مختلف به واقع عاشورا پرداخته شده است. علوم دیگری چون جامعه‌شناسی و روان‌شناسی در بررسی‌های دینی خود ناخودآگاه مجبور به مراجعه به منابع و فرهنگ دینی از جمله واقع عاشورا هستند. مجموعه تألیفات علمی و تبلیغی پیرامون واقع عاشورا در بازار نشر وجود دارد، در کتابخانه‌ها نگهداری می‌شود و یا در آرشیو مقالات علمی-پژوهشی و روزنامه‌نگارانه نگهداری می‌شود نیز شاهد دیگری از توجه پراکنده به واقع عاشورا در سال‌های گذشته بوده است. با این حال تنها پراکندگی این تلاش‌ها تنها دلیل حمایت از رشته‌ای دانشگاهی با عنوان عاشورا پژوهی نیست.

عاشورا پژوهی: چارچوبی بین رشته‌ای

طنزی مشهور درباره پزشکان وجود دارد که می‌گوید اگر از دو پزشک متخصص جراحی و داخلی خواسته شود که برای جلوگیری از سقوط جلوی بسته شدن در آسانسور را بگیرند، جراح سر و متخصص داخلی دستپایش را جلوی در آسانسور می‌گیرد، زیرا جراح به سر و متخصص داخلی به دست نیازی ندارد. این داستان

سیاسی را نیز باید به لیست منابع رشته‌های دانشگاهی با عنوان عاشورا پژوهی اضافه کرد. از طرف دیگر در طرحی که زواره‌های برای رشته دانشگاهی عاشورا پژوهی در ذهن دارد، فعالیت‌ها، چارچوب‌ها و منابع آموزشی مفروض برای این رشته همزمان با اهداف این رشته همچون هدایت جوانان خلط شده است.

بر خلاف زواره‌ای که بیشتر دغدغه جنبه‌های نظری رشته‌های دانشگاهی را دارد، دکتر مجاهدی درباره تأسیس رشته‌ای با عنوان عاشورا پژوهی رویکردی عمل‌گرا دارد: «شاید بسیاری از متولیان امور فرهنگی با شنیدن عناوین دهان‌پرکنی چون دانشکده و دانشگاه، از همان آغاز مخالفت ضمنی خود را ابراز نمایند، ولی عناوینی همانند دوره آموزشی و تخصصی و یا آموزش‌شده و پژوهش‌شده کمتر حساسیت برانگیزند و باید برای تربیت عاشورا پژوهان از همین عناوین استفاده کرد». رویکرد او نه تنها به جنبه‌های انسانی، عینی و بوروکراتیک تأسیس چنین رشته‌ای اشاره دارد، که پیشنهادش به تدریج به توسعه حوزه‌های خرد از پژوهش‌ها منجر می‌شود که در دراز مدت داشته‌های فراوانی برای تبدیل شدن به یک شاخه پژوهشی و رشته‌ای آموزشی خواهد یافت.

به نظر می‌رسد نارسایی‌هایی که در طرح‌های ذهنی و اولیه‌ی عاشوراشناسانی چون زواره‌های و مجاهدی برای رشته‌های دانشگاهی با عنوان عاشورا پژوهی وجود دارد، نمونه‌ای از خروار است. عشق عاشوراشناسان و همه‌ی خادمان امام حسین (ع) به ائمه اطهار سبب شده است که بیش از آن که به تفکر درباره ریشه‌های نظری و مفروضه‌های مستتر در فعالیت‌های پژوهشی و تبلیغی خود بپردازند، درگیر فعالیت‌های عینی و عملی مرتبط با قیام عاشورا، از تصحیح و چاپ نسخه‌های خطی و ثبت نسخه‌های مختلف تعزیه و دیگر آئین‌های فرهنگ عامه مرتبط با عاشورا تا پژوهش‌های سیاسی و اجتماعی نقش فرهنگ عاشورا در ایران امروز بوده‌اند. هر چند که گستردگی فعالیت‌های پژوهشی این چینی، منابع بسیار ذی‌قیمتی برای گسترش دانش ما از واقعه عاشورا باشد، اما رشته‌های دانشگاهی تنها هنگامی با بنیانی کج متولد نخواهد شد که دست‌اندرکاران این حوزه با بازاندیشی و به دور از غرض‌ورزی از طرفی به نقد و بررسی فعالیت‌های صورت گرفته بپردازند و از طرفی دیگر با رویکردی آینده‌نگر به تدوین بنیان‌های هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی رشته دانشگاهی عاشورا پژوهی همت گمارند.

عاشورا پژوهی: آرمان رشته‌های دانشگاهی ولی غیر بوروکراتیک

تأسیس هر رشته دانشگاهی ناخودآگاه فعالان آن عرصه را با دو حوزه به هم پیوسته آموزش و پژوهش درگیر می‌کند. حمایت از فعالیت‌های پژوهشی مرتبط با قیام عاشورا حتی اگر به انجام پژوهش‌هایی مغرضانه با رویکردی منفی منجر شود، نقد و بررسی مستدل این دسته از پژوهش‌ها به پالایش بیشتر بصیرت و دانش ما نسبت به این واقعه منجر خواهد شد. در مقابل، هنگامی که به فرآیند آموزش این رشته در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در دانشگاه بیندیشیم، ناخودآگاه با این پرسش مواجه خواهیم بود که آیا آموزش دیدگان از دانش و توان عملی‌زنده نگه داشتن ارزش‌های این واقعه همچون مبلغی دینی برخوردار خواهند بود؟

اگر بنیان‌های این رشته جدید به درستی گذاشته شود، نخستین رشته بومی در تاریخ ایران خواهد بود که فعالان آن علاوه بر برخورداری از منزلت دانشگاهی و ارادتشان به دانش و پژوهش، برج عاج‌نشین و معتقد به جدا بودن دانش از ارزش نیستند و به اندازه مبلغان و مداحان، بر نقش اجتماعی فعالیت‌های خود برای حفظ ارزش‌های والای قیام عاشورا تأکید می‌کنند

باشد. این دسته از مخالفت‌های نادعلیزاده هر چند که بیشتر درباره کلیت آموزش عالی در ایران است اما به نوبه خود قابل توجه است. او از همه دست‌اندرکاران می‌خواهد که «دین و فرهنگ شیعه را در قالب‌های محقر نمره و مدرک، محصور نکنیم و به حرمت‌خاندان عصمت، متعرض نشویم». چنین دغدغه‌هایی علاوه بر نگرانی از بوروکراتیزه شدن عاشورا پژوهی دغدغه مهم‌تر دیگری نیز دارد و آن نگرانی از نقش دانش و دانش پژوهان در جامعه است.

حتی کسانی نیز که رویکرد مثبتی به تأسیس رشته دانشگاهی عاشورا پژوهی دارند، دغدغه‌های مشابهی از این دست دارند. به عنوان مثال، گلی زواره‌ای می‌گوید که «بنیان نهادن رشته عاشورا پژوهی می‌تواند تمام تلاش‌های علمی، آموزشی و فکری مرتبط با عاشورا را متمرکز نموده و سازماندهی کند اما این خطر و عارضه را هم امکان دارد با خود به همراه بیاورد که عده‌ای در این رشته به صرف کسب امتیازات و مدرک‌گرایی و فراگیری معلومات صرفاً حافظه‌ای و محفوظ در ذهن و فکر اکتفا کنند و این آموخته‌ها در رفتار و اخلاق و تلاش‌های علمی آنان اثری نگذارد».

شاید یکی از آینده‌های مطلوب برای همه عاشقان امام حسین (ع) شامل این نکته نیز باشد که فرزندان خود را به جای ترغیب به رشته‌ای کلیشه‌ای چون فلسفه اسلامی یا فقه برای ورود به رشته عاشورا پژوهی در یکی از دانشگاه‌های معتبر ترغیب کنند اما تارسیدن به آن نقطه امیدها و نگرانی‌ها فراوانند. تا این لحظه آن چه که می‌تون گفت این است که همزمان باید به مفروضه‌های این رشته و شرایط آرمانی آن توجه کرد و از طرف دیگر با شجاعت به آسیب‌شناسی وضعیت موجود پرداخت. هر چند که قضاوت درباره سسترون بودن رشته‌های جاافتاده دانشگاهی همچون عرفان و معارف اسلامی، به راحتی امکان‌پذیر نیست اما می‌توان گفت که خلاء حضور رشته‌های جامع و کلیت‌گرا درباره موضوعی به سترگی عاشورا احساس می‌شود. اگر بنیان‌های این رشته جدید به درستی گذاشته شود، نخستین رشته بومی در تاریخ ایران خواهد بود که فعالان آن علاوه بر برخورداری از منزلت دانشگاهی و ارادتشان به دانش و پژوهش، برج عاج‌نشین و معتقد به جدا بودن دانش از ارزش نیستند و به اندازه مبلغان و مداحان، بر نقش اجتماعی فعالیت‌های خود برای حفظ ارزش‌های والای قیام عاشورا تأکید می‌کنند. بنابراین، به نظر می‌رسد که تارسیدن به این نقطه آرمانی باید محتاط ولی ثابت‌قدم بود.

شاید به همین دلیل است که کسانی چون نادعلیزاده اساساً با ایده تأسیس رشته یا دانشگاهی با عنوان عاشورا پژوهی مخالفت می‌ورزند و می‌گویند که «عاشورای حسین، دانشگاه نمی‌خواهد». به اعتقاد او دانشکده‌ها و حتی دانشگاه‌هایی با موضوعات علوم قرآنی، حدیث، کلام، فقه، فلسفه و... پس از شروع به کار و گذشت ایام، دچار روزمرگی و گرفتار اقتضائات و پیچ و خم‌های رایج در محیط‌های دانشگاهی و اداری شده‌اند؛ نتیجه‌ی این فرآیند، کاهش سطح علمی پژوهش‌ها و مطالعات در حد تحقیقات ساده و پایان‌نامه‌های بی‌محتوا بوده است که چه بسا این نتیجه حاصل شود که نبود چنین مؤسساتی، با برکت‌تر از وجود آن‌ها در مجموعه‌ی فرهنگ غنی شیعی



خبرنامه هفتگی دعبل

خبرنامه هفتگی دعبل، مروری است بر مهم‌ترین رویدادهای هر هفته و تولیدات رسانه‌ای وبسایت بنیاد دعبل خزاعی. علاقه‌مندان برای مرور مجموعه اخبار، گزارش‌ها و مقاله‌های دعبل در پایان هر هفته می‌توانند با دانلود فایل پی‌دی‌اف خبرنامه هفتگی، به مهم‌ترین اخبار هفته گذشته دسترسی داشته باشند.



وبسایت بنیاد دعبل

در پایگاه اطلاع‌رسانی دعبل به آدرس وبسایت: www.deabel.org سعی می‌کنیم با رعایت عدالت رسانه‌ای در رابطه با نخبگان ستایشگری و همچنین موضوعات مربوطه، ضمن گزارش انجام وظایف خدماتی، فرهنگی، علمی و رسانه‌ای بنیاد دعبل، زمینه را برای همفکری و هم‌اندیشی و ارتقاء کیفی فرهنگ دینی فراهم کنیم. در این پایگاه اطلاع‌رسانی علاوه بر اخبار و گزارش‌های مرتبط با عملکرد بنیاد دعبل خزاعی و نهادهای فعال در حوزه ستایشگری اهل بیت - علیهم‌السلام - مقالات و گفت‌وگوهای با استادان و کارشناسان این حوزه به‌روز خواهد شد.



واحد نشر الکترونیک

واحد نشر الکترونیک دعبل ذیل انتشارات دعبل فعالیت می‌کند. این واحد با انتشار نرم‌افزارهای فرهنگی و مذهبی و سی‌دی‌های چندرسانه‌ای از بهمن ۱۳۹۲ ش. به ذاکران و شاعران آیینی خدمات فرهنگی مناسبی ارائه می‌کند. از جمله آثار این واحد تا کنون عبارت است از: «نرم‌افزار بازار موبایل دعبل»، «نرم‌افزارهای موبایل ره‌توشه ذاکرین ۱،۲،۳»، «نرم‌افزار موبایل منشور ستایشگری»، «نرم‌افزار موبایل نحوه نوحی ۱،۲»، «سی‌دی‌های چندرسانه‌ای «ماهنامه دعبل»، «منشور ستایشگری» و «بازار دعبل». سی‌دی چندرسانه‌ای بازار دعبل حاوی همه نرم‌افزارهای موبایل تولیدشده در بنیاد دعبل خزاعی تا کنون است.



انتشارات دعبل خزاعی

انتشارات دعبل خزاعی جمع‌آوری و مستندسازی مواریت فرهنگی عرصه ستایشگری در استان‌ها (نوحه‌ها، مراثی، اشعار، مناسک و...) را در دستور کار دارد. این انتشارات تا کنون نوحه‌های اصیل و کهن استان‌های اصفهان، همدان، بوشهر، فارس، یزد و گرگان (هر کدام ۷۲ نوحه برگزیده به همراه متن، آوانگاری و فایل صوتی) را آماده انتشار کرده است. کتاب «منشور ستایشگری» گزیده‌ای از رهنمودهای مقام معظم رهبری به ستایشگران و ذاکران اهل بیت رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - نیز از جمله آثار این انتشارات است.

فرم نظرسنجی دعبل شماره ۱۴

خواننده گرامی!

برای رسیدن به بهترین نمونه یک نشریه فرهنگی - اجتماعی در حوزه ستایشگران و ذاکران اهل بیت علیهم السلام، به راهنمایی های شما و آراء و نظریاتتان نیازمندیم. ان شاءالله به کمک شما، محتوا و فرم این ماهنامه مرضی خاطر مولایمان ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. برای ارسال این فرم، آن را از نشریه جدا کنید و بدون پاکت پستی و الصاق تمبر، در صندوق پست بیندازید. بهره مندی از آراء ارزشمند شما مایه امتنان این مرکز خواهد بود.

نام:

نام خانوادگی:

۱- جنسیت: زن مرد

۲- سن:

۳- تحصیلات:

۴- ارزیابی شما از کیفیت مطالب چیست؟

خوب متوسط ضعیف

۵- انتخاب سوژه ها در گفت و گوها، مقالات، گزارش ها و .. تا چه اندازه با مخاطبان نشریه هم خوانی دارد؟

زیاد متوسط کم خیلی کم

۶- حجم مطالب را چگونه ارزیابی می کنید؟

بیش از نیاز کافی کم

۷- سبک نوشتاری و ویرایش مطالب چگونه است؟

بسیار خوب خوب متوسط ضعیف

۸- تیرها و سوتیترهای انتخابی تا چه حد شما را برای خواندن مطالب ترغیب می کنند؟

بسیار زیاد زیاد کم بسیار کم

۹- صفحه آرایی مطالب چه طور است؟

بسیار خوب خوب متوسط ضعیف

۱۰- کدام مورد را برای طرح جلد این نشریه مناسب می دانید؟

طراحی مفهومی عکس پیرغلامان

توضیح بیشتر:

.....

۱۱- به نظر شما انتشار نشریه ای با ویژگی های «دعبل» ضرورت دارد

بسیار ضروری است ضروری است موازی کاری است

شاید با تغییر در فرم و محتوا، ضرورت آن احساس شود

۱۲- بهترین طرح جلد از نظر شما: شماره.....

بهترین طرح صفحه از نظر شما: صفحه..... شماره.....

بهترین مطلب از نظر شما: مطلب..... شماره.....

۱۳- به نظر شما «دعبل» به چه مطالب دیگری باید پردازد؟.....

.....

.....

۱۴- سایر پیشنهادها و انتقادات خود درباره «دعبل» را بفرمایید؟.....

.....



نیازی به الصاق تمبر نیست
هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۱۴۱۵۴/۴۸۷ پرداخت شده است.

نام شرکت: بنیاد دعبل خزاعی

شماره صندوق پستی: ۱۴۱۵۵/۸۸۴۸

تلفن و فکس: ۲ - ۸۸۵۳۸۷۵۰ - ۰۲۱

نام شهر: تهران

.....

مشخصات فرستنده:

نام و نام خانوادگی:

استان:

آدرس دقیق پستی:

.....

.....

تلفن:

کد پستی: